



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



■ سردبیر: مصطفیٰ عمانیان
 ■ مدیر تحریریه: محمد مهدی رجبی
 ■ مدیر اجرایی: نوید منتظر
 ■ مدیر هنری: حمید خانمحمدی

■ صاحب امتیاز:



ماهنامه فرهنگی هنری

سال پنجم

شماره ۴۵

آبان ۱۴۰۱

ماهنامه تخصصی حوزه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مقاومت

گفتمان



۴۸ | استکبار چیست؟
 استکبار ستیز کیست؟
 ۵۱ | شریعت و غرب
 شریعت و انقلاب
 ۵۷ | نظریه مقاومت
 دیالکتیک مردم و حاکمیت
 ۶۰ | نزاع با استکبار

دیده بان



۳۲ | فراموشی دفاع مقدس
 یک فاجعه است
 ۳۷ | بزرگمردان کوچک
 ۴۳ | سه گانه مسعود

راویان



۱۸ | ایرانی ها چه روایی در
 سر داشتند؟
 ۲۲ | انقلابی در تبعید
 ۲۵ | میراث داران شهید
 شجاعی

یادمان



۶ | تهدیدی که فرصت شد
 ۱۰ | مسیر فتح خرمشهرها
 ۱۲ | از طرجه تا حقان

۴ آبان ماه ۱۳۴۳

اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی (ره)

علیه پذیرش کاپیتولاسیون



■ شورای سیاستگذاری:

فتح‌اله جعفری، حسین ولی‌وند
بیژن مقدم، محمود جوانبخت
محمد علی صمدی، سهیل کریمی
میثم رشیدی، سید ابوطالب موسوی
مجنتی مومنی، جواد شادانلو

■ باهمراهی:

مجنتی عبادی فتح، نرگس سوری، جواد چهاردولی، غزاله افتخاری، محمود ملکی، زهرا احمدی
فرشته صائمی، سید روح‌الله امین آبادی، مجید ترابی، زهرا صلواتی، محسن محمدی، ارغوان محمدی
احسان بیسادی، سید ابراهیم آل مصطفایی، امیر حیدری، محمد نصیری، کبری سنگوری زاده
ریحانه جعفری، محمد حسن جعفری، پگاه احمدی، مهرداد صالحی، داود صالحی، ریحانه جعفری
آریا فارسی، ابوالفضل صالحی

چهره‌ها

۱۸

حسین
الله کرم



۳۲

سیروس
کهوری نژاد



۵۱

بیژن
عبدالکریمی



۶۹

محسن
رفیق دوست



۱۱۶

لری
الیوت



۱۱۷

سیلویا
وستال



ترجمان



۱۰۴ | تصویر یک انقلاب

۱۱۲ | جنگ دلار؟

۱۱۳ | آیا روسیه در نبرد

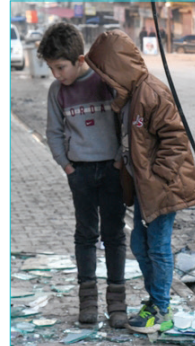
اقتصادی با آمریکا پیروز

می‌شود؟

۱۱۷ | تنش ژئواکونومیک

آمریکا و عربستان

راهمیان



۸۶ | اصل ماجرا

۹۰ | تغییر به قیمت خون!

۹۶ | ایران سوریه نخواهد شد

۱۰۰ | عاشق شهدا بود

پرسه‌مان



۶۶ | اقتدار موشکی

قیام سبیل‌ها

۶۹ | چگونه موشکی شدیم؟

۷۲ | مردی با آرزوهای دورتر

۷۶ | امام (ره) فرمود معادلات

شرق و غرب را به هم زدید

■ همراه شوید:

سرواز همراهی پژوهشگران، هنرمندان
وا اهالی قلم استقبال می‌کند.
مطالب ارسالی می‌بایست بین
۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه بوده و در فایل word
به آدرس الکترونیکی
sarvmag.ir@gmail.com
ارسال شوند.

■ نشانی:

تهران، میدان ونک
بزرگراه شهید حقانی، خیابان سرو
موزه ملی انقلاب اسلامی
و دفاع مقدس

■ تلفن:

۸۸۶۵۷۰۲۶ - داخلی ۸۸۸

ضرورتِ روایتِ صحیح



محمد قاسم ناظر

بسیاری از مسائل اگر به قاعده و در چارچوبی منطقی و عقلانی طرح و بسط شوند، پاسخ متناسب و صحیح را نیز در خود مستتر دارند، پژوهشگر و جوینده‌ای که به دنبال پاسخ است، تنها کافی است صورتبندی معقول و مناسبی از مساله داشته باشد.

سوالات و شبهاتی که پیرامون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مطرح می‌شوند نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اما آنچه در جبهه‌ی مقابل انقلاب اسلامی عموماً با قصد و غرض، و از طریق جریان‌های مثلاً آزاد اطلاعات و اخبار توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به مخاطب القاء می‌شود، بیش از اینکه بنای پاسخ به سوال و رفع شبهه و گشودن گره‌ای از ذهن مخاطب را داشته باشد، با دست بردن در روال منطقی طرح سوال، پاسخ را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد و مخاطب را سرگردان‌تر از قبل می‌کند.

تاکید عقلای جامعه بر روایت صحیح و دست‌اول از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، که این اواخر با عنوان **جهاد تبیین** از آن یاد می‌شود، در واقع ایجاد جریانی است برای مقابله با همین جریان معوج.

مشخصاً درباره‌ی روایت تاریخ انقلاب و دفاع مقدس دو خطر اساسی وجود دارد؛

اول؛ گذر زمان و از میان رفتن افرادی که خود در صحنه حضور داشته‌اند و مع الاسف فقدان آن‌ها روایات دست‌اول و صحیح را به محاق خواهد برد، مبارزان و رزمندگان و پیشکسوتانی که ثبت و ضبط تجربه‌ها و دیده‌هایشان، حفظ و نگهداری بخشی از تاریخ است. در این باره گرچه سازمان‌ها و نهادها و افراد زیادی دست به کار شده‌اند و ذیل عنوان تاریخ شفاهی و مستندنگاری، بخش‌هایی از تاریخ

را محافظت کرده‌اند، اما همین جریان نیز با آفاتی از قبیل استناد به واقع دست و پنجه نرم می‌کند. از همین روست اگر درباره واقعه‌ای گاهی چند روایت حتی متضاد وجود دارد و محقق و مخاطب را دچار جاع بدن دچار سردرگمی می‌کند.

از طرفی در فرآیند تاریخ شفاهی، بیشتر فرماندهان و بزرگان مورد سوال قرار گرفته‌اند و ظرفیت‌های فعال این جریان که همانا مبارزان کف‌خیابان و رزمندگان پشت خاکریزها باشند مورد غفلت واقع شده‌اند. کسانی که روایت هر کدامشان می‌تواند تکه‌ای از این پازل وسیع و گسترده را تکمیل کند. **دوم؛** موازی‌کاری‌ها گاهی تا بدانجا پیش می‌روند که از یک اتفاق چندین روایت به دست می‌دهد و همین روایت‌ها بهانه و بستری می‌شود برای بیگانگان تا پروژه‌ی تحریف و طرح شبهه را با قوت بیشتری ادامه دهند.

موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بنا بر رسالت و وظایف تعیین شده‌ی خود به دو طریق سعی کرده است تا این تهدیدها را برطرف یا لااقل به حداقل برساند؛

ابتدا در بازنگری و طرح مفاهیم موزه‌ای که عموماً با مخاطب عام و بازدیدکنندگان موزه از قشرهای مختلف در ارتباط است و در مرحله بعد با تعریف کلان طرح‌های تحقیقاتی، محققان، پژوهشگران و طراحان موزه‌های دفاع مقدس را در روایتی صحیح از تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همراهی کرده است.

امید آنکه جریان مبارزه با تحریف تاریخ سراسرافتخار این سال‌ها، بیش از پیش سامان گرفته و روایتی صحیح و عقلانی - آنچنان که به واقع بوده است - به دست نسل‌های امروز و فردا برسد.

یادمان



۱۰
مسیر فتح خرمشهرها



۶
تهدیدی که فرصت شد



۱۴
از طریقه تا حقانی



گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس

تهدیدی که فرصت شد

در آستانه هفته دفاع مقدس امسال، جمعی از فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس و خانواده‌های شهدا، صبح چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ با حضور در حسینیه امام خمینی (ره) با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. علاوه بر آن‌ها، جمع دیگری از پیشکسوتان دفاع مقدس در اقصی نقاط کشور نیز از طریق ارتباط تصویری با همه مراکز استان‌ها در این دیدار حضور داشتند. آنچه می‌آید گزیده‌ای است از بیانات ایشان.

بنده می‌گفت؛ می‌گفت امپریالیسم - به تعبیر او «امپریالیسم» - به تعبیر ما «استکبار» - دست بر نمی‌دارد، دنبال می‌کند و این جنگ را تحمیل می‌کند...

تهدیدی که فرصت شد!

حقیقت دوم که آن هم بسیار حقیقت مهمی است، این است که این سه عنصر قدرت انقلاب [یعنی] آن اقتدار عظیم انقلاب و آن قدرت جوشان انقلاب، و رهبری امام که عنصر بسیار مهم و مؤثری بود، و خصوصیات برجسته‌ی ملت ایران - که حالا [در مورد] آن خصوصیات برجسته ممکن است اگر یادمان بماند و وقت باشد، مختصری عرض کنم - موجب شد که این تهدید تبدیل بشود به فرصت. جنگ حادثه‌ی تلخی است، یک تهدید قطعی است اما فوران انقلاب و قدرت انقلاب و رهبری امام و خصوصیات ملت ایران توانست این تهدید بزرگ را تبدیل کند به فرصت بزرگ که این یکی از آن فصلهای شورانگیز دفاع مقدس است؛ در این زمینه خیلی باید کار بشود؛ خیلی باید کار بشود. فرصتهایی که در اثر دفاع مقدس برای کشور پیش آمد، برای اکثر مردم ناشناخته است... ما ببینیم هدف‌های جنگ چه بود، چرا به ما حمله شد، چرا صدام به ما حمله کرد. هدف او در مرحله‌ی اول، تجزیه‌ی کشور و جدا کردن یک بخش مهم کشور یعنی خوزستان بود؛ در مرحله‌ی اول، هدف این بود که اینجا را جدا کنند؛ که خب مردم خوزستان و [مردم] عرب خوزستان علی‌رغم دشمن، یکی از بهترین دفاع‌ها را خودشان انجام دادند. بله از همه‌ی کشور به خوزستان رفتند اما در خود خوزستان، یک مجاهد و مبارزی مثلاً مثل شهید علی هاشمی - که از اهواز است؛ عرب اهوازی است - جزو شخصیت‌های برجسته‌ی درجه‌ی یک دفاع قرار می‌گیرد؛ یعنی خوزستانی‌ها این جوری حرکت کردند در مقابل دشمن؛ خب این هدف مرحله‌ی اول بود. لکن در مراحل بعدی - همین طوری که گفتیم - بحث به زانو درآوردن ملت ایران بود. آن‌ها می‌خواستند جمهوری اسلامی را براندازی کنند... می‌خواستند سرنوشتی را که به وسیله‌ی انقلاب ترسیم می‌شد، تغییر بدهند و سرنوشت ایران را عوض کنند؛ هدف این بود. می‌خواستند صدای ملت ایران را در گلو خفه کنند. ملت ایران یک پیام جدیدی داشت، یک حرف نویی به دنیا عرضه کرد. «جمهوری اسلامی» یک حرف نواست.

السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

پیش‌کسوتان، مصداق «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» (توبه-۱۰۰) هستند؛ مصداق «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (واقعہ-۱۰) هستند؛ یعنی کسانی که زودتر از دیگران نیاز را شناختند و دانستند، برای برآوردن آن نیاز شتافتند؛ آن هم در میدان سختی مثل میدان جنگ، میدان جهاد، میدان فداکاری؛ [سابقون] اینها هستند؛ بنابراین تمجید از اینها و احترام به اینها وظیفه‌ی همه‌ی ما است...

برسد به گوش جوان‌ها

خب حالا من چند مورد حقایق از دفاع مقدس را عرض می‌کنم و هدفم هم این است که این حرف‌ها به گوش جوان‌های ما برسد، به گوش نوجوان‌های ما برسد... یک حقیقتی که بنده می‌خواهم روی آن تکیه کنم، این است که حمله‌ی نظامی به کشور بعد از انقلاب، غیرمنتظره نبود؛ حمله‌ی اینها به نظام انقلابی یک امر طبیعی است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه اینها از انقلاب به شدت عصبانی بودند، و این، واکنش آن‌ها بود به این انقلاب بزرگ. این انقلاب کارهایی را انجام داد که شاید خود ماها خیلی ملفت ابعادش نبودیم؛ آن‌ها آن روز بیشتر از خود ما می‌فهمیدند که چه اتفاقی در دنیا افتاد با این انقلاب. صرفاً این [مسئله] نبود که انقلاب اسلامی ایران یک شکست سیاسی مقطعی به آمریکا یا به استکبار یا به مجموعه‌ی نظام سلطه وارد کند؛ فقط این نبود؛ این انقلاب، تهدید امپراتوری نظام سلطه بود... احمد سکوتوره، رئیس جمهور گینه که جزو شخصیت‌های سیاسی برجسته‌ی آفریقا بود و آدم مستقلی هم بود، چند بار آمد ایران؛ اوایل ریاست جمهوری بنده بود که او با یک هیئتی آمده بودند برای اینکه از ما درخواست کنند که ما با عراق آتش بس بدهیم؛ تازه یکی دو سالی بود که جنگ شروع شده بود، آمده بودند برای اینکه بلکه آتش بس ایجاد کنند، اما او خصوصی به من گفت که این را شما بدانید که این جنگ ناگزیر بود برای شما - مضمون حرفش این بود - برای خاطر اینکه هر انقلابی که نتواند آن را ساقط کند و ملت انقلابی را به زانو دریاورند، نهایتش یک چنین جنگی است؛ یک چنین جنگی حتماً تحمیل می‌شود و نمونه‌هایی را ذکر می‌کرد که این [طور] شده و این کار هم کار قدرتهای استکباری است. او مرد مسئی بود، پیرمردی بود آن وقت که این حرف را به

صورت می‌گرفت؛ در هنگامی که جنگ شروع شد، یکی از مشکلات ما آن وقت همین بود؛ اختلافات بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به خاطر بد اخلاقی‌ها و کج رفتاری‌های رئیس‌جمهور که مردم را به دو قسمت تقسیم کرده بودند و در واقع داخل خانواده‌ها حتی دودستگی و دوقطبی و اختلاف به وجود آورده بودند. گروهک‌ها هم به نفع خودشان همین‌طور مشغول ایجاد تفرقه بودند؛ مردم را گروه‌گروه می‌کردند. دفاع مقدس مردم را متحد کرد.

محبوبیت نیروهای مسلح

هنگامی که جنگ شروع شد، وضع ما از لحاظ نظامی خوب نبود؛ ارتش ضربه خورده بود؛ از قبل از انقلاب ضربه خورده بود، در جریان انقلاب و بعد از انقلاب ضربه‌هایی خورده بود؛ سپاه هنوز ریشه‌دار نشده بود، جانی پیدا نکرده بود. دفاع مقدس توانست از طرفی، آزمون وفاداری ارتش جمهوری اسلامی به نظام مقدس اسلامی بشود که توانایی‌های خودش را به میدان آورد و شخصیت‌های برجسته‌ای از آن، کارهای بزرگی انجام دادند؛ از یک طرف، سپاه به عنوان یک حقیقت درخشنده سر بر آورد و طلوع کرد. اگر دفاع مقدس نبود، ممکن بود حتی جسم سپاه و بیکره‌ی سپاه هم باقی نماند؛ مثلاً سرنوشتی مثل کمیته‌ها پیدا کند...

محبوبیت نیروهای مسلح افزایش پیدا کرد. وقتی که در یک کشوری مردم به نیروهای مسلح علاقه پیدا میکنند، محبت پیدا میکنند، احساس امنیت در آن کشور به وجود می‌آید؛ وقتی مردم خاطرشان از ارتش و سپاه جمع است، طبعاً یک احساس امنیتی در مردم به وجود می‌آید. خیلی مهم است این احساس امنیت، و این اتفاق افتاد؛ دفاع مقدس این احساس امنیت را به آن‌ها داد.

تدبیر و عقلانیت در دفاع مقدس

گاهی مثلاً گفته می‌شود موج انسانی و جوان‌ها و مانند اینها [جنگ را پیش برد]؛ قضیه این جوری نبود؛ در مجموعه‌ی حرکات نظامی هشت ساله، تدبیر و عقلانیت به‌طور محسوس وجود داشت. حالا در گزارش سردار باقری بود که بعضی از این راه‌ها و روش‌ها و به تعبیر صحیح، راه‌کنش‌ها ترجمه‌ی تاکتیک - که در دفاع مقدس به کار برده شد، ابتکاری بود و بنا است که اینها در کتاب‌های درسی برود یا رفته یا خواهد رفت. واقع قضیه این است؛ یعنی انسان وقتی نگاه

«مردم‌سالاری دینی» یک حرف جدید است، یک ترتیب تازه برای زندگی است، یک سبک جدید برای زندگی ملت‌ها است؛ خواستند این پیام که پیام مقاومت است، پیام ایستادگی است، پیام عدم تسلیم در مقابل زورگویی است، پیام مقابله‌ی با ظلم است، پیام مقابله‌ی با تبعیض بین‌المللی است نرسد؛ خواستند این پیام را خفه کنند؛ هدف این بود...

ملت؛ عمق دفاعی صف اول جنگ

خب حالا پاسخ ملت ایران چه بود؟ ملت ایران همه‌ی این هدف‌ها را خنثی کرد و خودش را بالا کشید، و درست نقطه‌ی مقابل آن کاری که آن‌ها می‌خواستند اتفاق بیفتد، اتفاق افتاد. اینکه گفتم این یک فصل بسیار شورانگیز است و فصل هیجان‌آوری است، از این جهت است. ملت درست عکس آنچه آن‌ها دنبالش بودند و آرزویش را داشتند و برایش این همه خرج کردند، و نقطه‌ی مقابل آن را به تحقق رساند.

اولاً همان‌طور که اشاره کردم، همان بخش‌هایی که می‌خواستند جدا کنند از کشور، مردم آن بخش‌ها خودشان پُرانگیزه ایستادند؛ به وسوسه‌ی عرب بودن و هم‌زبان بودن و این قبیل حرف‌ها اعتنائی نکردند، ایستادند...

ثانیاً دفاع مقدس میدان بُروز باورهای دینی و سجایای اخلاقی ملت ایران شد... ملت‌ها خصوصیات دارند که گاهی این خصوصیات بُروز نمی‌کند؛ یعنی عرصه‌ای برای بُروز پیدا نمی‌کند. دفاع مقدس عرصه‌ای شد برای بُروز برترین سجایای ملت ایران؛ این گذشت‌ها، این مجاهدت‌ها، این دین‌باوری‌ها؛ چه کسی باور می‌کرد؟ چه کسی تصوّر می‌کرد؟ از سراسر کشور خانواده‌هایی فرزندان خودشان را با طوع و رغبت فرستادند به عرصه‌ی دفاع مقدس؛ احتمال هم می‌دادند کشته بشوند اما در عین حال با طوع و رغبت فرستادند؛ پدرها و مادرهای پُرگذشت، همسران فداکار. همه‌ی کشور در واقع شد عمق دفاعی جبهه‌ها. صف اول جبهه‌ها جنوب کشور و غرب کشور بود اما همه‌ی کشور شد عمق دفاعی این صف اول...

اتحاد ملت

یک دستور دیگر، اتحاد ملت بود. آن‌هایی که آن زمان را یادشان است می‌دانند، در سطوح بالای سیاسی کشور ایجاد اختلاف



مرزهای ما را از هوا و دریا به نحوی شروع کرد، ناکام ماند؛ پرنده‌ی هوایی‌اش را زدند، متجاوز دریایی‌اش را تصرف کردند؛ اعتماد به نفس ملی یعنی همین؛ این ناشی از همان اصل آموخته شده‌ی در دفاع مقدس است که مقاومت، راه صیانت کشور است...

روایت صحیح از مقاومت

البته سعی دشمن این است که در همین مسئله‌ی روایت، نقطه‌ی مقابل حقیقت عمل بکند. دشمن، فرازها و اوج‌ها را انکار می‌کند؛ اگر یک مورد یک حسیضی وجود داشته، آن را بزرگ می‌کند؛ بدون شک این کار دشمن است. آن‌ها کار فرهنگی را، کار تبلیغی را، کار رسانه‌ای را با شدت و حدت دارند انجام می‌دهند؛ آن‌ها سعی می‌کنند با تبلیغات، با فعالیت‌های رسانه‌ای، هیبت و شوکت استکبار را به رخ جوان‌ها بکشند؛ زرق و برق آن‌ها را در چشم اینها جلوه بدهند؛ تلخی‌ها و تاریکی آن‌ها را پنهان کنند و در نقطه‌ی مقابل، اوج و اهمیت و فیض ناشی از دفاع مقدس و مسائل حول و حوش آن را پنهان کنند؛ می‌خواهند مردم را بترسانند از آن‌ها. وقتی که زرق و برق دشمن در چشم مخاطبین ملت‌های دیگر مثل ملت ما [در سابق]، جلوه می‌کند، وقتی هیبت و شوکت دروغین دشمن به رخ چشم‌ها کشیده می‌شود، نتیجه‌اش در میدان سیاسی، ترس از دشمن است؛ در میدان فرهنگی، خضوع در مقابل دشمن و خودکم‌بینی در مقابل دشمن است؛ لذا است که این کار روایت، کار بسیار مهمی است.

می‌کند، فرض کنید آن حرکتی یا آن راه‌کنشی که مثلاً در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد، قابل تدریس است، قابل نشان دادن به دنیا است؛ طراح‌ی‌اش کار کوچکی نبود؛ حالا عملش یک بحث دیگر است؛ نفس طراح‌ی. یا در عملیات بیت‌المقدس که دشمن طرف غرب ما است و منطقه‌ی جنوب اهواز را، مثلاً فرض کنید که آن صحرای عظیم را و مناطق آنجا را گرفته، ما قاعدتاً باید از شمال بیابیم طرف جنوب و با این برخورد کنیم؛ طبیعت قضیه و ظاهر قضیه این است؛ اما طراحان در دست‌های عملیاتی و در قرارگاه‌های اصلی به راه جدیدی دست پیدا می‌کنند؛ به جای اینکه از شمال بیابند روبه‌رو بشوند، از طرف شرق می‌آیند به طرف غرب، کارون را قطع می‌کنند، و دشمن را محاصره می‌کنند که خود دشمن وقتی که احساس می‌کند این جور مورد تهاجم قرار گرفته، از ترس محاصره شدن، بخش عظیمی از دشمن از این منطقه خارج می‌شوند و می‌روند. اینها تدبیر است، اینها عقلانیت است...

مقاومت به جای تسلیم

... دفاع مقدس یک اصل را برای ملت ایران ثابت کرد و آن اصل، این است که صیانت کشور و بازدارندگی کشور از دست‌اندازی دشمن با مقاومت به دست می‌آید نه با تسلیم... همان روز، همان اوایل هم کسانی بودند که معتقد به تسلیم بودند، منتها با شکل‌های مختلفی؛ حالا صریحاً ممکن بود اسمش تسلیم نباشد اما معنا و باطنش تسلیم بود که امام [در مقابل آن‌ها] در بخش‌های مختلف و مراحل مختلف محکم ایستاد. در مجموع جهاد دفاع مقدس، ملت ایران فهمید که پیروزی، پیشرفت، عقب ماندن دشمن، صیانت کشور، با مقاومت به دست می‌آید نه با تسلیم... ما از این اصل در بسیاری از مسائل گوناگون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیره استفاده کردیم و استفاده می‌کنیم. موضع کشور در بسیاری از این مسائل و سرفصل‌ها موضع ایستادگی است، موضع اقدام است، موضع پیشرفت است، نه موضع تسلیم و عقب‌نشینی... ما خوشبختانه با همین روحیه توانستیم تعدادی از نقشه‌های مهم دشمن را به شکست بکشانیم. نیروهای سیاسی ما، نیروهای نظامی ما توانستند در بسیاری جاها دشمن را ناکام بگذارند؛ دشمن فشار حداکثری را تحمیل کرد، ناکام شد؛ دشمن طرح خاورمیانه‌ی جدید را به میدان آورد، ناکام ماند؛ دشمن تعرض به



گزارش رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
در دیدار جمعی از پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس با رهبر انقلاب

مسیر فتح خرمشهرها

سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در دیدار روز ۳۰ شهریور جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و فرماندهان دفاع مقدس با رهبر انقلاب، گزارشی از فعالیت‌های ستاد کل نیروهای مسلح در حوزه حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را ارائه کردند که در ادامه می‌آید. در توضیحی کوتاه باید افزود، اهمیت این گزارش از آن جهت است که کارنامه‌ی یکساله‌ی فعالیت‌های علمی و فرهنگی درباره دفاع مقدس در تمام نهادها و سازمان‌ها، که عموماً زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح و نهاد تابعه‌ی آن، یعنی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس صورت می‌گیرد، ارائه شده و رهبرانقلاب اسلامی نکات و سرفصل‌های مهم فعالیت فرهنگی درباره دفاع مقدس را به حاضران متذکر می‌شوند.

سپاه به وحدت و هم افزایی به عملیات های پیروز ثامن الائمه (ع)، طریق القدس، فتح المبین و نهایتاً آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس باشد و نمونه های دیگر نیز بیسارند. لازم به تاکید است که از صمیم جان اعتقاد داریم امروز نیز نگاه به درون و داشته های ملی، اتکا به سرمایه عظیم جوانان دانشمند و انقلابی کشور و طراحی و برنامه ریزی آینده کشور بر اساس ابتکارات برخاسته از دانش، درک صحیح و عمل مجاهدانه با روحیات آن دوران نورانی قطعاً آنها مسیر راه گشای حل مشکلات کنونی و آینده کشور و فتح خرمشهرهای دیگر نیز خواهد بود.

ما حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس و زنده نگه داشتن معارف آن دوران پرافتخار و بهره گیری از تجارب آن دوران ارزشمند را وظیفه دینی و ملی خود می دانیم، ما حسب تاکید آن رهبر و فرمانده عزیز و انتظار و خواست ملت بزرگ ایران و تکلیف شرعی و ملی، حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس و زنده نگه داشتن معارف آن دوران پرافتخار و بهره گیری از تجارب آن دوران ارزشمند را وظیفه دینی و ملی خود می دانیم و در پاسداری از کیان ایران اسلامی عزت، کرامت و سربلندی ملت ایران از هیچ کوششی تا پای جان دریغ نخواهیم کرد.

ما خود را موظف می دانیم که با همراهی تمامی دلسوزان انقلاب اسلامی، پیشکسوتان جهاد و شهادت، فرهیختگان، اندیشمندان و جوانان غیرتمند این مرز و بوم، گنج دفاع مقدس که ثروتی بی پایان و الهام آفرین است را در راه اعتلای بازدارندگی، عزت، امنیت، استقلال، آزادی، سلامت، آسایش و آرامش ملت بزرگ ایران به کار بگیریم و آن را از هرگونه دروغ، اغراق، تحریف و انحراف مصون داشته و اجازه ندهیم که آن دوران پرافتخار، عزت آفرین و انسان ساز به فراموشی سپرده شود.

در حوزه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ۴۷۷ ستاد مجازی تحت عنوان ستادهای گرامیداشت مناسبت های ملی دفاع مقدس و مقاومت در دستگاه ها و سازمان های کشوری و لشکری در استان ها و شهرستان ها تا سطح روستاها برقرار شده که در طول سال برنامه های خود را اجرا می کنند.

همچنین ۴۰ مناسبت محوری به عنوان موضوعات مهم و ملی دفاع مقدس در سال ۱۴۰۱ تعیین شده است. ایجاد سامانه یکپارچه جهت ثبت برنامه های مرتبط با دفاع مقدس در ستادهای ذکر شده

عزیزانی که امروز توفیق شرفیابی به محضر حضرت عالی را پیدا کرده اند، جمعی از پیشکسوتان دفاع مقدس، رزمندگان، جهادگران، خانواده های معظم شهیدان، ایثارگران، جانبازان، آزادگان، روحانیون، بانوان، اقوام، اقشار، مداحان، پزشکان، شاعران، نویسندگان، سینماگران و دیگر اصحاب رسانه هستند که به نمایندگی از پیشکسوتان جهاد و مقاومت در این جمع حضور دارند. همچنین تعداد کثیری از پیشکسوتان دفاع مقدس و در مراکز استان ها شهرستان ها و دیگر مراکز و کشوری به صورت تصویری در ارتباط هستند.

موجب افتخار است که در گام دوم انقلاب اسلامی و در آستانه چهل و دومین سالگرد حماسه ایستادگی مقاومت و پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس که تضمین کننده حیثیت، هویت، امنیت، عزت و شکوه ملت بزرگ ایران و مقوم ارزش های متعالی انقلاب اسلامی است با هدف تجلیل و تکریم افتخار آفرینان و حماسه سازان جهاد و شهادت و بهره گیری از ذخیره ارزشمند و معنوی دفاع مقدس و معرفی سبک زندگی نورانی رزمندگان اسلام و شهادی عظیم الشان، سومین آئین تجلیل از یک میلیون پیشکسوت دفاع مقدس و مقاومت را با استعانت از درگاه الهی در محضر حضرت تعالی برگزار کنیم.

نگاه به دفاع مقدس پس از چهار دهه نشان می دهد جنگ بزرگ تحمیل شده به ملت ستم دیده ایران که با انقلاب اسلامی خود به تازگی کشور را از چنگال رژیم وابسته به حکومت سیاه گذشته آزاد نموده بود با الطاف خداوند و به برکت رهبری امام راحل و خون شهیدان و تلاش ایثارگران و ملت بزرگ ایران و به رغم خواست و اراده دشمنان برای شکست حکومت نوپا و ملت انقلابی به گنجینه بزرگ و سرمایه ای ماندگار برای تداوم تلاش، پیشرفت، عزت و سربلندی کشور تبدیل شد.

چه بسیار بن بست ها و سختی های طاقث فرسا در دوران دفاع مقدس که با اتکا به قدرت الهی، ابتکار، خلاقیت، تلاش و مجاهدت خالصانه به پیروزی های شیرین تبدیل شد.

شاید یکی از مهم ترین آن ها تبدیل بن بست شکست، عقب نشینی و ناامیدی ماه های اولیه جنگ با تغییر راهبرد نبرد کلاسیک مبتنی بر ابزار به نبرد انقلابی مبتنی بر ابتکار بومی و رزمندگان مجاهد انقلابی و البته استفاده بهینه از ابزار نظامی و تبدیل فاصله میان ارتش و

در سراسر کشور نیز از دیگر اقدامات انجام شده است.

سیاست‌گذاری و هماهنگی‌های کلان مرتبط با ترویج، نشر و تبیین ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت توسط هیأت امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس از دیگر برنامه‌های انجام شده در این رابطه است.

سیاست‌گذاری و هماهنگی‌های کلان مرتبط با ترویج، نشر و تبیین ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت توسط هیأت امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به صورت مرتب برگزار می‌شود که تاکنون ۲۰ سند اساسی از قبیل آیین‌نامه‌های کلان و اصلی، تصویب و پس از تصویب در روزنامه رسمی کشور ابلاغ شده و در حال اجرا و نظارت است؛ همچنین شورای هماهنگی همین موضوع در استان‌ها به مسئولیت استانداران و در شهرها و شهرستان‌ها به مسئولیت فرمانداران در حال فعالیت منظم هستند.

تعامل و همکاری نزدیک مسئولان دولتی، شوراهای شهر، شهرداری‌های سراسر کشور برای بهره‌گیری از امکانات و توانمندی‌های موجود در جهت ساخت مراکز فرهنگی و موزه‌ها و یادمان‌های مناطق عملیاتی و یادمان شهدای گمنام دفاع مقدس، تهیه دانشنامه‌های ملی و استانی، کنگره‌های بزرگداشت شهدا در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین بزرگداشت مناسبت‌های ملی و استانی به طور فعال در جریان است.

حضور فعال و مؤثر در شورای اجتماعی کشور، شورای فرهنگ عمومی، شورای عالی جوانان، شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت و بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این شوراها در جهت تحکیم و تقویت ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، هدف‌گذاری و مورد اقدام واقع شده است.

حضور فعال در عرصه فضای مجازی با تولید و انتشار محتوا و همچنین تقویت و پشتیبانی مؤسسات مردم‌نهاد فعال در این عرصه و نیز برگزاری جشنواره ملی تجلیل از فعالان فضای مجازی دفاع مقدس برای تشویق و حمایت از فعالان و علاقه‌مندان به ویژه جوانان و نوجوانان به تولید و انتشار محتواهای مناسب مرتبط با دفاع مقدس و مقاومت مورد توجه، هماهنگی و اقدام است. ایجاد راه‌اندازی سامانه جامع مجازی اسناد دفاع مقدس اعم از اسناد مکتوب و غیرمکتوب با سازماندهی ۳۸ میلیون سند دفاع مقدس به منظور تسهیل دسترسی پژوهشگران، دانشجویان و

علاقه‌مندان داخل و خارج از کشور، از جمله اقدامات مبنایی در این حوزه است.

در خصوص ایجاد رشته‌ها و سرفصل‌های درسی مرتبط با دفاع مقدس و گسترش، توسعه و هماهنگی دو واحد درس دفاع مقدس در دوره کارشناسی دانشگاه‌ها و مراکز علمی با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم و تحقیقات، وزارت بهداشت و درمان، دانشگاه آزاد و حوزه‌های علمیه در سراسر کشور، اقدامات ارزشمندی صورت گرفته است؛ علاوه بر این، رشته تخصصی تجزیه و تحلیل دفاع مقدس در سطح کارشناسی ارشد در برخی دانشگاه‌ها و در سطح دکتری در دانشگاه عالی دفاع ملی برقرار و فعال شده است.

در حوزه تولیدات فرهنگی و ادبی به ویژه کتاب با برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده و تقسیم کار صورت گرفته، شاهد روند رو به رشدی در سطح کشور هستیم؛ به گونه‌ای که مجموعه تولیدات کتاب‌های مرتبط با دفاع مقدس از ۹۵۸ عنوان در سال ۱۳۹۴ به ۲۴۰ درصد رشد به دو هزار و ۲۹۶ عنوان در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در خصوص تولید و انتشار کتاب‌های صوتی نیز تاکنون بیش از هزار و ۲۰۰ عنوان کتاب صوتی ویژه تلفن‌های هوشمند منتشر شده که در همین حوزه برابر با آیین‌نامه‌های مصوب با همکاری شایسته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای جلوگیری از تحریف و انحراف، تاکنون در چهار سال گذشته نظارت بر تولید و انتشار قریب به هفت هزار عنوان کتاب ادبی و تاریخی دفاع مقدس با روندی رو به رشد در حال انجام است.

با توجه به تأکید حضرت‌عالی (رهبر معظم انقلاب اسلامی) در خصوص نهضت خاطره‌گویی، با برگزاری ۵۰۰ کارگاه آموزشی و توجیهی، برگزاری جلسات خاطره‌گویی توسط فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس و مقاومت در اقصی نقاط کشور از رشد خوبی برخوردار بوده به طوری که در چهار سال گذشته قریب به ۱۰ هزار ساعت مراسم خاطره‌گویی برگزار شده است.

با توجه به وعده داده شده، تاکنون ۲۴ مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس در استان‌های کشور به بهره‌برداری رسیده که تا افق چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ تعداد ۳۶ مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس در سراسر کشور به عنوان پایگاه محوری و مرکز تجمع فرهنگی برای پیشکسوتان جهاد و مقاومت و همچنین حضور جوانان و نوجوانان



افزایش زائر و تردد کاروان های راهیان نور در طول سال و در هفت استان مرزی و ساحلی کشور با تلاش تمام دستگاه های ذی ربط به ویژه عوامل انتظامی، راهداری و امدادی، آمار تلفات جاده ای در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و سال جاری به صفر رسیده است. همچنین برابر اوامرتان در دیدار نوروزی سال ۱۳۹۶ مبنی بر تکریم و تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس، تجلیل از پیشکسوتان به عنوان یک برنامه مستمر و رو به رشد از تعداد ۵۰۰ نفر در سال ۱۳۹۶ آغاز شده که در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، هر سال به یک میلیون نفر از پیشکسوتان رزمنده و سایر دست اندکاران دفاع مقدس رسیده و مورد تجلیل و تکریم قرار گرفتند؛ این حرکت ارزشمند و امید آفرین که با همکاری و مشارکت تمام دستگاه های کشوری و لشکری به ویژه استانداران، فرمانداران، شهرداران، ائمه جمعه و جماعات صورت می گیرد، نماد بارزی از اهتمام ملی برای قدرشناسی از رزمندگان و افتخار آفرینان جهاد و مقاومت است. شناسایی و سازماندهی ظرفیت های ارزشمند پیشکسوتان عزیز دفاع مقدس از جمله برنامه هایی است که به موازات این آیین ها مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه ای که امروز بهره گیری از ظرفیت پیشکسوتان در فعالیت های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و مقابله با حوادث غیر مترقبه و حضور مؤثر آن ها در عرصه جهاد تبیین و نهضت خاطره گویی به بخشی از رسالت این عزیزان تبدیل شده است. در پایان، وظیفه خود می دانم از تمام فرماندهان نیروهای مسلح، مسئولان دولتی، استانداران، فرمانداران، ائمه جمعه و جماعات، رؤسای دانشگاه ها، حوزه های علمیه، مراکز آموزشی و مدارس سراسر کشور که در نشر و ترویج فرهنگ و ارزش های دفاع مقدس و مقاومت تلاش می کنند، صمیمانه قدردانی کنم.

به بهره برداری خواهد رسید؛ ضمناً موزه بین المللی استکبارستیزی صحرای طبس نیز در سال ۱۴۰۲ تکمیل و راه اندازی خواهد شد. مزارهای شهدای گمنام دفاع مقدس به حلقه های وصل و مراکز معنوی و فرهنگی اثربخش و الهام آفرین تبدیل شده اند؛ به نحوی که هم اکنون مناطق مختلف کشور مرتین به تعداد ۱۰ هزار و ۴۲۲ شهید و الامقام گمنام در دو هزار و ۳۰۶ یادمان است که به لطف الهی در حال تکمیل هستند. کلان طرح های مطالعاتی دفاع مقدس به عنوان پژوهش های علمی حاوی گنجینه عظیم و معتبر در حوزه دفاع مقدس در ۱۲ سال گذشته با همت بلند محققین در تمامی ابعاد، حوزه ها و محیط های مرتبط با دفاع مقدس با مشارکت و تعامل سازمان های نیروهای مسلح و دستگاه های کشوری به انجام رسیده که تا پایان امسال برای بهره برداری و دسترسی آحاد پژوهشگران و نخبگان علمی ارائه می شود؛ لذا در همین راستا و نظریه ضرورت تبیین جایگاه علم و فناوری در دفاع مقدس، در سال جاری همایش علمی و پژوهشی این حوزه برگزار خواهد شد. برابر سند ملی راهیان نور و با همکاری و مشارکت ۴۰ سازمان و دستگاه لشکری و کشوری از سال ۱۳۹۲ تا قبل از شروع و ویروس کرونا در سال ۱۳۹۸، مجموعاً ۴۲ میلیون و ۴۹۰ هزار نفر شامل سفرهای مکرر از مناطق عملیاتی دفاع مقدس در قالب کاروان های راهیان نور بازدید داشتند و خوشبختانه بعد از فروکش کردن کرونا در ابتدای امسال، برنامه راهیان نور با یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر که اکثراً جوانان و نوجوانان بودند، مجدداً فعال شده است. ایمنی کاروان های راهیان نور که مورد تأکید حضرت عالی در دیدارهای مختلف بوده در سرنوشت اقدامات قرار گرفته و با وجود

از طبقه تا حقان

و مکتب اهل بیت (ع) بوده است دفاع کردیم. ما از عزت مسلمین، ناموس و هویت کشور و خون شهدا دفاع کردیم و باعث احیای مجدد اسلام و سنت‌های الهی شدیم. تمام آرزوی دنیای استکبار این بود که اصلاً نظام جمهوری اسلامی شکل نگیرد و فکرمی‌کردند با حرکات منافقین و حمله نظامی، این نظام به زودی فرو می‌پاشد، ولی روز به روز مستحکم‌تر شد.

دفاع مقدس تنها یک پدیده تاریخی نیست، باید باور کنیم که دفاع مقدس یک فرهنگ است و این فرهنگ به انقلاب اسلامی عمق بخشید و آن را تداوم داد. سرمایه‌ها و همبستگی اجتماعی امروز ما ریشه در فرهنگ دفاع مقدس دارد. این فرهنگ است که دفاع مقدس را پایدار می‌کند. فرهنگ می‌تواند از نسلی به نسل دیگر و از سرزمینی به سرزمین دیگر منتقل شود.

در دفاع مقدس همه از تمام نقاط کشور به جبهه‌ها کمک می‌رساندند و این تجلی همبستگی اجتماعی بود، در آن دوران در جبهه‌ها در استفاده از ادوات محدود جنگی قناعت می‌کردیم و فرهنگ قناعت در جامعه ما شکل گرفت. در اوج این سختی‌ها همه به آینده امید داشتیم و مطمئن بودیم پیروزی نزدیک است و امید را فرهنگ الهی می‌دانستیم.

این مردم با هر گرایش و سلیقه‌ای در روزهای سخت پای کار بودند. پیوند مستحکم بین امام و امت قدرت ما را ایجاد کرد. البته من منکر مشکلات سخت اقتصادی کشور نیستم، اما اگر ما با همان فرهنگ دفاع مقدس در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی به میدان آمده بودیم، امروز دچار این مشکلات نبودیم.

اگر ما می‌گوییم قدرت برای ما صلح آورده است، به این دلیل است که ما سنت‌های الهی را باور کردیم. این فهم به ما قدرت و ابزار داد. اگر قدرت تصمیم‌گیری، عزم، اراده و همت در ما به وجود آمد، به دلیل این فرهنگ بود. ما کنشگری خلاقانه داشتیم که این قدرت تولید شد. ما به دنبال کسب قدرت نبودیم، به دنبال تولید قدرت بودیم و همین هم باعث شد امروز این صلح و امنیت برای ما به وجود آید.



اعتراض حق مردم است

محمد باقر قالیباف روز چهارشنبه ششم مهرماه، در همایش تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس شهرستان طرقله و شاندیز حاضر شد و به سخنرانی پرداخت. همایشی که در حاشیه آن از جلد سوم کتاب «بر فراز آشیانه عقلا» که به بیان روایتی از زندگی شهید محمود کاوه می‌پردازد، رونمایی و از تعدادی از پیشکسوتان دفاع مقدس شهرستان طرقله و شاندیز تجلیل شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در این همایش گفت: ما مسئولین باید بدانیم حکمرانی جز با همکاری مردم ممکن نیست. ما به هر قدرتی هم در مسایل نظامی برسیم، باز قدرت نظام جمهوری اسلامی به مردم است. دوران دفاع مقدس، یک دفاع و جنگ همه‌جانبه در تمام ابعاد نظامی، اقتصادی و سیاسی بود، اما امروز شاهدیم که دشمن هرگز نتوانست به اهداف خود برسد و ما به تمام موفقیت‌هایی که مد نظر داشتیم، دست یافتیم. در آن دوران در حال دفاع از اندیشه‌هایی بودیم که ریشه در مکتب قرآن و اهل بیت (ع) داشت. ما از سرزمینی که در آن همیشه وحدانیت

مقدس در سراسر کشور، اسناد طبقه‌بندی شده دفاع مقدس و نقش روحانیت و زنان در دفاع مقدس پرداخت.

سردار کارگر گفت: هدف از تشکیل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، حفاظت و بهره‌برداری از آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و ثبت حماسه‌های جاودانه امت اسلام و آثار آن در امور فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی و جلوگیری از تحریف میراث گران بهای دفاع مقدس است.

در این ۱۰ سالی که بنده مسئولیت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را برعهده دارم و قریب به ۱۰ مرتبه که خدمت حضرت آقا رسیدیم؛ معظم له بر روی مسئله «تحریف» خیلی تاکید داشتند. در سال ۱۳۹۹ ایشان فرمودند؛ ما هر چه قدر از دفاع مقدس فاصله می‌گیریم، قدرت تحریف بیشتر می‌شود. چرا؟ چون افرادی که در دفاع مقدس بودند، ممکن است نباشند و یا ممکن است آن زمان را فراموش کرده باشند و عده‌ای بیایند و ادعاهایی کنند.

در دیدار اخیر هم، قبل از اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی به حسینیه امام خمینی (ره) تشریف بیاورند، معظم له ۳۵ دقیقه از نمایشگاهی که در حاشیه دیدار پیشکسوتان دفاع مقدس با ایشان برپا شده بود، بازدید کردند، ما در این نمایشگاه ۶۸ کلان‌پروژه یا طرح که همه ابعاد دفاع مقدس در آن دیده شده است را به نمایش گذاشتیم، درگیری‌های قبل از انقلاب تا انقلاب اسلامی را به تصویر کشیدیم. بعد وارد درگیری‌های اوایل انقلاب، غائله کردستان و بعد وارد دفاع مقدس شدیم. اتفاقاتی که در خوزستان، غرب و شمال غرب کشور رخ داده بود را نیز به تصویر کشیدیم. سپس به تشریح مقاومت‌ها و عملیات‌های بزرگ پرداختیم، البته نزدیک به ۱۴۰ عملیات کوچک نیز تشریح شد.

این ۶۸ طرح دارای ۱۳ میلیون سند معتبر است. با توجه به دیگر اسنادی که ما در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس داریم قریب به ۳۸ میلیون سند معتبر داریم که دوستان اینها را به سختی از دستگاه‌های دولتی پیدا کردند. البته این کار مقداری دیرآغاز شد.

میزان اسناد طبقه‌بندی شده ۲ درصد است. همه اسناد از حوزه طبقه‌بندی خارج شده است، یعنی ۹۸ درصد اسناد طبقه‌بندی

رضایت مردم تبلور عینی رضایت خداست، هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین مردم در تولید قدرت شود. توجه به مردم یعنی اینکه هم سازوکارهایی که استفاده می‌کنیم مردمی باشد و هم خروجی‌های آن به نفع مردم باشد. اگر سازوکارها مردمی نباشد یا خروجی آن‌ها به نفع مردم نباشد، هرگز تولید قدرت نخواهیم داشت و آسایش برای ما فراهم نمی‌شود. این فرهنگ دفاع مقدس و خواست مردم و رهبری است و هر تعبیر دیگری نسبتی با انقلاب اسلامی ندارد. حواسمان باشد که ما به ابزار تکیه می‌کنیم، اما تکیه‌گاه اصلی ما سنت‌های الهی، خدا و مردم‌اند.

ما معتقدیم مردم حتماً باید بتوانند آزادانه نقد کنند و اعتراض حق آنان است، اما دشمن دقیقاً انسجام و سرمایه‌های اجتماعی را هدف قرار داده است و هر کس فکر کند با قرار دادن مردم در مقابل یکدیگر، به نفع انقلاب کار کرده، اشتباه بزرگی مرتکب شده است. مردم هرگز نباید در مقابل هم قرار گیرند، زیرا این خواست دشمن است.



۳۸ میلیون سند معتبر دفاع مقدس

سردار سرتیپ بسیجی «بهمن کارگر» رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به مناسبت هفته دفاع مقدس در برنامه «صف اول» که به صورت زنده از شبکه سراسری خبر پخش شد، حضور یافت و به بررسی و تبیین نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس، دیدار پیشکسوتان دفاع مقدس با رهبر انقلاب، ماموریت و تبیین عملکرد بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تشریح وضعیت مراکز فرهنگی و موزه‌های دفاع



معارفه مدیرعامل جدید موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

سردار محمد قاسم ناظر طی حکمی از سوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به عنوان مدیرعامل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس منصوب شد.

مراسم تکریم و معارفه مدیرعامل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس روز یکشنبه ۱۳ شهریور ماه با حضور مسئولان لشکری و کشوری در مرکز همایش‌های بین‌المللی خلیج فارس موزه برگزار شد. در این مراسم از زحمات و خدمات دکتر جعفری مدیرعامل پیشین موزه تقدیر و همچنین جناب آقای سردار محمد ناظر به عنوان مدیرعامل جدید موزه معرفی شدند.

سردار ناظر از هم‌زمان شهید سرلشکر احمد کاظمی در دوران دفاع مقدس بوده که در سال‌های گذشته خدمات گسترده فرهنگی به‌ویژه در امر ساخت و گسترش موزه‌های مفهومی در رابطه با حوزه نشر معارف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس داشته است.

در این مراسم سردار کارگر، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با برشمردن اهم برنامه‌های موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در دوره جدید به لزوم توجه به اقشار مختلف به‌ویژه توده مردم اشاره کردند و افزودند: ضمن توجه به نخبگان این عرصه باید موزه دفاع مقدس به موزه‌ای مردمی و با حضور همه اقشار جامعه تبدیل گردد.

سردار ناظر نیز در این مراسم ضمن تقدیر از زحمات صورت گرفته، اهم برنامه‌های خود را به لزوم تقویت محتوایی موزه با برنامه‌های متنوع و جدید، استفاده هرچه بهتر از توانمندی‌های جوانان و تدوین تقویم فعالیت‌های موزه به صورت روز شمار برشمردند.

ندارد و فقط ۲ درصد آن باقی مانده است. آن هم باید افرادی که در این رابطه تخصص دارند بنشینند و آن‌ها را بررسی کنند. در این رابطه سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح پیرامون کلان طرح‌های ۶۸ گانه بیش از ۶۰ ساعت وقت گذاشتند. زیرا ایشان در دوران جنگ مسئول اطاعات بودند و به این قضیه آشنا بودند. در واقع حُسن طرح‌ها این است که شاید به عنوان نخستین موضوعاتی در کشور باشد که مورد توافق همه واقع شده است.

به طور مثال عملیات «فتح المبین» را ارتش کار کرده که نماینده سپاه هم آنجا بوده است. ما هم یک ناظر آنجا گذاشتیم. حتی نماینده جهاد هم آنجا بود. در انتها تمامی این نماینده‌ها آن را امضا کردند و گفتند ما آن را قبول داریم. در آن طرف عملیات بیت المقدس را سپاه کار کرده است. در آنجا هم نماینده ارتش، جهاد و ناظر ما بوده است. تمامی حاضران آن را امضا کردند و بعد از آن ما همه این طرح‌ها را در موسسه‌ای مانند موسسه استاندارد بررسی و تأیید کرده و سپس در بنیاد حفظ آثار بنده آن‌ها را امضا کردم. در واقع تمامی این طرح‌هایی که اینجا قرار دارد، مورد توافق همه است.

ما ۵۸ یادمان دفاع مقدس در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، بوشهر و هرمزگان داریم. البته خیلی از نمادهایی که می‌توانستیم نگهداریم و بکر بود متأسفانه از بین رفته است. ولی همین یادمان‌ها باقی مانده است که کاروان‌های راهیان نور می‌روند و در آن مناطق حضور پیدا می‌کنند. از حدود ۴۰ کشور دنیا آمدند و یادمان‌های ما را دیدند. ما در هر استان یک موزه دفاع مقدس که البته نام آن مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس است داریم. زیرا اعتقاد داریم موزه‌ها باید پویا و فعال باشند. ما ۳۷ موزه در سراسر کشور در دست ساخت داریم که ۲۴ موزه تا امروز ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. بر این اساس در هر استان یک موزه در دست ساخت داریم؛ البته در خوزستان که مهد جنگ بوده چهار موزه داریم. موزه اهواز که در حال ساخت است، ولی موزه دزفول که یکی از موزه‌های خوب ماست ساخته شده است. موزه خرمشهر هم ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. یک موزه طبیعی هم در آبادان داریم که در حال استفاده است.

راویان



۲۲
انقلابی در تبعید



۱۸
ایرانی‌ها چه رویایی در سر داشتند؟



۲۵
میراث‌داران شهید شجاعی



۱۳ آبان؛ از ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸

ایرانی ها چه رویایی در سر داشتند؟

حسین الله کرم به سولاتی در این باره پاسخ می دهد

تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام که یکی از نتایج آن شروع تحریم های ظالمانه آمریکا علیه ایران است، همواره در محافل فکری با محوریت سولاتی نظیر لزوم تسخیر سفارت آمریکا در ایران و اینکه در صورت عدم وقوع این حادثه چه سرنوشتی در انتظار مردم ایران بود، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در پاسخ به این پرسش ها رئیس شورای هماهنگی حزب الله می گوید: اقدامات سفارت آمریکا در ایران به اندازه ای برای کشور خطرناک بود که در صورت عدم فتح آن حداقل ایران به سوی تجزیه و حداکثر کودتا و براندازی توسط سازمان CIA پیش می رفت تا به هر شکل ممکن به بلوک غرب برگردانده شود.



فرشته صالحی

داخلی و بین المللی را به همراه داشت، همچنان که آمریکا به عنوان کشور شکست خورده با طراحی عملیات طیس بارمز عملیات پنجه عقاب، درصدد تلافی نظامی این اقدام دانشجویان ایرانی درباره لانه جاسوسی برآمد و در نهایت به دلیل شکست در عملیات به گزینه‌های دیگر نظیر اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه ایران روی آورد. واکنش‌ها به تسخیر لانه جاسوسی به دولت آمریکا محدود نشد، مردم این کشور نیز ضمن ارزیابی تسخیر سفارت ایران به عنوان اقدامی تحقیرآمیز علیه آمریکا، بادست رد زدن بر سینه کارتر در انتخابات (رئیس جمهور وقت آمریکا در زمان تسخیر لانه جاسوسی) و در نتیجه یک دوره‌ای شدن او به عنوان تنهارئیس جمهوری یک دوره‌ای کاخ سفید، به اقدام دانشجویان ایرانی واکنش نشان دادند.

در داخل کشور نیز اقدام دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی واکنش‌های فراوان و بعضاً متفاوتی را به همراه داشت، کما اینکه مرحوم بازرگان، رئیس دولت وقت در واکنش به این حادثه تاریخی استعفاداد و در مقابل امام خمینی (ره) با خواندن اقدام دانشجویان به عنوان «انقلاب دوم» حمایت کامل خود را از دانشجویان اعلام کرد. ایشان حتی در پاسخ به برخی انتقادات مبنی بر تسخیر لانه جاسوسی و گروگان گرفتن اعضای آن به عنوان عملی خارج و ناقض روابط دیپلماتیک، حتی افراد حاضر در سفارت آمریکا را دیپلمات ارزیابی نکرد که از مصونیت دیپلماسی برخوردار باشند.

به عبارت دیگر امام خمینی (ره) در پاسخ به این قبیل انتقادات درباره گروگان‌گیری و تناقض آن با مصونیت دیپلماتیک گفت «این اشخاصی هم که گروگان هستند در اینجا، اینها هم معلوم نیست پیش ما که اصلش اینکه مأمور سفارت باشند. سفیر که اینها نیستند. کاردارشان هم که در اینجا نیست. اصل اینکه اینها از اجزای سفارت باشند و از دیپلمات‌ها باشند، این پیش ما اصلاً ثابت نیست. بلکه خلافش بیشتر واضح است. این عده را ما عقیده مان این است که اینها آمده‌اند اینجا فقط برای جاسوسی و برای اینکه مملکت ما را به تباهی

«جنایت بزرگ آگاهانه»؛ عبارتی که امام خمینی (ره) در توصیف وقایع ۱۳ آبان سال ۵۷ استفاده کرد و نوشت؛ «من نمی دانم از کدام مصیبت‌های ملت و از کدام جنایت‌های شاه بنویسم؛ قلم من عاجز است. آیا جنایاتی را که در دانشگاه به دست دژخیمان شاه واقع شد، متذکر شوم یا از کشتارهایی که در سراسر ایران به امر این جنایتکار حرفه‌ای صورت گرفت؟ من قدرت ندارم جنایات سراسر ایران را که برادران و خواهران ما را به خاک و خون کشیده بشمارم. هر روز اخبار واصله، ما را به جنایات بزرگ تازه‌ای آگاه می گرداند، هر روز فرزندان اسلام به مصیبت‌های تازه‌ای مبتلا هستند.»

هر چند اقدام اعتراضی دانش آموزان و دانشجویان منجر به اعلام حکومت نظامی و در نتیجه روی کار آمدن از هاری آن هم به صورت شبانه شد، اما این اقدام رژیم پهلوی و همزمان استفاده امام خمینی (ره) از عبارت جنایت در واکنش به اقدامات رژیم رو به سقوط پهلوی، در شرایطی صورت گرفت که حدود ۳ ماه بعد از این جنایت، مبارزات آگاهانه دانشجویان و دانش آموزان به ثمر نشست و ۱۲ بهمن ماه همان سال با ورود امام خمینی (ره) پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ثبت شد و در تاریخ ۱۵ بهمن ماه، روز ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۷ از طرف دانش آموزان انقلابی به عنوان روز دانش آموز نام گذاری شد.

اما این پیروزی پایان حوادث و اتفاقات ۱۳ آبان نبود، چنانکه یک سال بعد در همین تاریخ تسخیر لانه جاسوسی که رهبر کبیر انقلاب از آن به عنوان «انقلاب دوم» یاد کرد، توسط گروهی از دانشجویان تحت عنوان دانشجویان پیرو خط امام اتفاق افتاد و به این ترتیب در پانزدهمین سالگرد تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه توسط رژیم ساقط شده پهلوی و اولین سالگرد شهادت دانش آموزان و دانشجویان انقلابی، دانشجویان ضمن ورود به سفارت و انتشار اسناد و مدارک جاسوسی نقشه شوم حامیان رژیم جنایتکار پهلوی را نقش بر آب کردند.

تسخیر سفارت آمریکا در ایران که در تاریخ انقلاب اسلامی از آن به عنوان تسخیر لانه جاسوسی یاد می شود، واکنش‌های متفاوت

حسین الله کرم، رئیس شورای هماهنگی حزب الله و از حامیان تسخیر لانه جاسوسی است که هنوز هم از منطق و گفت‌وگو شکیله گرفته حول وحوش این واقعه دفاع می‌کند. الله کرم در واکنش به اینکه هسته اولیه تحریم های آمریکا علیه ایران پس از تسخیر لانه جاسوسی و بعد از شکست این کشور در عملیات طیس، اتفاق افتاد. به عنوان یک چهره انقلابی و استاد دانشگاه، ارزیابی از واکنش آمریکا نسبت به تسخیر سفارت این کشور توسط دانشجویان خط امام به چه صورت است؟ می‌گوید: جایگاه ایران برای آمریکا بسیار ویژه بود زیرا ایران در زمان پهلوی از یک سو علاوه بر ژاندارمی منطقه خلیج فارس، ستون اصلی دکترین دوستانه نیکسون در غرب آسیا محسوب می‌شد و از سوی دیگر جایگاه ژئوپلیتیک ایران در بلوک غرب در استراتژی کانتینمنت بی نظیر بود زیرا از یک طرف تحت عنوان حلقه دفاعی سنتوارتباط دهنده دو حلقه دفاعی ناتو و سینتو در استراتژی مهار بلوک شرق عمل می‌کرد و از طرف دیگر تحت عنوان حلقه اقتصادی ارتباط دهنده دو حلقه اقتصادی بازار مشترک اروپا و حلقه اقتصادی ایران آسیای جنوب شرقی بود تا تکمیل‌کننده اتحاد سیاسی بلوک غرب در مهار بلوک شرق باشد.

او با تاکید بر اهمیت ایران برای جلوگیری از نفوذ شوروی ادامه می‌دهد: اهمیت ویژه دیگر ایران به خاطر کشور تک هسته‌ای کمربند دفاعی بلوک غرب مقابل شوروی بود. بر همین اساس ایران در عمل، نقطه جذب بلوک غرب محسوب می‌شد به نحوی که به هر شکل ممکن باید در بلوک غرب باقی می‌ماند. به عبارت دیگر اهمیت ایرترن در دکترین غرب به اندازه مهم و حیاتی بود که در صورت خروج ایران از معادلات، بلوک غرب دچار فروپاشی می‌شد.

این فعال سیاسی با اشاره به اهمیت تسخیر سفارت آمریکا در ایران تصریح کرد: در حقیقت اهمیت استراتژیک ایران باعث شده بود که سفارت آمریکا در تهران همزمان یکی از پایگاه‌های مهم سازمان CIA نیز باشد. این پایگاه ماموریت‌های خاصی داشت لذا لقب لانه جاسوسی، حداقل‌ترین عنوان برای سفارتخانه آمریکا بود.

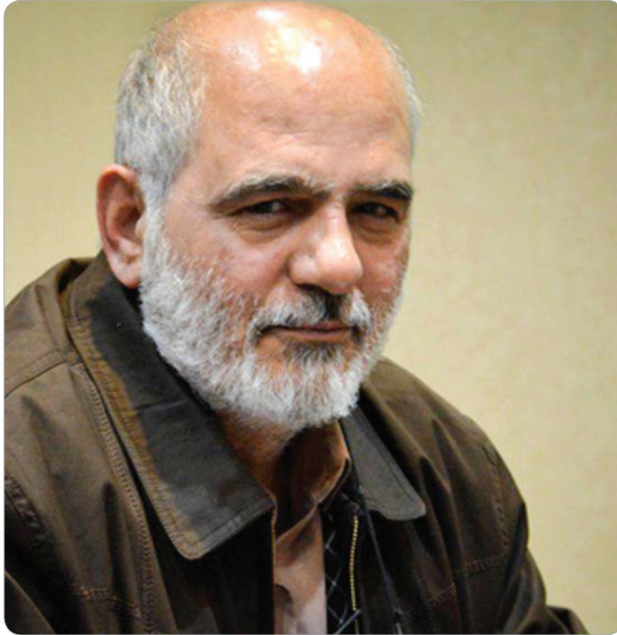
الله کرم در توضیح اقدامات جاسوسی سفارت آمریکا در ایران

بکشند. و شواهد زیاد الآن در همین لانه جاسوسی هست. « پیوستگی مواردی نظیر تبعید امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳ آبان، تظاهرات دانش‌آموزان و دانشجویان در برابر جنایت‌های رژیم پهلوی و در نهایت تسخیر لانه جاسوسی در این تاریخ آن هم توسط دانشجویان خط امام منجر به شکل‌گیری این پرسش می‌شود که استمرار این قبیل اقدامات تا چه اندازه در موفقیت و استمرار انقلاب اسلامی ایران موثر بوده است؟ در پاسخ به این پرسش رئیس شورای هماهنگی حزب الله به پیشینه روابط خصمانه آمریکا با ایران و اهمیت استراتژیک تهران برای واشنگتن در دکترین نظامی این کشور اشاره می‌کند و در پایان به این نتیجه می‌رسد که هر چند تظاهرات دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۷ و تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ از جمله اقدامات موثر در انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند اما دو گروه متفاوت این اقدام را انجام دادند که در نتیجه نمی‌توان گفت همان دانش‌آموزان انقلابی ۱۳۵۷ در سال ۱۳۵۸ با عنوان دانشجوی سفارت آمریکا را تسخیر کردند.

۶۶

اقدامات سفارت آمریکا در ایران به اندازه‌ای برای کشور خطرناک بود که در صورت عدم فتح آن حداقل ایران به سوی تجزیه و حداکثر کودتا و براندازی توسط سازمان CIA پیش می‌رفت تا به هر شکل ممکن به بلوک غرب برگردانده شود.

۹۹



۵- مرکز سرکوب، کودتا و روی کار آوردن نظام‌های هم‌گرا در منطقه خاورمیانه با آمریکا
۶- مرکز ثبات‌زدایی در داخل شهرهای ایران به ویژه در خیابان‌ها، دانشگاه‌های تهران
۷- مرکز هدایت تجزیه طلبی مرزی ایران در گنبد کاووس، کردستان، خوزستان، آذربایجان تحت عناوین خلق‌های ترکمن، کرد، عرب و خلق مسلمان.
الله کرم در پایان در پاسخ به اینکه توالی اتفاقات ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ این نکته را متبادر می‌کند، همان دانش‌آموزان که در ۱۳۵۸ به دانشگاه راه پیدا کرده بودند، سفارت آمریکا را در ایران تسخیر کردند، یادآور شد: در پاسخ به این پرسش بنده امکان یکی بودن افراد و دانش‌آموزان معترض دوران پیروزی انقلاب در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۷ با دانشجویان فاتح لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ را بسیار ضعیف می‌دانم، هرچند ماهیت حرکت هر دو گروه ضد استکباری بوده است.

به این موضوع اشاره می‌کند که: اقدامات سفارت آمریکا در ایران به اندازه‌ای برای کشور خطرناک بود که در صورت عدم فتح آن حداقل ایران به سوی تجزیه و حداکثر کودتا و براندازی توسط سازمان CIA پیش می‌رفت تا به هر شکل ممکن به بلوک غرب برگردانده شود.
این چهره انقلابی با اشاره به مصادیق اقدامات خرابکارانه آمریکا در ایران که تحت نظر سفارت این کشور در تهران انجام شده بود، ابراز کرد: برخی از ماموریت‌های لانه جاسوسی قبل و بعد از انقلاب که نشان دهنده نقشه این سفارتخانه برای تجزیه و کودتا در ایران توسط CIA عبارتند از:
۱- مرکز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۲- مرکز هماهنگی آموزش ساواک
۳- مرکز اداره کننده رادارهای جاسوسی در ارتفاعات البرز و هزار مسجد علیه اتحاد جماهیر شوروی
۴- مرکز هدایت سرکوب شورش مارکسیستی ظفار در کشور عمان



چرا امام خمینی^(ره) حتی در دوران تبعید تهدیدی جدی برای شاه بود

انقلابی در تبعید

در سال ۱۳۵۷ به دنبال دیدار وزرای خارجه دورژیم پهلوی و بعث عراق در نیویورک، تصمیم به اخراج امام خمینی (ره) از نجف گرفته شد. متعاقب این تصمیم بیت امام در نجف محاصره و کلیه رفت و آمدها به این بیت محدود گردید. رئیس سازمان امنیت عراق در دیدار با امام خمینی (ره) یک شرط برای ادامه حضور ایشان در این کشور تعیین کرده بود: «عدم دخالت در امور سیاسی و هرگونه فعالیت علیه رژیم ایران».

با عدم پذیرش این شرط از سوی بنیانگذار انقلاب، معظم له ۱۲ مهر ۱۳۵۷ عراق را به سوی مرز کویت ترک کرده و به دنبال جلوگیری حکام این کشور از ورود امام، سرگاه ۱۳ مهر همین سال به همراه تنی چند از یاران خود عازم پاریس شدند. نگاهی هرچند گذرا به اسناد لانه جاسوسی نکات فراوانی را در اختیار محققین و پژوهشگران قرار می دهد. نخست چند سند درباره هجرت امام خمینی (ره) از عراق به پاریس و تحولات بعد از آن را مرور کرده و در ادامه به این نکات می پردازیم.



سید روح الله
امین آبادی

که مهر «خیلی محرمانه» بر روی آن حک شده آمده است: «[امام] خمینی زیر فشار قرار دارد تا در فرانسه از فعالیت‌های سیاسی دست بردارد».

در این سند تصریح شده است: «روزنامه‌ها از فرانسه خبر می‌دهند که دولت فرانسه مُصرّاً خواستار آن است که آیت‌الله خمینی از فعالیت‌های سیاسی در طول اقامتش در فرانسه اجتناب ورزد... منبع در سفارت فرانسه این موضع دولت فرانسه را تأیید می‌نماید. همچنین خبر می‌دهند که احتمال دارد [امام] خمینی به سفر خویش به خاطر تضيیقات موجود ادامه دهد. او شاید به کشورهای اسلامی مانند سوریه، الجزایر و یابلی که آماده پذیرش او هستند سفر نماید... در ضمن گزارش می‌رسد که [امام] خمینی اعلام کرده که به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه خواهد داد.»

تناقض آشکاری که دشمنی آمریکا را نشان می‌دهد! در گزارش دیگر سفارت آمریکا به تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۵۷ آمده است: «آیت‌الله خمینی در پاریس به قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، به خاطر دخالتشان در امور داخلی ایران حمله می‌کند. او دانشجویان را به ادامه نبرد علیه استعمار تشویق می‌نماید... او آشکارا از کمونیسم و حزب توده به خاطر توطئه برای تضعیف جنبش آزادی خواهانه اسلامی انتقاد کرد. بیابیه او علی‌رغم گزارش‌های فراوانی که دولت فرانسه او را از فعالیت سیاسی باز می‌دارد، انتشار یافت.»

در حالی که در سند فوق آشکارا به مخالفت امام خمینی (ره) با حزب توده اشاره شده است، در یک سند دیگر به تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۵۷ تصریح شده است: «کشمکش‌های سیاسی درون جوامع مذهبی شدید و حاد می‌شود. منابع نزدیک به میانه‌روها به ما گفته‌اند که احتمالاً شکاف بین [سیدکاظم] شریعتمداری و [امام] خمینی هفته آینده آشکار و علنی خواهد شد. منبع همچنین نظر داد که مدارک مسلم و قطعی برای توجه دادن حامیان [امام] خمینی در تهران به دست آورده که دال بر وجود روابط بین اردوی [امام] خمینی و حزب توده می‌کند... سفارت تأکید دارد که سیاست‌های مذهبی در حال حاضر در پشت پرده شکل می‌گیرد و در این حال مذاکرات محتاطانه و خصوصی در جریان است.»

امام خمینی (ره) خطر مشترک صدام و پهلوی!

در یکی از اسناد لانه جاسوسی که به تحولات روزهای منتهی به خروج امام خمینی (ره) از عراق و هجرت ایشان به پاریس اختصاص دارد آمده است «[امام] خمینی برای هر دو کشور ایران و عراق مسئله مشکلی به وجود آورده است. خطروی نسبت به بغداد در مقایسه با تهران ممکن است کمتر باشد، ولی در مورد عواملی که بایستی به هنگام تصمیم‌گیری در مورد محل اقامت بعدی وی در نظر گرفت هیچ اختلافی [بین دو رژیم] وجود ندارد.

حضور وی در این جایک فرصت بالقوه بلندمدت در اختیار عراق گذاشته است اما بکرو صدام باید از این موضوع واهمه داشته باشند که اگر قرار شود دولت ایران بر اثر روحیه منتشر شده توسط [امام] خمینی سقوط کند و یا اگر ایران با استفاده از امکاناتی که دارد علیه [رژیم] عراق اقدامات تلافی جویانه انجام دهد هرگز نخواهند توانست از چنین امکانات بالقوه‌ای استفاده نمایند و اگر با [امام] خمینی بدرفتاری کند تأثیرات آن بر جماعت مسلمان شیعه عراق چه خواهد بود؟»

در ادامه این سند به امکان خروج امام خمینی (ره) از عراق اشاره و پیش‌بینی شده است که یک کشور غربی که تعداد قابل توجهی از پناهندگان «غیرفعال» ایرانی را پذیرفته است ایشان را بپذیرد!

شاه نفس راحتی می‌کشد اگر...!

در سند دیگری به تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۶ مهر ۱۳۵۷) در شرایطی که امام خمینی (ره) در پاریس به سر می‌بردند و هنوز دورنمای حضور ایشان در این کشور و یا کشور دیگری مشخص نبود، آمده است: «طبق گزارش‌ها [امام] خمینی که در پاریس به سر می‌برد قصد دارد در کشوری مسلمان غیر از ایران سکونت گزیند... پس از اجتناب کویت از اجازه ورود به آیت‌الله خمینی، نامبرده در ۶ اکتبر به پاریس وارد شد. مطبوعات گزارش می‌دهند که وی روزنامه نگاران را نمی‌پذیرد، اما مشاورانش اظهار می‌دارند که به ایران باز نخواهد گشت.»

در این سند راجع به این گزارش آمده است: «[اکنون] حکومت ایران نفس راحتی خواهد کشید.»!

در یک سند دیگر به تاریخ ۹ و ۱۰ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۷ و ۱۸ مهر ۱۳۵۷)



چند نکته!

مرور این اسناد چند نکته را نشان می‌دهد:

۲. در حالی که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، سران ضد انقلاب متواری شده از کشور به فرانسه پناه برده و در آن کشور آزادانه علیه ملت و انقلاب فعالیت می‌کردند و هنوز هم به این فعالیت ادامه می‌دهند، شرط فرانسه برای حضور امام (ره) در آن کشور عدم دخالت در سیاست و مبارزه نکردن با پهلوی بوده است. پاسخ امام به این درخواست واضح بود: «از فرودگاهی به فرودگاه دیگر می‌روم و به مبارزه ادامه می‌دهم».

۳. سفارت آمریکا و یا بهتر بگوییم لانه جاسوسی پس از هجرت امام به پاریس و شدت گرفتن روند سقوط پهلوی به دنبال معارض سازی برای رهبر انقلاب بوده است. جاسوسان سیا که در سفارت آمریکا برای رژیم شاه طرح و برنامه می‌ریختند به دنبال آن بودند که برخی به ظاهر مراجع تقلید و علما را در برابر امام قرار داده و در صفوف به هم فشرده ملت ایجاد انشقاق کنند. روند امور نشان داد این توطئه جواب نمی‌دهد و آمریکا بایستی فکری دیگری بکند.

۴. در حالی که لانه جاسوسی در یکی از اسناد که ذکر آن رفت به صراحت از مخالفت امام خمینی (ره) با حزب توده سخن می‌گوید در یک سند دیگر توصیه می‌کند حامیان رهبر انقلاب را بایستی از خطر حزب توده بیم داد. این توطئه در مرداد ۱۳۳۲ از سوی دولتش آمریکا و انگلیس پیاده شده و به بازگشت شاه منتهی گردید، ولی در سال ۱۳۵۷ کارگر نیفتاد و مردم فریب نخوردند.

۱. آمریکا امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ملت ایران را برای هر دو رژیم پهلوی ایران و بعث عراق خطر مشترک می‌دانست و صدام حسین و حسن البکر را از این بیم می‌داد که اگر انقلاب ایران پیروز شود نوبت شما نیز فرا خواهد رسید و باید نگران باشید. سندی که ذکر آن رفت آشکارا نشان می‌دهد که «لانه جاسوسی» انقلاب اسلامی ایران را خطر مشترکی برای صدام و شاه می‌دانست و در صدد آن بود که این دو رژیم با همکاری هم انقلاب را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذارند.

در روزهای پایانی آبان ۱۳۵۷ فرح پهلوی به عراق رفته و با صدام دیدار می‌کند. صدام در این دیدار به فرح می‌گوید: «به برادرم شاه بگوئید تا نک ها را به خیابان بیاورد و معترضان را سرکوب کند ... بهترین است که سیصد نفر الان بمیرند تا یک میلیون ایرانی و عراقی بعداً بمیرند.» این دیدار و اظهارات رد و بدل شده در جهت همان سندی است که ذکر آن رفت: خطر مشترک انقلاب اسلامی برای صدام و شاه! آمریکا در تلاش بود این دو فرد با همکاری هم انقلاب اسلامی ایران را سرکوب کنند و از این رو است که صدام به فرح می‌گوید با آوردن تانک ها به خیابان مردم را قتل عام کنید تا در صورت پیروزی انقلاب جنگ اجتناب ناپذیری راه نیفتد!



گفت‌وگوی سرو با معاون مهندسی رزمی و پدافند غیر عامل نیروی هوایی ارتش؛

میراث‌داران شهید شجاع

شهید سرلشکر منصور ستاری در سال ششم جنگ در حالی به فرماندهی نیروی هوایی رسید که به واسطه شرایط ناشی از وقایع بعد از پیروزی انقلاب و تحریم‌هایی که به بهانه جنگ تحمیل گردیده بود، کشور در بغرنج‌ترین مراحل خود به لحاظ فشار مضاعف ناشی از تحریم‌های نظامی و تسلیحاتی و اقتصادی قرار داشت. از سویی استمرار جنگ موجب فرسودگی تجهیزات سامانه‌ها و هواپیماهای گردیده بود که بخاطر قطع ارتباط ناشی از تحریم‌ها قطعات مورد نیاز آن‌ها از جانب سازندگان واگذار نمی‌گردید.

شهید ستاری که فردی متخصص و مدیری مدبر با روحیه‌ای جهادی بود، به خوبی دریافت که غلبه بر شرایط ویژه‌ای که به واسطه فرسایشی شدن جنگ و شرایط تحریمی و کاهش درآمدهای کشور که متکی بر صادرات نفت بود نیاز به مردان ویژه‌ای دارد، لذا در قدم اول نسبت به شناسایی و به‌کارگیری کسانی که توان ایستادگی در این شرایط و کار کردن و همراهی با او را داشتند اقدام کرد. سرلشکر شهید مهندس احمد شجاعی از جمله عناصر متخصص و متعهد در زمینه مهندسی رزمی بود که در این مقطع از زمان مدیریت مهندسی نیروی هوایی راعهده‌دار بود او که از سال اول فرماندهی شهید ستاری و تا زمان شهادت در کنار ایشان بودند، منشأ خیرات و برکات فراوانی در مقطع جنگ و پس از آن در نیروی هوایی و خارج از آن گردید. به بهانه هشتم آبان ماه؛ روز پدافند غیر عامل، گفت‌وگویی داشته‌ایم با امیرسرتیپ دوم مهندس لطفعلی خرسندی؛ معاونت مهندسی رزمی و پدافند غیر عامل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، که در ادامه می‌آید.



مجید ترابی

لطفا در ابتدا بفرمایید که پدافند غیر عامل چیست و حوزه فعالیتش چگونه است؟

باسلام محضر شما و مخاطبین ماهنامه سرو و درود به روان پاک امام شهدا، شهدا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، شهیدان واحدهای مهندسی رزمی از جمله شهید والامقام سرلشکر مهندس احمد شجاعی. در تعریف مصطلح برای پدافند غیر عامل گفته شده: کلیه اقدامات غیر مسلحانه‌ای که جهت کاهش تلفات انسانی و خسارات ناشی از حملات و تهدیدات دشمن به کار گرفته می‌شود.

خوب که دقت کنیم می‌بینیم روی کاغذ عبارت «کلیه اقدامات» که در تعریف آمده دو کلمه بیشتر نیست، اما در حیطه اجرایی و عملیاتی گستره عظیمی از فعالیت‌ها را در زمان صلح و جنگ در برمی‌گیرد که اجمالا برخی از آن‌ها را با نگاه به اقدامات ماندگار شهید مهندس احمد شجاعی در این عرصه به عرضتان می‌رسانم. از جمله اقداماتی که در زمان صلح و جنگ بر عهده معاونت مهندسی رزمی می‌باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احداث و به‌سازی شیلترها، پناهگاه‌های ضد بمب هواپیما، آماده‌سازی سطوح و سامانه‌های تسهیلات پروازی، فضا سازی محل‌های به‌کارگیری شبیه‌سازی‌های پرواز، ایجاد زیرساخت شبکه‌های برق، آب و فاضلاب و ابنیه مورد نیاز پایگاه‌ها و مراکز و مجموعه‌های نظامی، اماکن، تاسیس نیروگاه‌های برق مستقل مناطق عملیاتی، جاده، پل، باندهای پروازی و مسیرهای دسترسی به باندها و ارائه خدمات پشتیبانی به ساکنین کوی‌های سازمانی از احداث تا بازسازی، ایجاد جان‌پناه‌های ضد بمب یگان‌های خط مقدم و سایر پایگاه‌ها، پروژه‌های مردم‌یاری و ملی، ایجاد مراکز ورزشی آموزشی، بهداشتی و تفریحی در شهرک‌های مسکونی و کوی‌های سازمانی با استاندارد‌های روز و با رعایت اصول زیباسازی در مناطق عمومی که از کودک تا کهنسال از خدمات آن بهره می‌برند.

آیا اقدامات ویژه‌ای در زمان جنگ برای پدافند غیر عامل تعریف شده است؟

یکی از اهداف مهم در زمان جنگ برای کشورهای متخاصم،

ناکارآمد کردن نیروی هوایی حریف از طریق بمباران پایگاه‌های هوایی و به‌ویژه باندهای پروازی است آن هم توسط بمب‌های ضد استحکامات که با هدف کسب برتری هوایی انجام می‌شود. در این بین یکی از مسئولیت‌های واحدهای مهندسی یگان‌های عملیاتی، ترمیم آنی باندهای آسیب دیده به وسیله مواد و مصالح ویژه است تا پایگاه مربوطه عملیاتی نگه داشته شود، سرعت در تأمین ضایعات حاصل شده نکته حائز اهمیت است چرا که گاه هواپیماهایی در حال بازگشت از عملیات برون مرزی می‌باشند به‌خاطر حمل بمب‌های سنگین و طی مسافت طولانی تا هدف‌گاه یا حداقل سوخت در مراجعت به پایگاه مواجه شده، می‌توان حدس زد در چنین مواقعی عملیاتی بودن باند پروازی چه نقش مهمی در حفظ یک هواپیما می‌شکارت و خلبان ارزشمند آن می‌تواند داشته باشد، حال شما تصور کنید پایگاهی که باند پروازی آن بمباران شده در حالی که سطح باند هنوز ایمن نشده و این عزیزان در تکاپو برای ترمیم فوری باند می‌باشند که فوج بعدی حملات هوایی از راه می‌رسند خب معلوم است چه می‌شود.

از تجربه‌های این واحد در دوران دفاع مقدس بگویید.

عناصر ارزشمندی از واحد مهندسی فارغ از خود در حین ترمیم باندها به شهادت رسیدند، یاد و خاطره‌شان گرمی باد. در کنار این موضوع ساختن سنگرو جان‌پناه‌های انفرادی و اجتماعی در کوی‌های سازمانی و مدارس پایگاه‌های هوایی که بطور مستمر در طول جنگ تحمیلی آماج ناجوانمردانه‌ترین حملات وحشیانه دشمن یعنی قرار می‌گرفتند، یکی از ضرورت‌های دوران جنگ بود که با سرعتی باورنکردنی و در تعداد و تنوع بالا انجام می‌شد، بطوری‌که دسترسی ساکنان و غیرنظامیان این شهرک‌ها به جان‌پناه‌ها در آن مقطع به زیرمناقصه استاندارد جهانی خود رسیده بود. این همت عالی در ارائه خدمات رزمی مهندسی که تأثیر شگرفی به‌ویژه در زمان جنگ بر کاهش تلفات خودی و تحمیل هزینه به نیروی دشمن داشت یکی از دلایل عمده در عملیاتی نگه داشتن یگان‌های نه‌اجا در طول دوران دفاع مقدس می‌باشد، یعنی همان مقطعی که شهید احمد شجاعی مدیریت مهندسی نیروی هوایی را عهده‌دار بودند.



شهید منصور ستاری حین بازدید از یکی از طرح های مهندسی رزمی



والفجر ۸ را برای رزمندگانی که قصد عبور از رود خروشان ارون داشتند را ایمن کند. لذا جهت فریب هواپیماهای شناسایی دشمن که مدام در حال تصویربرداری از منطقه بودند پیشنهاد ایجاد سایت های دامی یا فریب را دادند که این امر به لحاظ مهندسی و نوع سازه و ویژگی های محیطی خود نیازمند امور فنی متعددی است که همگی به دست توانای رزمندگان گمنام مهندسی رزمی انجام می پذیرفت. برای این کار لازم بود تا در کنار سایت های اصلی پدافندی، سایت های فرعی و غیر واقعی و سکوی های مربوط در کوتاه ترین زمان احداث شود و همچنین لازم بود سایت های موشکی زمین به هوای هاک که با ابتکار شهید ستاری چابک و متحرک شده بودند و در نقاط جدید که توسط مهندسی رزمی ایجاد می شد در فواصل کوتاه جایجا شوند تا مغلوب بمباران ها و موشک های ضد رادار دشمن نشوند. این همکاری نزدیک و نتایج مثبت از آن نقاط عطفی است که باعث نمایاندن ظرفیت پنهان مهندسی رزمی و مدیر جوان آن یعنی شهید شجاعی گردید.

از شهید شجاعی برایمان بگویید، آن طور که شنیدیم ایشان یکی از موثرترین فرماندهان نیروی هوایی در دوران جنگ و پس از آن بوده اند.

بله، ایشان در سال ۱۳۴۷ به استخدام دانشگاه افسری ارشد درآمد، در سال ۱۳۵۱ با رسته مهندسی به نیروی هوایی منتقل و در دایره طرح و برنامه معاونت مهندسی مشغول به کار شد، با نگاهی به پیشینه خدمتی او که توأم با نبوغ و ابتکار و پشتکار مستمر بود در پست های مدیریتی آنچنان خوش درخشید که در حالی که در مدیریت مهندسی وقت درجات بالاتر از او که سرگرد بود وجود داشت، در ۲۷ آذر ماه ۶۴ با اعطای دو درجه موقت سربندی در جایگاه مدیریت مهندسی معاونت لجستیکی آماد و پشتیبانی قرار گرفت، کمتر از ۲ ماه مانده به عملیات بزرگ والفجر ۸. شهید منصور ستاری که در این مقطع مسئولیت پدافند هوایی نیروی هوایی را عهده دار بود سعی می کرد با اقدامات ابتکاری ضمن حفظ تجهیزات خودی، حداکثر آسیب را به نیروی دشمن وارد آورد و آسمان منطقه نبرد

گردیده بود، با همتی مضاعف وارد عملیات های کربلای ۴ و ۵ در کنار سنگر سازان بی سنگر جهاد سازندگی شد.

سال های پرتلاطم پایانی جنگ و عملیات های بزرگی که قرار بود سرنوشت ساز باشند و گاه به فاصله دو هفته از هم روی می داد و ماموریت های متعددی که بردوش واحد مهندسی گذاشته شده بود می طلبید همپای گسترش بسیاری از یگان های رزمی این واحد کارآمد که همواره در کنار رزمندگان در عمق مناطق عملیاتی و در سریع ترین زمان ممکن اقدامات مهندسی رزمی از جمله ساخت جان پناه، سایت موشکی و جاده را تامین کرد، با ساختاری جدید به مسیر خود ادامه دهد، این شد که با پیشنهاد شهید احمد شجاعی مدیریت مهندسی که بخشی از معاونت لجستیکی آماد و پشتیبانی بود منتزع و به اداره مهندسی تغییر نام داد.

از فعالیت های این واحد پس از پایان جنگ بگوئید.

جنگ پایان یافته بود اما تبعات آن تا سال ها بعد هم باقی ماند، تمامی پایگاه های مقدم نیروی هوایی دچار ضایعات و تخریب های متعدد و بعضاً جبران ناپذیری شده بود که ترمیم و بازسازی آن ها عرصه جدیدی را به روی شهید شجاعی گشوده بود. برخی پروژه ها هم که قبل انقلاب در دست پیمانکاران خارجی بود و تا وقوع انقلاب و قطع وابستگی و خروج آن ها متوقف و نیمه کاره مانده بود. از جمله سایت ها و پایگاه هایی در شرق و جنوب و از سویی ضرورت تسریع در تکمیل این پروژه ها و تهدید هایی که وجود داشت باعث شد او که اهمیت موضوع را به خوبی درک کرده بود، گاه تا پاسی از شب و به گواه بسیاری از پرسنل اداره مهندسی تا ۱۶ ساعت در پای پروژه ها ننگه می داشت و اداره مهندسی را به بازوی توانای شهید ستاری در همه واحدها در عرصه ساخت و ساز تبدیل کرده بود که در کمترین مدت ممکن با زمان بندی دقیق کارها را به سرانجام می رساند.

ضرورت رسیدگی به یگان های مستقر در تهران که طبیعتاً به خاطر تنوع و گستره آن ها جمعیت بیشتری را نسبت به سایر یگان ها به خود اختصاص داده بود منجر به تولد واحد اجرایی قوی ای تحت عنوان فرماندهی گروه مهندسی، ساختمان و تاسیسات مرکز در سال ۶۷ به همت ایشان در ضلع غربی پایگاه مهرآباد گردید. این واحد در اسرع وقت نسبت به رفع نیازمندی های

بعنی می توان گفت که شهید شجاعی به نوعی جزو نیرو هایی هستند که توسط شهید ستاری کشف شده است؟

تقریباً، ایشان به خاطر خصوصیات ویژه و توانمندی هایی که تا این مقطع از خود نشان دادند در نگاه شهید ستاری، فرمانده وقت نیروی هوایی جایگاه خاصی پیدا کردند، ستاری که خود فرماندهی فرزانه و مدیری توانمند و سریع الانتقال بود با دادن اختیارات و امکانات لازم و با ابتکارات و نوآوری های این مدیر جهادی و نابغه نیروی هوایی تحولاتی در حیطه مهندسی رزمی در مقطع جنگ تحمیلی ایجاد کرد، که بسیاری از آن ها امروز هم منشأ خیرات فراوانی برای نیروی هوایی و کشور محسوب می گردند. یکسال بعد از این همکاری مشترک در حالی که شهید ستاری فرماندهی نیروی هوایی را عهده دار بود، مدیریت مهندسی رزمی نهاجا با بهره گیری از تجربیات موفق و موثر مهندسی در ایجاد سایت های دامی و عملیاتی که با انهدام ده ها فروند از هواگردهای عراقی منجر به ایمن شدن آسمان صحنه نبرد و در نهایت فتح شهر فاو عراق به دست رزمندگان اسلام و با ابتکار عمل سپاه پاسداران در عبور از رودخانه اروند

۶۶

ستاری که خود فرماندهی

فرزانه و مدیری توانمند و

سریع الانتقال بود با دادن

اختیارات و امکانات لازم و با

ابتکارات و نوآوری های این

مدیر جهادی و نابغه نیروی

هوایی تحولاتی در حیطه

مهندسی رزمی در مقطع

جنگ تحمیلی ایجاد کرد.

۹۹

جنگ بیشتر است، سعی در قطع صادرات نفت یعنی تنها منبع کسب درآمد کشور داشت. در یک نگاه کلی متوجه می‌شویم این حجم از کار آن هم در بازه زمانی محدود دوران مدیریت احمد شجاعی گاه در زمان صلح هم میسر به نظر نمی‌رسد.

آنچه از ابتکار و نوآوری که او جایگزین کمبودها و کاستی‌ها کرده بود امروز می‌تواند به عنوان الگویی کاربردی برای تمامی کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشد. تدابیر و راهبردهای فرمانده شهید و دانشمند نیروی هوایی سرلشکر منصور ستاری و مجاهدت‌های خاموش بزرگ مردانی همچون احمد شجاعی که سر بلند از آزمون جنگ بیرون آمده بودند باعث شد تا دشمن ناکام مانده و به اهداف خود نرسد. شجره طیبه‌ای که شهید سرلشکر مهندس احمد شجاعی به بهای جان خود آن را بنا نهاده و امروز به لطف خداوند درخت تناوری تبدیل شده که بر حسب فرامین مقام معظم رهبری از سال ۸۴ به اداره مهندسی عبارت پدافند غیرعامل افزوده شد، ۳ سال بعد هم با توجه به تغییرات بنیادی که در ساختار نیروهای مسلح انجام گرفت و به لحاظ نقش مهم این مجموعه در بحث عملیاتی و امور رزمی و همچنین گستردگی فعالیت‌ها عنوان مهندسی رزمی نیز به آن افزوده شد.

از سال ۹۵ عنوان معاونت مهندسی رزمی و پدافند غیرعامل به عنوان یادگاری از آن شهید و الامقام تا به امروز باقی است. بحمد الله این معاونت ضمن الگوبرداری از خط مشی‌های آن شهید عزیز با ارتقای توان خود در شرایط صلح و جنگ از آمادگی بالایی برخوردار است. ما مفتخریم که با تکیه بر گنجینه ارزشمندی از تجارب دوران دفاع مقدس و بهره‌گیری از تجهیزات و نیروی انسانی جوان با میانگین تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد به طور کاملاً مستقل و با دقت و سرعت به انجام ماموریت‌های جاری خود مشغول هستیم. ایجاد تاسیسات پروازی نیروی هوایی در یکی از پایگاه‌های هوایی طی سال گذشته در بازه زمانی کمتر از ۹ ماه از زمان ابلاغ ماموریت، که خود نوعی رکورد زنی در عرصه مهندسی به حساب می‌آید، شاهدی بر مدعای ماست، اینها همه به دست نمی‌آمد مگر به برکت رهبری دایمانه مقام معظم رهبری و درس‌ها و آثاری که از آن شهید گرانقدر به ما رسیده است.

آمادی و پشتیبانی یگان‌های مستقر در تهران در بخش مهندسی انجام وظیفه می‌کرد. هیچ‌گاه نه در دوران جنگ و نه در دوران سازندگی غیرممکنی برای او وجود نداشت، عبارت معروفی هست که می‌گوید: یا راهی خواهیم یافت، یا راهی خواهیم ساخت. گویی که سرمشق شهید شجاعی همین عبارت بوده و به حق که به آن جامعه عمل پوشانید.

به نظر شما مهم‌ترین اقدامات شهید شجاعی حداث سال‌های پایانی جنگ تا حادثه سال ۷۳ که منجر به شهادتشان شد چه کارهایی بود؟

اگر بخواهیم نمونه‌هایی از این اقدامات را بیان کنیم می‌توان به این موارد اشاره کرد: پشتیبانی و احداث سکوها و پرتاب موشک‌های زمین به هوا و احداث قرارگاه‌های مختلف در طول مناطق عملیاتی جنوب و غرب در دوران جنگ تحمیلی، راه‌اندازی و عملیاتی نمودن سیستم آبرو لاستیک که برای اولین بار بعد از خروج بیگانگان در ایران انجام شد، رفع مشکل اف-و-دی پایگاه‌های شکاری در سطوح پروازی، اجرای پروژه‌های سازه باند پروازی پایگاه‌های هوایی همدان، شیراز، تبریز و بوشهر، احداث سایت‌های راداری بندر طاهری-هاشم‌آباد-چابهار، احداث سایت‌های موشکی امیدیه و سمنان، احداث مسجد در محل ستاد نیروی هوایی، احداث ساختمان کلین روم و دیوالکتریک، تکمیل برج و باند جدید پایگاه سوم شکاری، بازسازی اساسی مناطق آسیب دیده از جنگ و بسیاری دیگر از فعالیت‌های عمرانی و سازندگی دیگر که شمارش آن‌ها شاید خارج از حوصله مخاطبان باشد.

به نظر می‌رسد همچنین حجمی از فعالیت‌ها حتی در شرایط متعادل هم کاری غیرقابل انجام باشد، چه رسد به اینکه در شرایط جنگ یاپس از آن باشیم.

بله، بخش عمده‌ای از این موارد در زمانی انجام می‌شد که به خاطر شرایط جنگ، کشور در تحریم شدید نظامی و اقتصادی قرار داشت و عراق با هدف قرار دادن مکرر پایگاه‌ها و اسکله‌ها و پایانه‌های صدور نفت مثل خارک که بر مبنای استاندارد رسمی تعداد دفعات حملات هوایی به روی این پایانه از تعداد روزهای

[عملیات نصر ۸]



مدت زمان عملیات

۶ روز



هدف عملیات

تصرف ارتفاع گرده رش و تسلط بر بخشی از
ارودخانه قلعه چولان در شمال استان سلیمانیه



منطقه عملیات

جبهه شمال غرب
در محور ماووت در شمال سلیمانیه



هدف ثانویه

تثبیت عبور نیروهای خودی را برای ورود به
خاک دشمن و دفاع از خاک ایران



رمز عملیات

یا محمد ابن عبدالله



خسارات

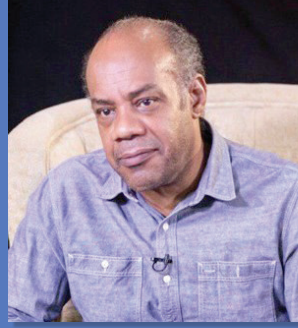
تیپ های ۳۹، ۷۴، ۷۷ و ۸۳ و برخی یگان های
دیگر دشمن به شدت آسیب دیدند و مقداری
از سلاح ها، مهمات و تجهیزات دشمن نیز منهدم
گردید



دیدہ بان



۳۷
بزرگمردان کوچک



۳۲
فراموشی دفاع مقدس یک فاجعه است



۴۳
سه گانه مسعود



سیروس کههروی نژاد در گفت و گو با سرو:

فراموشی دفاع مقدس یک فاجعه است

عمده فعالیت های سیروس کههروی نژاد بر تئاتر و هنر نمایش متمرکز است و البته دستی هم در نوشتن فیلمنامه و نمایشنامه دارد. کههروی نژاد هر چند آثار پرشماری در ژانر دفاع مقدس ندارد اما از جمله هنرمندانی است که جنگ را از نزدیک درک نموده و همیشه درباره دفاع مقدس اظهار نظر کرده و به بازی در آثار متعلق به این ژانر تمایل نشان داده است. این هنرمند بازی در آثار دفاع مقدسی از جمله «اخراجی ها» و «اروند» را در کارنامه هنری خود دارد و به تازگی نیز در فیلم «ماهیان سرخ» به ایفای نقش پرداخته است. همچنین نمایش هایی مانند «آمر علی» و «رویای شب دهم» با بازی کههروی نژاد و با محوریت رزمندگان و شهدای مدافع حرم روی صحنه رفته است. بازیگر فیلم «روز واقعه» و سریال «یوسف پیامبر» اعتقاد دارد که دفاع مقدس یک حقیقت همیشه جاری است که همچنان ادامه دارد. به باور کههروی نژاد، نوعی جبهه گیری در برابر هنرمندانی که مایل به فعالیت در عرصه دفاع مقدس هستند وجود دارد. کههروی نژاد تاکید می کند تا زمانی که حمایت های لازم از فعالان سینمای دفاع مقدس صورت نگیرد نمی توان انتظار اتفاق خاصی را در این عرصه داشت.



زهر اصلواتی

من از شما سوال می‌کنم در چند سال اخیر چند فیلم دفاع مقدسی ساخته شده است؟ هر سال کدام فیلم دفاع مقدسی در جشنواره فجر به نمایش درمی‌آید؟ فیلمی ساخته نمی‌شود که ما در آن بازی نکنیم. وضعیت در تلویزیون هم تقریباً به همین منوال است. در سال چند سریال دفاع مقدسی ساخته می‌شود؟ به عبارت بهتر، اصلاً ساخته نمی‌شود. این همان موج و جریانی است که از آن یاد کردم. موجی که باعث می‌شود هر سال فیلم‌های کم‌دی سطح پایین و نازل ساخته شود اما دریغ از یک فیلم یا سریال دفاع مقدسی. این‌ها شاهد و سندی است بر ادعاهای من.

شما در تئاتر توجه ویژه‌ای به دفاع مقدس و موضوعات حول و حوش آن داشته‌اید. فکر می‌کنید چه ظرفیت‌هایی در هنر نمایش برای پرداخت به چنین مفاهیمی وجود دارد؟

ظرفیت فراوانی وجود دارد البته به این شرط که اجازه پرداخت را بدهند. روی هر قسمت دفاع مقدس که بخواهید دست بگذارید و به آن بپردازید، چون نهایتاً به بعضی‌ها بازمی‌گردد اجازه ورود نمی‌دهند. برای مثال، وقتی من بگویم دست در جیب یکدیگر نکنید، چون در جبهه کسی دست در جیب دیگری نمی‌کرد، تلنگری است برای بخشی از جامعه و به خیلی‌ها بر می‌خورد. در نتیجه، سنگ اندازی‌ها و ممیزی‌ها شروع می‌شود.



سپروس کهوری نژاد در فیلم اخراجی ۱



در جایی از قول شما خواندم که به بازی در آثار نمایشی دفاع مقدس علاقه خاصی دارید. این علاقه چه خاستگاهی دارد و از کجا نشأت می‌گیرد؟

احساس می‌کنم بازیگری در سینما، تلویزیون و تئاتر مانند فیلتری است که ما را به زمان دیگری منتقل می‌کند و در این انتقال، بازیگر می‌تواند احساس خود در آن زمان را به مخاطب منتقل کند. عوامل دیگری مثل نویسندگی، کارگردانی، صدا، تصویر، صحنه‌آرایی و نورپردازی هم بازیگر را در این مسیر یاری می‌رسانند. آثار نمایشی دفاع مقدس یک برهه خاص تاریخی را برای مخاطب روایت می‌کنند و به قشری می‌پردازند که در این مقطع نقش‌آفرینی کرده‌اند. نه فقط در ایران که در سایر کشورها هم جنگ به ندرت اتفاق می‌افتد و معمولاً همه نسل‌ها نمی‌توانند چیزهایی مثل حضور در جبهه و دفاع از وطن را به شکل عینی و واقعی تجربه کنند.

در این جاست که بازیگر می‌تواند با نقش‌آفرینی در فیلم‌های دفاع مقدس کسانی را به تصویر بکشد که جان و مال خود را در راه صیانت از کشور فدا کردند یا به افرادی بپردازد که با زمان‌دگان جنگ هستند و همچنان تبعات آن را با خود به همراه دارند. نمی‌توان این حجم از فداکاری و از خودگذشتگی را نادیده گرفت و در حد توان، باید یاد و نام این افراد را زنده نگه داشت، هر چند امکاناتی که در حال حاضر در اختیار است واقعاً اجازه این کار را چندان نمی‌دهد.

متأسفانه دغدغه بسیاری از مسئولان معطوف به دفاع مقدس نیست و حتی گاهی احساس می‌شود که یک حرکت عامدانه در جریان است تا مساله جنگ و رزمندگان به فراموشی سپرده شود. وظیفه من به عنوان یک بازیگر این است که اجازه ندهم این اتفاق بیفتد، چرا که دفاع مقدس و ارزش‌هایش غیرقابل کتمان است و فراموشی این ارزش‌ها به یک فاجعه می‌ماند.

پس چرا فعالیت آن‌چنانی در این حوزه نداشته‌اید و حضورتان در آثار دفاع مقدس در سینما و تلویزیون البته به چند فیلم محدود مثل اخراجی‌ها و ارونده خلاصه می‌شود؟ آیا پیشنهادات چشمگیر نبودند؟

و باز شما یکی از اولین هنرمندانی هستید که به رزمندگان و شهدای مدافع حرم پرداخته‌اید. چه شد که به سراغ این موضوع رفتید و به نظرتان این شهدا و مدافعان به نوعی در سینما تلویزیون و تئاتر مغفول نمانده‌اند؟

البته خودم هم کار خاصی در این حوزه نکرده‌ام. در نمایش «امیر علی» کمک دوستان بودم و در نمایش «رویای شب دهم» که درباره شهید رضوانی (از شهدای مدافع حرم بود) هم بازی کردم. راستش وقتی چنین پیشنهاداتی را دریافت می‌کنم نمی‌توانم نپذیرم، چرا که باید روزی پاسخگو باشم و از من خواهند پرسید که یک کاری برای معرفی ما به شما پیشنهاد یا محول شد اما قبول نکردی چرا؟ آن جاست که پاسخ و عذر موجهی ندارم.

البته یک سری کارها در حوزه شهدا و رزمندگان مدافع حرم صورت گرفته است اما کافی نیست. یک موضوع دیگر در حوزه مدافعان حرم عدم دسترسی به فضا و حتی کسانی است که درگیر آن بوده‌اند، در حالی که در دفاع مقدس چنین محدودیتی وجود ندارد و هنوز آدم‌های جنگ در دسترس هستند و در میان ما زندگی می‌کنند و امکان حضور در خطوط و مکان‌هایی که جنگ در آن‌ها رخ داده است وجود دارد. حتی بسیاری از گروه‌های تئاتری در آن زمان در خطوط مقدم جبهه حضور می‌یافتند و مستقیم با رزمندگان در ارتباط بودند. به نظرم برگزاری یک جشنواره می‌تواند در ساخت و متمرکز شدن تولید فیلم کوتاه، بلند و مستند در حوزه مدافعان حرم موثر باشد. می‌بینم که خیلی از دوستان فیلم کوتاه درباره این موضوع کار می‌کنند، حتی در سینمای جوان هم اتفاقاتی در حال رخ دادن است. متأسفانه هزینه ساخت اثر نمایشی در تلویزیون و سینما با توجه به شرایط روز خیلی بالا رفته است.

مسئولان باید همت کنند تا این هزینه‌ها تأمین شود. گاهی آن‌ها در مواجهه با هزینه‌های ساخت یک فیلم یا سریال چنان برخورد ناباورانه و عجیبی دارند که هنرمند ترجیح می‌دهد به سراغ کار دیگری برود. دفاع مقدس حقیقتی جاری است و همچنان هم ادامه دارد. همین الان که ما داریم با هم صحبت می‌کنیم کسانی در حال دفاع و محافظت از کشور هستند. در دهه‌های شصت و هفتاد و حتی تا میانه‌های دهه هشتاد حمایت‌هایی

در زمان نگارش فیلمنامه یک سریال دفاع مقدسی با یکی از هم‌زمان شهید همت صحبت می‌کردم.

او گفت ضبط صوت را خاموش کن تا آزارهای مگوی جنگ برایت حرف بزنم. وقتی برخی از مسائل را مطرح کرد دیدم نمی‌توانم به هیچ‌کدام از این موضوعات بپردازم. برای مثال، پرسید شنیده‌ای که می‌گویند در جنگ یک گردان می‌رفته و یک نفر باز می‌گشته است؟! این پرسش مطرح است که کدام مسئول کم‌کاری و خطا کرده که باعث شده از گردان فقط یک نفر باقی بماند؟! خب نمی‌شود در آثار نمایشی به این مسائل پرداخت ولی واقعیت دارد. وقتی قرار است به زیرساخت‌های جنگ هشت ساله بپردازیم به طور طبیعی باید بروی خیلی از مسائل خط بکشیم. همه واقعیت‌ها را نمی‌توان گفت؛ در نتیجه، نویسنده با خودش می‌گوید اصلاً چرا در مبحثی ورود کنم که نتوانم از آن حرف بزنم؟ از سوی دیگر، نوعی سلیقه هم در ساخت آثار نمایشی اعمال می‌شود که حاصل سهل‌انگاری، تحمیق و بی‌سوادی است. کسی هم نمی‌تواند به آن اعتراض کند.

۶۶

دفاع مقدس دارد به یک ارزش پنهان تبدیل می‌شود. جبهه‌گیری‌هایی در برابر این سینما وجود دارد. دستگاه‌های متولی سینما دفاع مقدس چندان عزم و اراده‌ای برای کار ندارند. چنان ایرادهای عجیب و غریبی به طرح‌ها و فیلمنامه‌ها وارد می‌کند.

۹۹



اقتصادی هم مزید بر علت شده است. ما هنرمندان کم کاری نمی کنیم. هنرمند هیچ وقت کم کاری نمی کند. پشتیبانی نمی شویم. من خودم جنگ را از نزدیک تجربه کرده ام. گلوله از پنج سانتی سرم عبور کرده است. وقتی به وزارت ارشاد می روم مرا پس می زنند؛ منی که خودم جنگ را دیده ام.

نمی توان از حضور شما در آثار دفاع مقدس صحبت کرد و اشاره ای به فیلم اخراجی ها نداشت. حالا که سال ها از ساخت واکران سه گانه اخراجی ها می گذرد چه نظری درباره این فیلم دارید؟ اخراجی ها را دوست دارم اما اخراجی های ۲ و ۳ را نه. اخراجی ها واقعا یک اثر سینمایی بود اما سری دوم و سومش نه.

نقش کریم سوسکه یا همان حاج کریم در این فیلم چه جذابیت هایی برایتان داشت؟

از سینمای دفاع مقدس صورت می گرفت و آثاری در این حوزه ساخته می شد اما ۱۵ سالی هست که همه پای شان را از ماجرا کنار کشیده اند و این سینما بدون متولی مانده است. کارها به دست بخش خصوصی افتاده و صراحتاً می گویم این بخش ترجیح می دهد یک کار جلف بسازد تا عده ای آدم جلف هم بروند آن را ببینند و بخندند. بودجه دارد برای تحمیل مخاطب هزینه می شود. وقتی فیلم های دهه هفتاد را می بینم تعجب می کنم که در قیاس با فیلم های دهه ۹۰ چقدر فرهیخته هستند. در این ۱۵ سال با سینما و تئاتر این مملکت چه کرده اند؟!

به نظر تان چرا در یکی دود دهه اخیر کمتر کارگردان و تهیه کننده ای راغب حضور و فعالیت در سینمای دفاع مقدس بوده است؟ وقتی حمایتی صورت نمی گیرد کسی نمی تواند فعالیت کند. نسبت به فرهیختگی یک نوع جبهه گیری وجود دارد. مشکلات

فرد خاصی در ذهنم نیست. بیشتر به فیلمنامه خوب فکر می‌کنم. کارگردان خیلی برایم مهم نیست.

و کدام کاراکتر در فیلم‌های دفاع مقدس برای تان محبوبیت ویژه‌ای دارد و مثلاً دوست داشتید چنین نقشی را خودتان بازی می‌کردید؟

نمی‌توانم از کاراکتر خاصی نام ببرم. اخیراً خودم در فیلم «ماهیان سرخ» به کارگردانی اسد سیاح در اهواز بازی داشتم که کار دفاع مقدسی است. نقش یک پروفیسور را داشتم که خودش بچه جنگ است و می‌آید در بین مفقودین کنکاش و هویت یکی از آن‌ها را مشخص می‌کند. در نهایت هم خودش به علت عارضه شیمیایی که دارد شهید می‌شود. خودم این نقش را خیلی دوست داشتم. انسانی بود که درگیر جنگ بود و پس از آن هم دغدغه‌اش را داشت.

به عنوان یک مدرس و کارشناس، روند فعالیت سینمای دفاع

مقدس را در چهار دهه گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من فکری که اتفاق خاصی نیفتاده و کاری انجام نشده است. کار علمی و آکادمیک در این حوزه صورت نگرفته است. حتی در فضاهای دانشگاهی هم توجهی به سینمای دفاع مقدس نشده و هنوز هم نمی‌شود. دفاع مقدس دارد به یک ارزش پنهان تبدیل می‌شود. جبهه‌گیری‌هایی در برابر این سینما وجود دارد. دستگاه‌های متولی سینمای دفاع مقدس چندان عزم و اراده‌ای برای کار ندارند. چنان ایرادهای عجیب و غریبی به طرح‌ها و فیلمنامه‌ها وارد می‌کند که هنرمند منصرف می‌شود و به طور کل، کار را می‌کند.

این روزها چه می‌کنید و مشغول چه کاری هستید؟

در حال نگارش فیلمنامه یک سریال هستم. نمی‌توانم خیلی درباره‌اش توضیح بدهم. شاید یک نمایش جدید را هم روی صحنه ببرم. به هر حال، ما کار می‌کنیم و قرار نیست عقب‌نشینی کنیم.

در اخراجی‌ها آدم‌های جبهه همان کاراکترهای کلیشه‌ای قبلی نبودند و همین جذاب‌شان می‌کرد. در اخراجی‌ها ۱۱ از کسانی صحبت می‌شد که در جبهه بودند و حتی جان‌شان را دادند اما هیچ وقت به آن‌ها پرداخته نشده بود. قشری از اجتماع بودند که از دل مردم برخاسته و اتفاقاً هیچ ادعایی هم نداشتند. البته اگر ادعایی هم داشتند کسی قبول نمی‌کرد. اخراجی‌ها باعث شد یادی از این افراد بشود و مردم آن‌ها را به خاطر بیاورند.

گویا از بازی در اخراجی‌ها ۳ رضایت خاطر نداشتید.

نه، راضی نبودم. اتفاقاتی در پشت صحنه افتاد که خوشایند نبود که دیگر گذشته و لزومی هم ندارد بازگو شود. اعتراض من البته به نقشم بود.

اگر روزی قرار باشد اخراجی‌ها ۴ ساخته شود در آن حضور

خواهید داشت؟

اخراجی‌ها ۳ را هم به زور بودم. دوست دارم کارهای بهتری بازی کنم. تاریخ مصرف اخراجی‌ها تمام شده است. باید به سراغ موضوعات جدی‌تری رفت که قابلیت طرح در همه زمان‌ها را داشته باشند.

مسعود ده‌نمکی را چگونه کارگردانی دیدید؟

قضاوت خاصی ندارم. ایشان شخصیت خاص خودشان را دارند و من هم شخصیت خودم را دارم. فرصت پرداختن به دیگری را ندارم. ترجیح می‌دهم نظرم را رسانه‌ای نکنم، نه فقط درباره آقای ده‌نمکی که برای سایر کارگردانان هم چنین رویه‌ای را دارم.

کدام فیلم در سینمای دفاع مقدس را بیشترین پسندید و اثر

مورد علاقه تان است؟

فیلم خاصی مد نظرم نیست.

دوست دارید با کدام کارگردان شاخص سینمای دفاع مقدس

همکاری داشته باشید؟



بزرگمردانِ کوچک

نگاهی به فیلم‌های ساخته شده با محوریت یا با نگاهی به دانش‌آموزان رزمنده

دفاع مقدس در مقام یک کنش ملی و فراگیر، دربرگیرنده همه اقشار جامعه با هر سن و سال و خاستگاه اجتماعی بود و تمامی مردم به شکل مستقیم و غیرمستقیم و در مقیاس‌های متفاوت در این حماسه تاریخی نقش آفرینی داشته‌اند. طبیعی است که در مواجهه و مقابله با یورش نابه‌هنگام، غافلگیرکننده و نابرابر دشمن همه بخش‌های جامعه اعم از مرد و زن و پیر و کودک، خود را از قید و بند‌های مرسوم و معمول رها نموده و در حد وسع و امکان، در صدد دفاع از کین و کشور خود برآیند. در جنگ تحمیلی ۸ ساله نیز شاهد حضور همه اقشار، نه فقط در پشت جبهه که در خط مقدم و در پیشانی دفع فتنه بودیم. در این میان، نوجوانان و حتی کودکان نیز خواسته یا ناخواسته درگیر جنگ بودند و اقتضائات روزگار بر مناسبات کودکی‌شان تأثیر مستقیم داشت. کودکان و نوجوانان ایرانی نه تنها در روزهای آغازین جنگ، دوش به دوش مدافعان شهرهای ایران جنگیدند و حماسه‌ها از خود به یادگار گذاشتند که در سال‌های بعد نیز با احساس نیاز حضور در جبهه و مقابله با دشمن، مدرسه و تعلیم را به شکل مقطعی رها کرده و در سنگری دیگر مشغول خودسازی و تحصیل معرفت شدند. این کودکان و نوجوانان نه فقط در دوران جنگ که در پسا جنگ نیز متأثر از آن بوده‌اند.



محسن محمدی



اتوبوس شب

عیسی در آتش

نخستین تجربه کیومرث پورا احمد در ژانر دفاع مقدس، تجربه‌ای شیرین و تا حدودی موفق که البته کارگردانش هنوز از دشواری‌های آن سخن می‌گوید، یک بازی فوق‌العاده از مرحوم خسرو شکیبایی در دوران افولش تأیید کند که دود همچنان از کنده بلند می‌شود. عیسی نوجوانی است که باید به تنهایی چند اسیر عراقی را به پشت جبهه منتقل کند. ماموریتی دشوار و جان فرسا. عیسی در آتش آزمون و امتحان. پورا احمد فیلمنامه فیلمش را بر اساس کتاب «داستان‌های شهر جنگی» حبیب احمدزاده نوشته و بارها بازنویسی کرده است. همه با وسواس‌ها و موشکافی‌های او آشنا هستند. مهرداد صدیقیان در آغاز راه آکتوری و در نقش عیسی عالی است. نوید ظهور یک بازیگر توانا. فیلم یک اثر ضد جنگ است اما از جنگاوری می‌گوید که ناخواسته اما جانانه درگیرش شده‌اند. عیسی ابراهیم‌وارا از آتش «اتوبوس شب» بیرون می‌آید؛ مطهر و آبدیده. پورا احمد فیلمش را سیاه و سفید ساخته است

به نیت تأثیرگذاری بیشتر احتمالاً و البته جایزه بهترین کارگردانی جشنواره بیست و یکم فیلم‌های کودک و نوجوان را هم نصیب خود می‌کند.

کودک قهرمان

پایان کودکی

یک فیلم شریف از کمال تبریزی. اثر برگزیده جشنواره دهم فیلم‌های کودک و نوجوان. خانواده‌ای روستایی در حال ساخت خانه

نوسازشان غافل گیر هجوم دشمن می‌شوند در مناطق مرزی. هیوا نوجوانی است کمک حال پدر. خانواده می‌گریزد از بیم خصم؛ هیوا با پدر و مادر و تنها خواهرش. در میانه راه اتومبیل می‌ماند و بنای ناسازگاری می‌گذارد. پدر خسته و رنجور از زخم‌هایی که در دفع حمله گرگ‌های صحرا برداشته، به دنبال آب می‌رود. هیوا می‌شود مرد خانه، جانشین



بزرگمرد کوچک

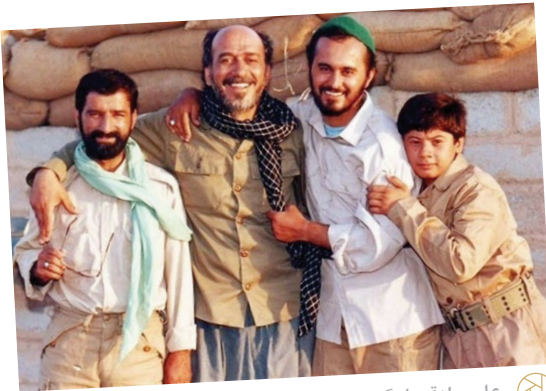
بر مدار واقعیت

قصه کودکانی که جنگ، زود بزرگ‌شان کرد. قصه شهید بهنام محمدی، از قهرمانان و مدافعان خرمشهر در روزهای ابتدایی جنگ. افتخار خوزستان، سمبل خرمشهر. صادق صادق زندگی این شهید کوچک اما بزرگ را دستمایه ساخت فیلمش قرار داده است. بهنام محمدی نوجوانی بود که وقتی دشمن خرمشهر را محاصره کرد، با توجه به سن و سال کم و ضریب هوشی بالایش، حکم ستون پنجم مدافعان شهر را داشت در میان سربازان بعضی. عراقی‌ها در ابتدا بهنام را دستگیر و زیر چک و لگدش می‌گیرند. نوجوان زیرک خرمشهری اما دشمن را فریب می‌دهد و اعتمادش را جلب می‌کند و میان مدافعان و متجاوزان در رفت و آمد می‌شود و آمار انبار مهمات و گرای خصم را به خودی می‌دهد. فیلم اثر برگزیده جشنواره بیست و ششم کودک و نوجوان می‌شود و محمد جواد سلام پور بازیگر نقش شهید بهنام محمدی برنده پروانه زرین بهترین بازیگر جشنواره. بزرگمرد کوچک فیلم خوبی است اما بهتر هم می‌توانست باشد. سهل انگاری‌هایی در روایت داستان عیان است.

صدای پای من

قصه اراده

یک کار متفاوت درباره متاثرین از جنگ. قربانیان جنگ، سال‌ها پس از خاتمه‌اش. معصومیت مضاعف. مهرداد خوشبخت سوژه نسبتاً بکری را برای فیلمش انتخاب کرده است. قصه نوجوانی دونده، قهرمان کشور. امیدوار به آینده. پراز نقشه و طرح و آرزو در سر. دانیال عاشق دودین است. روزی در جریان تمرین، پایش روی



علی صادقی بازیگر نوجوان سریال بهترین تابستان من

مینی برج مانده از جنگ ایران و عراق می رود دریکی از روستاهای مرزی غرب کشور. پایان همه آمل و آرزوها برای پسر نوجوان، به ظاهر البته. دانیال اما بلند می شود دوباره با پای مصنوعی، در این جا واقعیت و فانتزی درهم گره می خورد. پای مصنوعی سخنگو از آب درآمد و با صاحبش درد دل می کند. دوست دارد پای واقعی شود برای دانیال. فیلم فضای شاعرانه دارد. «صدای پای من» قصه اراده هاست. داستان خواستن و توانستن. دانیال می خواهد و می تواند. فیلم جوایز بین المللی فراوانی گرفته است.

بهترین تابستان من

حاضر جواب و بامزه

سریالی برخوردار. حکایت نوجوان یزدی که می خواهد تعطیلات تابستانی متفاوتی را با حضور در جبهه برای خود رقم بزند. نگاه طنزانه به دفاع مقدس. شوخی با جنگ، بدون عبور از خطوط قرمز. یک کار هوشمندانه. جزو اولین ها در تلویزیون که با جنگ شوخی می کند، شاید هم اولین و آخرین. بار قصه بردوش سعید، نوجوان حاضر جواب و بامزه یزدی است. بار کاراکتر سعید هم بردوش علی صادقی به عنوان بازیگر نقش و افشین زنوزی در مقام دوبلور شخصیت. لهجه شیرین یزدی ملاحظه کاراکتر سعید را دوچندان کرده است. یک ارزش افزوده برای قهرمان اصلی سریال. تیم بازیگران حرفه ای است؛ علیرضا اسحاقی، سید جواد هاشمی، حسین خانی پیک و فاطمه طاهری. علی بهادر در مقام کارگردان اثر شسته و رفته ای ساخته، بدون شعارزدگی و کلیشه گرایی. سعید در جبهه بزرگ می شود؛ آن قدر بزرگ که در قامت یک جانباز.

بازی بزرگان

جذاب اما مغفول

فیلم ارزشمند اما نادیده کامیوزیا پرتوی. کودکانی که نه فقط زود بزرگ شدند که نقش پدر و مادر طفلی جامانده و وامانده را نیز بازی کردند. این مرتبه قهرمان یک دختر است، یک دختر کرد، برآمده از هوشمندی و خوش ذوقی پرتوی. مریم در اثر ضربه ای

بیپوش می شود و چون به هوش می آید شهر را خالی از سکنه می بیند. قصه در مناطق کردنشین غرب می گذرد. شهر خالی و دختر بچه تنها. هراسی دهشتناک. مریم در جست و جوی پدر و مادری که دیگر نیستند یونس را می یابد؛ پسری هم سن و سال خودش، شاید یکی دو سال بزرگ تر. دو کودک که هم پناه می آورند و نوزادی را می یابند که زنده مانده است به شکل اتفاقی. حالا مریم و یونس نقش پدر و مادر را برای نوزاد بازی می کنند. طفلانی بلاکشی طفلی دیگر. یونس با تمام کودکی اش به دنبال راه فراری از شهرنیزی می گردد. پرتوی پایانی دراماتیک را برای فیلمش طراحی کرده است. مریم و نوزاد در نهایت می رهند اما یوسف به همراه سایر مردهای مانده در شهر به اسارت دشمن در می آید. پایانی غافلگیرکننده. پرتوی تدوین فیلمش را به واروژ کریم مسیحی سپرده است تا حاصل کار، همانی شود که می خواهد. «بازی بزرگان» اما دیده نمی شود و گم می ماند در میان سایر آثار خالقش.

۲۳ نفر

ایران کوچک در استخبارات

فیلمی با قصه ای مستند. همه چیز بر مدار واقعیت. ۲۳ نوجوان رزمنده در سال ۱۳۶۱ به اسارت درآمده اند و صدام می خواهد با آن ها برای خود وجهه انسان دوستانه بخرد. دیکتاتور سابق عراق این ۲۳ نفر را مشتی طفلی می پندارد اما زهی خیال باطل. ۲۳ نفر نمایندگان مردم خویش هستند از سراسر ایران، گرم که سن و سالی نداشته باشند. ایران کوچک در دل استخبارات دشمن.

شخصیتی این نوجوانان را با اضطراب مرگ درهم آمیخته و فیلمی جذاب را خلق کرده است. «خانه امن است» از بابت قصه‌ای جذاب با ساختاری محکم، پروانه زرین بهترین فیلم‌نامه جشنواره بیست و چهارم فیلم کودک و نوجوان را در دام می‌اندازد. رفایی در کنشی هوشمندانه تمام هنرپیشه‌های فیلمش را از میان نابازیگران برگزیده است. فیلم بر پایه‌های روابط انسانی استوار است و انسانیت در آن حرف اول و آخر را می‌زند.

ترکش‌های صلح

جمعه و عود در جزیره مینو

پرداخت به دوران پسا جنگ، متأثرین از واقعه‌ای که سال‌ها از پایش می‌گذرد، جنگ هنوز قربانی می‌گیرد، نوجوانان، قربانیان جنگ، علی‌شاه حاتمی کارگردان دغدغه‌مندی است و جنگ را می‌شناسد، خودش فیلم‌نامه «ترکش‌های صلح» را نوشته است. قصه در جزیره مینو می‌گذرد، جمعه و عود، دو نوجوان، روزگار خود را با جمع‌آوری و فروش ضایعات جنگی می‌گذرانند. خلق تصویری جذاب و ناب از محرومیت، مردم مظلومی که به شکل مستقیم درگیر جنگ بودند و حالا با تنگدستی دست و پنجه نرم می‌کنند. شاه حاتمی گره‌ای حساب شده را در داستان انداخته است. برای خواهر جمعه، خواستگار آمده، جمعه به عنوان نان‌آور خانواده باید به فکر جهیزیه باشد. نوجوان فداکار تصمیم می‌گیرد ضایعات یک میدان قدیمی مین را جمع‌آوری کند از برای تأمین هزینه جهیزیه خواهر. خطر در خطر، عود نمی‌خواهد دوستش درگیر چنین ماجرای خطرناکی شود. «ترکش‌های صلح» فیلم خوبی است و نگاهی نوبه دفاع مقدس و

مهدی جعفری بر اساس زندگی این نوجوانان فیلم «۲۳ نفر» را ساخته است. ابراهیم حاتمی‌کیا مشاور اوست. ۲۳ نوجوان از سراسر کشور دستچین شده‌اند برای ایفای نقش‌ها. شروع کار با حضور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی کلید می‌خورد در اولین روز تصویربرداری، بازیگران نوجوان دور سردارشان حلقه می‌زنند. حاج قاسم مهربان است و بی‌پیرایه. جعفری فیلم آبرومندانه‌ای را جمع می‌کند در نهایت. «۲۳ نفر» برنده پروانه زرین بهترین فیلم سی و دومین جشنواره کودک و نوجوان می‌شود و البته سیم‌رغ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی در جشنواره سی و هفتم فجر را نیز به خانه می‌برد. «۲۳ نفر» فیلم خوش ساختی است که در آن تنوع قومیتی و ریزه کاری‌های فرهنگی لحاظ و رعایت شده. فیلم برای سیم‌رغ پنج رشته بهترین صداپردازی، طراحی صحنه، جلوه‌های ویژه میدانی، جلوه‌های ویژه بصری و چهره‌پردازی نیز در جشنواره فجر نامزد می‌شود.

خانه امن است

امنیت در زیر موشک

روایت جنگ در برهه‌ای حساس، اوج موشک باران شهرها، درگیر شدن همه مردم ایران با جنگ، روزها و شب‌های هراس و اضطراب، ناصر رفایی راوی این امپراتیو است در یک خوابگاه کودکان و نوجوانان بی سرپرست تحت پوشش سازمان بهزیستی. زاویه دید جدید، طرحی نو، خلاقانه، تعدادی نوجوان روزها و شب‌های ملتهد بمباران را در خوابگاه بهزیستی می‌گذرانند. پرداخت به قشری خاص و آسیب‌پذیر، بی‌پناهی در هراس پایین آمدن سقف بر سرشان، رفایی دغدغه‌ها و تنگناهای



بزرگ برای یک فیلم دفاع مقدسی، ستاره پسیانی هم دیپلم افتخار بازیگری نقش اول زن را می‌گیرد تا «یدو» نقطه اوجی باشد در کارنامه هنری اش. جلوه‌های ویژه بصری فیلم فوق‌العاده است. نقطه ضعف فیلم جعفری در شخصیت‌پردازی کاراکترها و از جمله شخصیت مادر است.

مهران

این یزدی‌های مهمان نواز

یک ایده جذاب، فیلمی ساده و بدون ادعا اما سرگرم کننده. داستان خانواده‌ای جنگ‌زده در دهه ۶۰ که سراز یزد درآورده‌اند و مهمان خانواده‌ای در این شهر شده‌اند. تا این جای کار، قصه مطلب تازه‌ای ندارد. اصل ماجرا از زمانی آغاز می‌شود که میان مهران و داوین (پسرکرد) دوستی شکل می‌گیرد و مهران که مادر رادر کودکی از دست داده است، برای یافتن همسری مناسب برای پدر و مادر آینده‌ای برای خودش، راسا دست به کار می‌شود. این نقطه عطف، ناگهان فرازی به فیلم‌نامه می‌دهد و قصه را پراز لحظات کمیک و بعضاً دراماتیک می‌کند. فیلم «مهران» بیان‌گر همبستگی مردم است در سال‌های سخت و پیر التهاب جنگ.

متاثرین از آن دارد. فیلم یکی از آثار برگزیده پانزدهمین جشنواره کودک و نوجوان می‌شود.

کودک و فرشته

فرشته‌ای که فرشته بود

باز هم روزهای ابتدایی جنگ و باز هم مقاومت خرمشهر. حماسه‌ای بدون تاریخ انقضا. دختر نوجوانی به نام فرشته که پدر و مادرش را بر اثر اصابت بمب به خانه‌شان در خرمشهر از دست داده، حالا در پی تنها برادرش (سلیم) می‌گردد که هنوز زنده است. سلیم جزو مدافعان خرمشهر است. «کودک و فرشته» روایت‌کننده این اثر است. از خودگذشتگی بی‌حد و حصر. دختر نوجوان پسر بچه‌ای همسن و سال خود را نجات می‌دهد اما با جسد برادرش مواجه می‌شود. مونا احمدی که بعدها در سریال «وضعیت سفید» خوش می‌درخشد بازیگری نقش فرشته است. فیلم مسعود نقاش‌زاده با استقبال در جشنواره‌ها مواجه می‌شود. فیلم برنده ۷ جایزه از مراسم تجلی اراده ملی در جشنواره بیست و هفتم فجر می‌شود و پنج جایزه هم از بیست و سومین جشنواره کودک و نوجوان تصاحب می‌کند. «کودک و فرشته» اثر خوش‌ساختی است و یکی از فیلم‌های قابل اعتنا در ژانر دفاع مقدس.

یدو

کسی از دل مادر خبر ندارد

یک ستاره پسیانی متفاوت. آبادان در روزهای محاصره. شهری که خالی است و زنی که نمی‌خواهد و نمی‌تواند از خانه و کاشانه‌اش دل بکند. مهدی جعفری فیلم «یدو» را براساس داستان «زخم شیر» صمد طاهری ساخته است. یدو پسر نوجوانی است که از مادر و خواهر و برادرانش مراقبت می‌کند و اصرار دارد به ترک خانه و کوچیدن به شهری دیگر و منطقه‌ای امن. مادر اما دل در گروی خانه‌ای دارد که هر گوشه‌اش یادآور خاطره‌ای خوش برای اوست. چالش‌های یدو و مادر می‌شود نقطه عطف فیلم. اثر جعفری در جشنواره سی‌ام فیلم فجر می‌ترکاند و در ۱۳ رشته نامزد جایزه می‌شود و در نهایت، سیمرغ بهترین فیلم و کارگردانی را از رقبای می‌رباید. موفقیتی



نمایی از فیلم کودک و فرشته



می‌کند غافل گیرانه. او مخفیانه به دنبال برادر و در پی خواهر می‌رود و شهید می‌شود. نقش نوجوان «روز سوم» در میان نقش‌های اصلی فیلم گم است و چندان نمود ندارد اما تأثیرگذار است. رسول مظلوم است و پنداری نادیده گرفته شده. نوجوان در حاشیه اما، بزرگی می‌کند و قبل از برادر بزرگ‌تر و هم‌زمانش شهید می‌شود. قهرمان نوجوان فیلم لطیفی گویی که میان برمی‌زند و یک شبه ره صد ساله را می‌رود. حضور کاراکتر رسول چندان وسیع نیست و به چند سکانس محدود می‌شود اما شخصیت پردازی درست باعث دیده شدن و تأثیرگذاری نقش شده است. «روز سوم» بی‌شک یکی از بهترین و برخورداری‌ترین فیلم‌های دفاع مقدس است و رسول فیلم هم یکی از مظلوم‌ترین و پاک‌ترین کاراکترهای نوجوان.

تنگه ابوقریب

پرسش‌گر نسل‌های بعدی

علی در «تنگه ابوقریب» فقط یک نوجوان عکاس نیست بلکه یک نسل را نمایندگی می‌کند. نسلی که محدود به زمان و جغرافیای خاصی نیست و شمایی جهان شمول دارد. حضور علی در میانه آن همه هیاهو و درگیری چندان منطقی به نظر نمی‌رسد؛ شاید یک وصله ناجور. مگر می‌شود یک گردان، نوجوان کم سن و سال و بی‌تجربه‌ای را که برای عکاسی آمده، با خود تا خط مقدم و چند متری دشمن ببرد؟! بهرام توکلی گویا به عمد، کاراکتر علی را در میان شخصیت‌های رزمنده فیلمش جاسازی کرده است تا از زبان او پرسش‌های نسل‌های بعدی جنگ را مطرح کند. مثلاً علی می‌پرسد چرا می‌جنگیم؟ چرا ما شیمیایی نمی‌زنیم؟ چرا و چرا و چرا؟ چراهایی که شاید پرسش و ذهن مشغولی نسل‌های معاصر و بعدی جنگ تحمیلی باشد. نوجوان فیلم «تنگه ابوقریب» یک محمل است برای پاسخ به پرسش‌های اساسی، حتی بزرگ‌تر از دفاع در برابر دشمن در تنگه ابوقریب. شاید به همین دلیل است که علی در پایان فیلم و برخلاف بیش و کم همه افراد گردان عمار که شهید می‌شوند، جان سالم به در می‌برد و اسلحه به دوش، پای در مسیر آینده می‌گذارد.



اثری با تم اجتماعی که همدلی‌ها را روایت می‌کند. رقیه توکلی در فیلم دومش به شکل هوشمندانه از معماری تاریخی و بافت قدیم یزد برای بالا بردن جاذبه‌های بصری اثر بهره گرفته است. فیلم توکلی توانست پروانه زرین جشنواره سی و سوم کودک و نوجوان را با خود به خانه ببرد.

باد و مه

شوکار در پسا جنگ

اقتباسی وفادارانه از کتاب «تابستان و غاز سفید» مرگان شیخی. هدف، نمایش درد و رنج‌های پس از جنگ است. محمدعلی طالبی می‌خواهد تجربه خوش «گل پامچال» را برای مردم تداعی کند. شوکا که اصلیت شمالی دارد در دوران جنگ و بر اثر بمباران، مادر را از دست داده و خودش نیز کرب و لال شده است. او حالا بابت این نقصان از سوی بچه‌های دیگر آزار می‌بیند. سوژه خوبی است اما طالبی در فیلمش میان اثری روان شناسانه و جنگی و کودکانه سرگردان شده و رشته کار از دستش در رفته است. «باد و مه» آن چنان که باید و شاید نمی‌تواند با مخاطب داخلی ارتباط برقرار کند اما در جذب تماشاچی خارجی موفق است. فیلم طالبی در شصت و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین جایزه سینمایی عدالت و همبستگی را گرفته است. منتقدان داخلی هم البته روی خوشی به فیلم نشان ندادند. ریتم «باد و مه» کند است و گاهی حوصله را سر می‌برد. با این حال، حیف است کارگردانی همچون محمدعلی طالبی دیگر فیلم نسازد.

روز سوم

مظلومیت رسول

نوجوانان در صفوف مدافعان خرمشهر. محور فیلم محمدحسین لطیفی رضا است و خواهرش سمیره. در این میان، رسول برادر کوچک‌شان در حاشیه است و یک نقش فرعی. رسول اما در بزنگاهی که مخاطب تصورش را هم ندارد برگ برنده‌ای رو



۳۰ نکته درباره مجموعه فیلم «اخراجی‌ها»

سه‌گانه مسعود

فیلم «اخراجی‌ها» و دو دنباله‌ای که برآن ساخته شده است یک اتفاق در سینمای ایران دست‌کم در دهه ۸۰ به‌شمار می‌رود. فارغ از اینکه اخراجی‌ها را دوست بداریم یا باب طبع مان نباشد و سواى اشکالات ساختاری و محتوایی که به فیلم مسعود ده‌مکی وارد است، این اثر نمایشی و دنباله‌هایش در فتح قله‌های اکران سرفراز بوده و عملکردی درخور تحسین و خیره‌کننده داشته‌اند. فراموش نکنیم اگرده‌مکی توانست پس از ساخت دو فیلم مستند و البته با برخورداری از امکانات ویژه، فیلمی پرمخاطب بسازد و خود را به عنوان کارگردان در سینمای ایران تثبیت کند، بسیاری دیگر از فیلمسازان با سابقه‌ای بسیار طولانی تراز او در ساخت آثار مستند و فیلم کوتاه و با وجود در اختیار داشتن امکانات مکفی، در اولین گام‌شان در ساخت فیلم بلند بسیار ضعیف عمل کرده و اعتبار قابل اعتنا و دفاع خودشان در عرصه مستندسازی و فیلم کوتاه و سرمایه‌تیه‌کننده را که گاهی دولتی بود و حکم بیت المال را داشت، یکجا نابود کردند و به فنا دادند. شاید در سینمای ایران حول و حوش هیچ فیلمی به اندازه سه‌گانه اخراجی‌ها صف‌بندی موافقان سینه‌چاک و مخالفان سرسخت شکل نگرفته باشد. یک نکته اما قابل کتمان نیست: آثار ده‌مکی در جذب تماشاچی بسیار موفق بوده‌اند و این فیلمساز نشان داده که رگ خواب مخاطب را در دست دارد و می‌داند چه بسازد تا عوام را جلب کند.



ارغوان محمدی

سه‌گانه اخراجی‌ها را طیف وسیعی از مردم دوست داشته و دارند و سرسخت‌ترین منتقدان ده‌نمکی هم نمی‌توانند این واقعیت را انکار کنند. ۱۵ سال از اکران اخراجی‌ها می‌گذرد و این فیلم و دنباله‌هایش همچنان در بازپخش‌های متعدد از شبکه‌های تلویزیون بیننده خود را حفظ کرده و پر مخاطب هستند. شاید خالی از لطف نباشد پرداختن به حواشی و نکاتی از سه‌گانه اخراجی‌ها پس از گذشت این همه سال و بیان نکات و ناگفته‌هایی که در زمان ساخت و اکران مغفول ماندند یا بعدها فاش شدند.

۱. ده‌نمکی ساخت اخراجی‌ها را پس از کارگردانی دو مستند جنجالی «فقر و فحشا» و «کدام استقلال؟ کدام پیروزی؟» که اتفاقاً هر دو هم پر مخاطب بودند و واکنش‌های فراوانی را در سطح جامعه برانگیختند، کلید می‌زند به تهیه‌کنندگی حبیب‌الله کاسه‌ساز. ۲. مجید سوزوکی با بازی کامبیز دبیرباز و در مقام کاراکتر اصلی و قهرمان اول اخراجی‌ها مابه‌ازای واقعی در جبهه‌ها داشته است. شهید مجید خدمت در اواخر جنگ و در ۷ تیر ۱۳۶۷ به شهادت می‌رسد. ده‌نمکی شهید خدمت را در جبهه‌ها از نزدیک دیده است.

۳. ده‌نمکی اخراجی‌ها را با حضور بازیگرانی از جمله اکبر عبدی، کامبیز دبیرباز، امین حیایی، علی اوسینود، ارژنگ امیرفضلی و... کلید می‌زند. شایعه‌ای در میان است که بعضی از بازیگران با قراردادهای سنگین حاضر به همکاری با ده‌نمکی و نقش آفرینی در فیلم شده‌اند که البته همگی به اتفاق تکذیب می‌کنند. ۴. فیلم در سال ۱۳۸۶ اکران می‌شود و گیشه‌ها را می‌ترکاند. اخراجی‌ها ۱ در زمان خودش ۲ میلیارد تومان می‌فروشد که با احتساب بهای بلیت سینما، تعداد تماشاچی‌ها و تورم، به پول امروز می‌شود معادل ۷۰ میلیارد تومان. اخراجی‌ها رکورد فروش در تاریخ سینمای ایران را جابه‌جا می‌کند.

۵. اکران فیلم با واکنش‌های متناقض و متضاد همراه می‌شود. گروهی اخراجی‌ها را یک اثر برخوردار و جذاب می‌شمارند و دسته دیگر، تندترین انتقادهای را حواله فیلم ده‌نمکی می‌کنند. برخی از منتقدان که اتفاقاً از نیروهای ارزشی هستند، ده‌نمکی را به سخره گرفتن ارزش‌های دفاع مقدس و کوچک‌نمایی کاررزمندگان متهم می‌کنند. اخراجی‌ها اما خوب می‌فروشد، فارغ از این جار و جنجال‌ها.

۶. ده‌نمکی می‌گوید که نقش «مرتضی» با بازی سیدجواد هاشمی را براساس کاراکتر خودش در زمان جنگ نوشته است و باید شخصیت او در دفاع مقدس را از موضع‌گیری‌ها و کنش‌ها و واکنش‌هایش در پس از جنگ و خاصه در دهه ۷۰ متمایز دانست.

۷. بازیگران اخراجی‌ها به تیپ‌سازی رو می‌آورند و بازی‌های قبلی خود در آثار ماضی را دستمایه قرار داده و به نوعی آن را تکرار می‌کنند. به طور مشخص، اکبر عبدی در اخراجی‌ها همان همایون سریال «خاله خانوم» است و بابرام مجموعه تلویزیونی «پیاده‌رو».

۸. محمد رضا شریفی‌نیا نیز همان همیشگی است. او در اخراجی‌ها هم کاراکتر مالوفش را ارائه می‌دهد و شخصیتی است متظاهر، قشری و حراف که البته ایمنش بر پایه‌های محکمی استوار نیست؛ شاید چیزی شبیه به نقش حاج عنایت در فیلم «دنیا».

۹. امین حیایی اما با ایفای نقش بیژن مرتضوی یا همان بیژن قالیق، اگرچه یک تیپ آشنا را بازآفرینی می‌کند اما با افزودن به این تیپ از داشته‌های خود و طراحی ویژگی‌های خاصی مثل نوع راه رفتن و صدا سازی، حاصل کارش را برای مخاطب جذاب می‌سازد. حیایی بعدها بارها و بارها از مختصات کاراکترش در فیلم اخراجی‌ها برای ایفای نقش‌هایی در آثار دیگر بهره می‌گیرد.

۱۰. مسعود ده‌نمکی فیلمنامه اخراجی‌ها را خودش می‌نویسد و البته در گام اول نگارش متن یک اثر بلند سینمایی، پیمان قاسم‌خانی را به عنوان مشاور در کنار خود دارد.

۱۱. یک دهه بعد از اکران اخراجی‌ها، ابراهیم خلیلی که ایفای یکی از نقش‌های فیلم را برعهده دارد، به درجه رفیع شهادت نائل می‌آید. خلیلی از جانبازان دفاع مقدس و بسیجیان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ است که طی عملیاتی مستشاری برای دفاع از حریم اهل بیت (ع) عازم سوریه می‌شود و در شرق حلب به آرزوی دیرینه‌اش می‌رسد.

۱۲. ده‌نمکی قهرمانان فیلمش را از جماعت لمپن برمی‌گزیند و آنان را روانه جبهه می‌کند. قهرمان اصلی اخراجی‌ها که به شوق وصال به دختر مورد علاقه‌اش و از برای به دست



اخراجی های ۲

جالب باشد که آذریکی از درویش سلسله شاه نعمت‌اللهی سلطان علیشاهی گنابادی است.

۱۴۱ «پانزدهم» بعضی از شوخی‌های شکل گرفته در اخراجی‌ها در نوع خود مبتکرانه و جالب توجه است. مثلاً استقرار مجید سوزوکی و دوستانش در صندلی‌های آخر اتوبوس حامل رزمندگان و آوازخوانی و مطایبه‌هایی از جمله درخواست خواندن فاتحه در روزی غیر از پنج‌شنبه برای غافل‌گیری اموات، برای مخاطب جالب توجه و دلپسند است.

۱۴۲ «شانزدهم» اخراجی‌ها در سال ۱۳۸۵ و در بیست‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درمی‌آید و سریال اختلافات و نزاع ده‌نمکی با جشنواره و داوران کلید می‌خورد. اخراجی‌ها می‌شود بهترین فیلم از نگاه تماشاگران و البته سیمرغ بهترین طراحی پوست‌ترا هم می‌گیرد. اخراجی‌ها در رشته‌های بهترین جلوه‌های ویژه، صداپردازی، و طراحی صحنه و لباس هم نامزد دریافت سیمرغ می‌شود و البته در هر سه رشته هم ناکام می‌ماند. توقع ده‌نمکی اما بالاتر از این حرف‌هاست.

۱۴۳ «هفدهم» ده‌نمکی از دریافت سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران امتناع می‌کند و ضمن عذرخواهی از اکبر عبدی و امین حیایی و محمدرضا شریفی‌نیا از این بابت که سیمرغ بهترین بازیگر را دریافت نکرده‌اند، بر جشنواره و داورانش می‌تازد. ده‌نمکی حتی می‌گوید نه مرغ را می‌خواهد و نه سیمرغ را. رفتارها و کنش‌های عصبی‌اش و نوع ادبیاتی که به کار می‌گیرد

آوردن دل‌پدراوراهی جبهه شده است، در پایان قصه، گیوه به پا و قمه به دست به طرف تانک دشمن یورش می‌برد. ده‌نمکی می‌کوشد با گذاشتن صدای دف بر هر گام مجید سوزوکی، شمایی حماسی را به حرکت قهرمان قصه‌اش و سکانس پایانی فیلم ببخشد. همین سکانس و نوع طراحی‌اش، دستمایه بسیاری از انتقادات از او قرار می‌گیرد.

۱۴۴ «سیزدهم» انتقاد دیگری که به اخراجی‌ها وارد می‌شود نحوه شهادت مجید سوزوکی است، آن‌جا که خونش از حمله ناجوانمردانه تانک‌های دشمن به جوش می‌آید و در حال احتضار می‌خواهد بنای ناسزاگویی را بگذارد که دوستان و همراهانش جلوی دهانش را می‌گیرند. منتقدان ده‌نمکی معتقد هستند که طراحی چنین سکانش در محمل گرفتن خنده از تماشاچی، جفا به شهدا است و استناد می‌کنند به روایاتی که در آن‌ها آمده، دو ملک در زمان احتضار و جان دادن، سر شهید را به زانو می‌گیرند. منتقدان می‌گویند طراحی چنین کنشی برای مجید سوزوکی، زیر سوال بردن حال و مقام شهدا در زمان وصال به حضرت دوست است.

۱۴۵ «چهاردهم» یکی از کاراکترهای دوست‌داشتنی اخراجی‌ها شخصیت میرزا با بازی منوچهر آذراست. میرزا اهل دل است و تساهل و تسامح، او با نرم‌خویی و انعطافی که در برابر مجید سوزوکی نشان می‌دهد در نهایت، جوان سرکش و آشفته‌سر را به انسانی دیگر تبدیل می‌کند. شاید اطلاع از این موضوع

موجی از انتقادات را در میان اهالی سینما و حتی افکار عمومی بر علیه او برمی انگیزاند تا جایی که بعدها مجبور به عقب نشینی و تعدیل حرف هایش می شود.

۴] **هجدهم**، فروش فوق العاده اخراجی ها ده نمکی و سایر عوامل را ترغیب و تحریص به ساخت دنباله ای بر فیلم می کند و به این ترتیب اخراجی ها ۲ تولید می شود. ده نمکی فضا و اتمسفر فیلمش را از خط مقدم جبهه به اردوگاه اسرای ایرانی در عراق منتقل می کند.

۵] **نوزدهم**، اخراجی ها ۲ به فاصله دو سال از سلفش اکران می شود و ۴ برابر بیشتر از اخراجی ها ۱ می فروشد. اخراجی ها ۲ نزدیک ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در گیشه عایدی دارد و رکوردشکن می شود.

۶] **بیستم**، اخراجی ها ۲ از یک لحاظ دیگر نیز تاریخ سازی می کند. این فیلم با گسیل ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر تماشاچی به سالن های سینما رکورد بیشترین تماشاچی را می زند و پرمخاطب ترین فیلم تاریخ سینمای ایران می شود.

۷] **بیست و یکم**، ده نمکی در اخراجی ها ۲ و به بهانه ربایش هواپیمایی که حامل خانواده مجید سوزوکی، دوستانش و سایر رزمندگان است پای اعضای سازمان منافقین (مجاهدین خلق) را هم به قصه اش بازمی کند، هرچند به شکل دم دستی و سطحی. ۸] **بیست و دوم**، سکانس های مربوط به مسابقه فوتبال میان تیم اسرای ایرانی و زندانبانان یعنی یادآور فیلم «فرار به سوی پیروزی» به کارگردانی جان هیوستون و با بازی مایکل کین، سیلوستر استالونه، پله و بابی موراست که در دهه ۶۰ بارها و بارها روی آنتن تلویزیون رفته است.

۹] **بیست و سوم**، طراحی سخیف و سردستی سکانس مسابقه فوتبال به نوعی توهین به شعور مخاطب است و به نظر می رسد ده نمکی برای خنداندن تماشاچی از هیچ حربه ای نگذشته. برای مثال، شوت حاجی گرینوف با بازی محمدرضا شریفی نیا و آن فیزیک و مختصات اندامی، آن قدر محکم است که عکس صدام حسین را پاره می کند و امیر دودو (ارژنگ امیرفضلی) که اعتیاد شدید دارد و یک مافنگی تمام عیار است، در هوا بلند می شود و قیچی برگردان می زند. گویا ده نمکی در زمان نگارش و طراحی این پلان ها فراموش کرده که قرار نیست با تمسک به عذر ساختن

فیلم کمدی، هر موضوع ناملموسی را به خورد مخاطب بدهد. ۱] **بیست و چهارم**، ده نمکی همچنین برای آن که صحنه های خنده دار خلق کند، زندانبانان و نگهبانان عراقی را مشتی آدم خرفت و مشنگ جلوه می دهد که به راحتی توسط اسرای ایرانی سرکار گذاشته شده و سوژه خنده و استهزا می شوند. این رویکرد کارگردان اخراجی ها ۲ انسان را به یاد برخی از فیلم های انقلابی ساخته شده در سال های ابتدایی انقلاب اسلامی و دهه ۶۰ می اندازد که مأموران ساواک را آدم های دست و پا چلفتی با ضریب هوشی پایین نشان می دادند که همیشه آنتن بیسیم از جیب لباس هایشان بیرون زده بود.

۲] **بیست و پنجم**، استقبال از اخراجی ها ۲ فوق العاده است. بسیاری از مردم در پایان فیلم و به شکل ایستاده، سرود «ای ایران» را با قهرمانان فیلم هم خوانی می کنند.

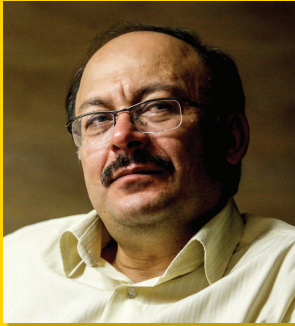
۳] **بیست و ششم**، فروش رشک برانگیز اخراجی ها ۲ سبب ساز ساخت اخراجی ها ۳ می شود. ده نمکی در سری سوم فیلمش به سراغ انتخابات مناقشه برانگیز ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ می رود. او در این فیلم به هردو طیف سیاسی حاضر در این انتخابات گوش و کتایه می زند.

۴] **بیست و هفتم**، اخراجی ها ۳ در سال ۱۳۹۰ اکران می شود و خوب هم می فروشد. فیلم ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان عایدی دارد که رقم قابل قبولی است اما در قیاس با اخراجی ها ۲ یک شکست محسوب می شود.

۵] **بیست و هشتم**، ده نمکی برای خلق و ساماندهی صحنه های درگیری های خیابانی فیلمش از لیدرهای دوباشگاه پرسپولیس و استقلال کمک می گیرد.

۶] **بیست و نهم**، اخراجی ها ۳ فارغ از محتوا و موضوع به لحاظ ساختاری و در مقایسه با اخراجی ها ۲ و فیلم به شدت ضعیف و مشوشی است. ده نمکی در این فیلم هرچه به دستش رسیده را جلوی دوربین آورده تا مخاطبانش را بخنداند. در اخراجی ها ۳ دیگر حتی از شوخی های متوسط اخراجی ها ۱ و ۲ هم خبری نیست. ۷] **سی ام**، به باور علی سرتپی تهیه کننده معروف سینما، سه گانه اخراجی ها بزرگ ترین نقطه عطف در سینمای ایران در دهه ۸۰ است که توانسته فضای حاکم بر هنر هفتم در این برهه زمانی را دگرگون کند و مناسبات جدیدی را بر آن حکم فرما سازد.

گفتمان



۵۱

شریعتے و غرب
شریعتے و انقلاب



۴۸

استکبار چیست؟
استکبار ستیز کیست؟



۶۰

نزاع با استکبار



۵۷

نظریه مقاومت؛
دیالکتیک مردم و حاکمیت

پرونده

انقلاب اسلامی و استکبارستیزی



استکبار چیست؟ استکبارستیز کیست؟



احسان بیسادی

دامنه‌ترین مفاهیم در قرآن و کلام معصومین (علیهم السلام) همین مفهوم استکبار باشد.

این مفهوم در ادبیات شیعی به جهت تجربه تاریخی آن و نوع اتفاقات و وقایعی که به ویژه در صدر اسلام بر بزرگان آن رفت برجستگی بیشتری نیز پیدا کرده است و همواره نفی قدرت نامشروع و متجاوز چه در درون بلاد اسلامی و چه در خارج از آن مورد تاکید اهل بیت (علیهم السلام) و همچنین فقه‌های شیعی در اعصار پس از آن بوده است. ایشان همواره تلاش داشته‌اند که پیروان خود را در اعلام مرزبندی و مخالفت و ایستادگی در برابر قدرت‌های استکباری تشویق و تحریص نمایند و به نوعی اعلام موضع و پایداری بر سر آن مواضع یکی از اصول اصلی هویت اسلام شیعی است.

به عنوان نمونه حضرت امام حسین (علیه السلام) در خطبه‌ای که در یکی از منازل طول سفر به کربلا برای اصحاب خویش خوانده‌اند به خوبی جایگاه مفهوم استکبار و نوع مواجهه بشریت و نه تنها مسلمانان و مومنان را معین فرموده و عملاً استکبارستیزی را به عنوان یکی از اصول اصلی اسلام و حتی انسانیت تبیین فرموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحْلًا لِحَرَمِ اللَّهِ؛ نَكَثًا لِعَهْدِ اللَّهِ؛ مُخَالَفًا لِسُنةِ رَسُولِ اللَّهِ؛ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيَرْ عَلَيْهِ بَفْعَلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ» (ای مردم! پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند؛ و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت بر نخیزد، سزاوارست خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بباندازد».

همانگونه که مشاهده می‌کنیم مفهوم استکبار و استکبارستیزی در تمدن بشری، سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد و در میان گفتار حاکم بر تمدن اسلامی نیز موقعیتی برجسته و هویت ساز داشته است.

از همین روی شکل‌گیری جبهه‌ها و گروه‌ها و حوزه‌های فرهنگی در درون تمدن بشری و به ویژه تمدن اسلامی پیرامون

استکبار در لغت به معنی برتری طلبی، تکبر ناشی از خودبرتربینی، تعدی به حقوق دیگران و... است. مفهوم استکبار همانا برتری جویی ناشی از دارا بودن قدرت و زور و اعمال آن به صورت نامشروع بردگیری است. در قرآن کریم خداوند در آیه شریفه ۳۱ سوره الحجاثیه می‌فرماید:

«وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ أَتَايَ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (و اما کسانی که کفر ورزیده‌اند، آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد که استکبار ورزیدید و قومی گنهکار شدید).

مفهوم استکبار در این آیه شریفه به تکبر و بی‌اعتنایی کافران از منظر خود برترینی به کلام خداوند متعال اشاره دارد.

اما مفهوم استکبار تنها در ابعاد فردی آن خلاصه نمی‌شود بلکه بُعد مهم‌ترین مفهوم ناظر بر ابعاد اجتماعی و جمعی آن است و می‌توان این مفهوم را در سطح وسیع‌تر پیگیری کرد. مفهوم استکبار قدمتی به درازی تاریخ بشر دارد و می‌توان ظهور آن را با ظهور آدم و فرزندان او هم زمان دانست و اولین تجلی آن را در مواجهه هابیل و قابیل مشاهده کرد. به نوعی استکبار در بستر زندگی فردی و اجتماعی آدمی همواره حضوری پررنگ داشته و یکی از نقاط ممیزه‌ای است که نوع و چگونگی مواجهه آدمی با آن، هویت و فلسفه زندگی را معنا می‌بخشد. به نوعی صف‌بندی‌های بشر حول مفهوم استکبار، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین و زنده‌ترین صف‌بندی‌های زندگی آدمیان است. در عین حال تشخیص مصادیق استکبار و تعیین موضع درست در برابر آن یکی از بغرنج‌ترین مسائل اخلاقی بشر است که همواره محل منازعه و مجادله افراد بوده است. شاید مواجهه با مفهوم استکبار در بُعد فردی آن ساده‌ترین نوع مواجهه شدن با این مفهوم باشد، اما شکل‌گیری این مفهوم در سطح اجتماعی چه در گذشته که در عصر امپراطوری‌های بزرگ به سر می‌بردیم و چه امروزه که در عصر دولت-ملت به عنوان مهم‌ترین جلوه‌گاه قدرت جمعی و اجتماعی بشر و یا همانا دولت هاست بسر می‌بریم به غایت خطیر و دشوار است.

استکبار در ادبیات اسلامی به معنای نفی طواغیت و به زیر یوغ رفتن هر قدرت نامشروعی است. شاید یکی از تکرار و پُر

این مفهوم امری اجتناب ناپذیر بنظر می‌رسد. در تحولات ایران معاصر و به‌ویژه انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین مفاهیم گفتمانی نفی سلطه و رد هرگونه استکبار و برتری طلبی از سوی دولت‌های خارجی و بویژه غربی بود. در حالیکه در نهضت مشروطه عمده گفتمان مسلط پیرامون مهار قدرت شاه و استبداد داخلی سامان پذیرفته بود در انقلاب اسلامی ضمن توجه کامل بر نفی استبداد و برتری طلبی قدرت شاهنشاهی در داخل کشور نسبت به قدرت‌های خارجی مرزبندی بسیار روشن و پیرنگی شکل گرفته بود که کانون مفهومی این مرزبندی بر محور استکبار و استکبارستیزی بود. به یک معنا اگرچه قدمت مفهوم استکبار و استکبارستیزی در تمدن اسلامی بسیار طولانی است، اما آنچه که موجبات بالابردن بسامد و فراگیری این مفهوم را به‌ویژه در ادبیات سیاسی ایران زمین بوجود آورد همانا پدیده انقلاب اسلامی بود. مفهوم استکبارستیزی به قدری به سویه قالب در میان جریان‌های مبارزاتی پیش از انقلاب تبدیل شده بود که عملاً تمامی گروه‌های مخالف رژیم پهلوی اصلیت مفهوم را پذیرفته و در محور مانیفست‌های مبارزاتی خود قرار داده بودند و تفاوت تنها بر روی نحوه قرائت این مفهوم بود که قرائت‌های چپ و مارکسیستی و همچنین قرائت اسلامی دست برتر را داشت.

همین نگاه موجب شد که یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی استقلال طلبی باشد که در گنه خود مفهوم نفی استکبار را حمل می‌کند. و به حق یکی از مهم‌ترین و محقق‌ترین و تداوم یافته‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در پس از انقلاب اسلامی است.

البته در پس از انقلاب نوع بازخوانی این مفهوم و ارائه روایت‌های مضیق و محدودسازی آن در مقابل با دولت‌های بیگانه به یک معنا از آسیب‌های شناخت و اقدام بر مبنای مفهوم استکبارستیزی در میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی است. با این که مفهوم استکبارستیزی از دل آموزه‌های اصیل اسلامی بیرون آمد و قرائت شیعی آن با نگاه به تفکر اهل بیت (علیهم السلام) بر غنای بی‌نظیر آن افزوده است اما متأسفانه پس

از انقلاب نگاه جامعی به این مفهوم در جامعه نداشته‌ایم. بدون شک مرزبندی روشن در برابر طواغیت و ظالمان عالم که امروزه در میان قدرت‌های غرب و شرق تجلی یافته یکی از مهم‌ترین نمادهای التزام عملی به این مفهوم بلند شیعی و اسلامی است که الحق و الانصاف کارنامه کشور در این حوزه بسیار روشن است. ایستادگی و پایداری بی‌نظیر ما در مسئله فلسطین و حمایت‌های همه جانبه از کشورهای مظلوم اسلامی همچون عراق و یمن و افغانستان از نقاط روشن این کارنامه در چهار دهه گذشته است. اما توجه به بعد داخلی این مسئله هم نیاز ضروری جامعه ماست چرا که اگر نیک به تجربه تاریخی این مفهوم متعالی بنگریم و سیره اهل بیت (ع) را مدنظر قرار دهیم ایشان همواره و در درون خود جامعه اسلامی به این مفهوم و وجوه زنده آن توجه داشته و همواره جامعه اسلامی و اصحاب را به توجه به این امر سفارش و در برابر حاکمان نسبت بدان سخت ملتزم بودند. بنابراین توجه به مرزبندی بر محور مفهوم استکبار در داخل نیز یکی از وجوه بسیار پراهمیت این مفهوم است و می‌بایست تمامی احاد جامعه و به‌ویژه نخبگان و جریانات مؤثر سیاسی و اجتماعی کشور بویژه کسانی که داعیه دار نگاه و گفتمان اسلامی در مواضع و خط مشی‌های خود هستند توجه بیشتری به این مفهوم و جایگاه آن در مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامع باید داشته باشند. چرا که هرچقدر نشانه‌های استکبارستیزی در داخل جامعه و در برابر هر کس و یا نهادی که سعی در برتری طلبی و سلطه جویی در هر مناسباتی را به‌ویژه در برابر خواست مردم و جامعه دارد ما را به سمت آرمان‌های اصیل اسلامی و هویت شیعی نزدیک‌تر کرده و جامعه را به سمت حقیقت متعالی اسلام رهنمون ساخته و در برابر اسلام آمریکایی و اموی از مرزهای هویتی اسلامی ناب شیعی دفاع کرده است.

عدم توجه جامع به مفهوم استکبار و استکبارستیزی در دو سطح داخلی و خارجی موجب ارائه تصویری شعارگونه از این مفهوم مرکزی تفکر اسلامی می‌شود و طبیعتاً عدم همراهی جامعه را در سطوح مختلف به بار خواهد آورد.



مواجهه دکتر شریعتی با غرب و نقش آن در انقلاب اسلامی
در گفت و گوی سرو با دکتر بیژن عبدالکریمی

شریعتی و غرب شریعتی و انقلاب

دکتر بیژن عبدالکریمی از اساتید فلسفه غرب است که به مسائل اجتماعی کشور اهمیت داده و جریان فکری و سیاسی کشور را از منظری تاریخی و فلسفی بررسی و تحلیل می‌کند. ایشان جزو متفکرانی است که از پایگاه روشنفکری به جریان غرب‌گرایی و سنت‌گرایی در کشور می‌نگرد و معمولاً انتقاداتی به هر دو جریان دارد. او نسبت به جمهوری اسلامی نیز نگاهی نقادانه دارد، با این حال مدافع جریان کلی انقلاب اسلامی است و خصوصاً نقش دکتر شریعتی را در روشنگری جوانان و دانشگاہیان در دوره انقلاب اسلامی بسیار مهم و اثرگذار می‌داند. با دکتر عبدالکریمی گفت و گوی کوتاهی ترتیب دادیم تا این موضوع از منظر یک روشنفکر نواندیش بررسی کنیم.



سید ابراهیم
آل مصطفایی

جایگاه دکتر شریعتی در جریان فکری معاصر ما را چگونه می بینید؟

شریعتی یکی از چهره های فرهنگی و یکی از سرمایه های بزرگ فرهنگی و اجتماعی این کشور است. یک جامعه بدون سرمایه های فرهنگی خود هیچ است. ما باید میراث دار سرمایه های فرهنگی خود باشیم. ما به شریعتی، به بازرگان، به عزت الله سحابی، حتی به مجاهدین خلق که یک تجربه اجتماعی هر چند غلط است، به مطهری، به طالقانی، به هر کسی که بخشی از تجربیات اجتماعی ماست نیاز داریم تاراه آینده را به درستی ببینیم. اینها با تمامی محدودیت ها و اشکالات، برای ما هستند. سرمایه های فرهنگی ما به هر حال آینه ای از زندگی ما بودند، ما حق نداریم اینها را نبینیم. این ویژگی هم در سنت گرایان ما به شدت وجود دارد و هم در روشنفکران و نوگرایان ما، پوزسیون و اپوزسیون، روشنفکر و سنت گرای ما علی رغم اینکه در دو جبهه فکری و ایدئولوژیک متقابل هستند، متأسفانه هر دو از منطق مشترکی تبعیت می کنند و به منابع فرهنگی و تاریخی بی توجهی می کنند.

دکتر شریعتی تحصیل کرده غرب بود و به علوم انسانی جدید مجهز بود. او چه نگاه و مواجیه ای با غرب داشته است؟ آیا می توانیم او را روشنفکری غرب گرا بدانیم؟

مهم ترین مسئله ما در عصر حاضر این است که در جهان کنونی با سنت تاریخی که میراث ماست می خواهیم چه کار کنیم؟ عقل روشنگری، عقلی که شیفته عقل مدرن است می گوید به این سنت پشت کنید؛ این سنت هیچ چیز ندارد؛ این سنت چیزی جز خرافه نیست؛ چیزی جز جهل و نادانی نیست؛ آنچه متعلق به سنت است متعلق به دوران قرون وسطی است. این را غربی ها در تاریخ خودشان گفتند و برخی از روشنفکران ما هم این منطق را وارد سنت تاریخی ما کردند. اینها معتقدند دوران جدید که دوران ظهور عقل مدرن است متکامل تر از دوران هایی است که بشردر قرون گذشته طی کرده است؛ چون صد آید نود پیش ماست؛ حالا که ما به این دوره تاریخی رسیده ایم و عقل و معرفت به شکوفایی رسیده، دیگر با خرافات گذشته بیخود و قمتان را صرف نکنیم. این یکی از مبانی دوران مدرن است و خیلی ها آن را پذیرفته اند؛ اما بسیاری از متفکران غربی

و همچنین در جهان اسلامی در برابر آن مقاومت کرده اند؛ یعنی گفته شد رشد علمی و تکنولوژیک و قدرت ابزار سازی حادثه بسیار ژرفی است و نمی شود آن را نادیده گرفت، اما این به این معنا نیست که بشر از هر جهت نسبت به گذشته پیشرفت کرده است. از بعضی جهات می شود گفت که بشر حتی منحن هم شده؛ همچنان که حتی به اعتقاد بعضی از متفکران خود غرب، امروز بشر با خطر مرگ انسان مواجه است؛ یعنی بشر دارد حقیقت خود را به کلی از دست می دهد.

آنچه گفتم دعوی ما با شیفتگان عقل مدرن است و دعوت آن ها به اینکه از این شیفتگی دست بردارید تا سنت های تاریخی بشری بتوانند بصیرت های بنیادینی برای بشره ارمان بیاورند. اما نذای هم با سنت گرایان داریم. تفکر همواره از دو طرف در خطر است. مثال ساده آن این است که صرفاً بخیل بودن روح شما و شخصیت اخلاقی شما را به خطر نمی اندازد؛ بلکه گشاده دستی بیش از اندازه نیز یک خطر برای شماست. لذا بخشی از مسائل ما مسائلی است که با عقل مدرن و شیفتگان عقل مدرن است؛ اما بخشی از مسائل ما مربوط به سنت تاریخی و سنت گرایان می شود.

کسانی که بر سنت تکیه می کنند بعضاً توجه ندارند که سنت احیا نشده، سنت نیست. اگر سنتی احیا نشود، جسد سنت است و گاهی اوقات جسد سنت به ضد خودش تبدیل می شود. اسلام نااندیشیده، اسلام نیست، جسد اسلام است. اسلام نااندیشیده، اسلام داعشی است، اسلام بوکو حرامی است، اسلام طالبانی است. این اسلام نیست، این جسد اسلام است و نه فقط بویی از اسلامیت نبرده، بلکه حقیقتاً ضد اسلام است. اینها شکل های آشکار آن هستند، اما به شکل های خفیفی نیز در جامعه ما وجود دارد و این همان جریانی است که جامعه را ضعیف کرده است.

سنت تاریخی بخشی از فرهنگ است. میراث سنت، میراث فرهنگی است و بسیار امر عزیز و مقدسی است؛ آنچنان که امروز ما میراث داران سنت تاریخی می خواهیم با سدر حریم سنت تاریخی خود باشیم و برای این سنت و ارزش های آن احترام قائل هستیم. میراث تاریخی و فرهنگی بسیار عزیز و محترم است تا جایی که من می خواهم بگویم بشر بدون میراث تاریخی، بشر نیست. میراث تاریخی و

نه در سطح آموزه‌ها، نه در سطح روش اندیشه اوست، حتی ممکن است در پاره‌ای از اصول و مبانی او هم نقد داشته باشیم؛ اما معتقدم در شریعتی بصیرت‌های بنیادینی وجود دارد که می‌تواند برای جامعه ما راهگشا باشد. یعنی قرار نیست من از تمام کوچه و پس‌کوچه‌های اندیشه‌های او دفاع کنم؛ اما در جهت فکری او بصیرت‌های بنیادینی وجود دارد که می‌تواند به جامعه کمک کند؛ بصیرت‌هایی که تأسفانه مورد هجوم است. می‌دانید که امروز دکتر شریعتی از سوی روشنفکران استهزا می‌شود. روشنفکران دل خوشی از شریعتی ندارند. سنت‌گرایان ما هم آنچنان که باید به اندیشه‌های شریعتی مجال نداده‌اند. در دهه‌های گذشته به کتاب‌های شریعتی اجازه چاپ نمی‌دادند. الان هم البته کتاب‌های شریعتی با سانسورهای منتشر می‌شود. این یکی از همان منطق‌های مشترک بین سنت‌گرایان و نوگرایان ماست که در کوبیدن شریعتی با همدیگر متفق هستند.

66

کسانی که بر سنت تکیه می‌کنند بعضاً توجه ندارند که سنت احیا نشده، سنت نیست. اگر سنتی احیا نشود، جسد سنت است و گاهی اوقات جسد سنت به ضد خودش تبدیل می‌شود. اسلام نااندیشیده، اسلام نیست، جسد اسلام است.

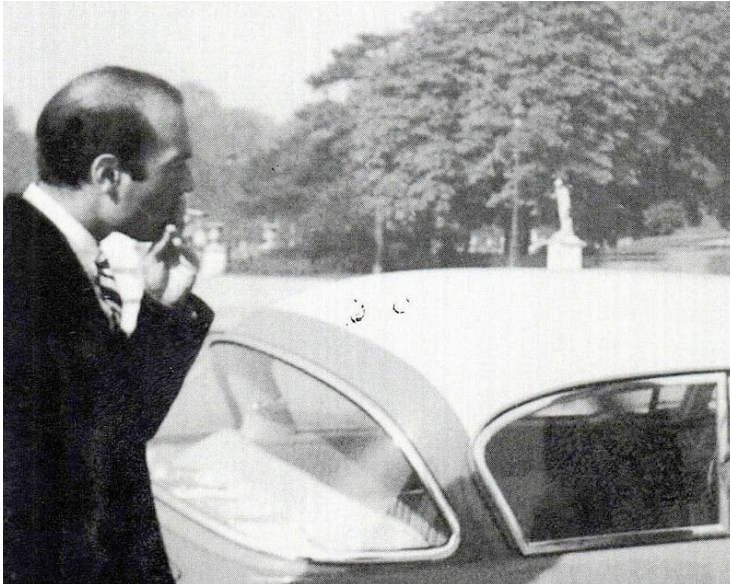
99

فرهنگ، شرط آدمیت آدمی است. اگر کسی از میراث تاریخی و فرهنگ خود ببرد، در واقع وجود انسانی او نمی‌تواند محقق شود. انسان درون یک زبان (Language)، درون یک جامعه (Society)، درون یک فرهنگ (Culture)، درون یک تاریخ (History)، درون یک سنت (Tradition)، انسان است. بشر بدون میراث تاریخی، بشر نمی‌شود. اما همین فرهنگ، همین میراث تاریخی گاه به ضد خودش تبدیل می‌شود.

اینجا یک پارادوکسی پیش می‌آید که ما را در مقابل سنت تاریخی مان قرار می‌دهد. فرهنگ و سنت عزیز است، چرا که شرط بقای من و شرط حیات من است؛ اما تا زمانی که این سنت روح داشته باشد. زمانی که سنت تاریخی روح خودش را از دست می‌دهد به جسدی تبدیل می‌شود و زندگی را مختل می‌کند. روح سنت تاریخی، تفکر است و روح تفکر، پرسشگری است. سنت تاریخی با تفکر و با پرسشگری زنده است.

این پارادوکسی است که ما با سنت تاریخی مواجه هستیم. در جامعه ما همه جا اسم اسلام حضور دارد، اما آیا روح اسلام هم در آن حضور دارد؟ برای اینکه سنت تاریخی و اسلام و دیانت زنده باشد، نیازمند است که روح داشته باشد و روح آن تفکر است. سنت تاریخی را تنها متفکر می‌تواند احیا کند. اگر کسی در این کشور به حقیقت دلش برای اسلام و سنت تاریخی می‌تپد تنها در یک فضای باز فرهنگی، در یک پرسش و پاسخی که با جان جوانان کشور نسبت داشته باشد می‌تواند اسلام را زنده کند. اسلام به منزله دین، چیزی از جنس عشق است. این باید با جان جامعه و با جان نسل جدید پیوند بخورد و این اندیشه متفکر است که می‌تواند به پرسش‌های زمانه جواب بدهد.

شریعتی در چنین جایگاهی است. شریعتی یکی از سرمایه‌های فرهنگی ماست. وقتی راجع به یک متفکر صحبت می‌کنیم (هر متفکری، چه بومی، چه جهانی، چه وطنی و چه غربی، فرق نمی‌کند) باید چند چیز را از هم تفکیک کنیم. یک متفکر خیلی حرف می‌زند و کتاب‌ها، نوشته‌ها و اندیشه‌های زیادی دارد، اما آنچه مهم است یکی «بصیرت‌های بنیادین» او است، یکی «روش اندیشه» او است، یکی «اصول و مبانی تفکر» او و یکی هم Insight و «آموزه‌ها» ی او است. دفاع من از شریعتی



و نظری عوض شده، معنای عقل دگرگون شده، عقل مدرن با عقل سنتی یکی نیست. لذا دیگر مثلاً با شیخ مفید، با خواجه نصیرالدین طوسی، با کلام گذشته نمی‌شود به مسائل امروز که در حول و حوش سوبزکتیویسم و اومانیسم و اسکپتیسیزم است، جواب داد. به همین دلیل سنت‌گرایان ما اغلب دچار یک نوع تأخر تاریخی هستند؛ یک نوع ناهم‌زمانی با جهان جدید دارند؛ قدرت دیالوگ با غرب ندارند؛ مقولات عقل مدرن را درک نمی‌کند؛ چون زیست جهان مدرن را به رسمیت نشناخته‌اند. آن‌ها می‌خواهند مقولات عقل مدرن را بیاورند در قالب‌ها و مفاهیم خودشان؛ لذا نمی‌توانند آن‌ها را آنگونه که هست درک کنند.

این سنت‌گرایی قدرت دیالوگ با جهان را ندارد که بتواند اندیشه‌های خود را با یک زبان مشترک بیان کند. اگر شما زیانتان چینی باشد و من زبانم ترکی، دیالوگ شکل نمی‌گیرد. باید یک افق مشترک پیدا کنیم تا بتوانیم زبان همدیگر را بفهمیم. نمی‌خواهم بگویم سیاست نقش ندارد. نمی‌خواهم بگویم غرب دنبال منافع خود نیست. نمی‌خواهم بگویم آن‌ها به نفت ما چشم ندوخته‌اند یا نمی‌خواهند هژمونی و سرکردگی خودشان را در جهان حفظ کنند یا نمی‌خواهند رابطه استثمارگری با ما داشته باشند. اما همه قصه

یعنی شما شریعتی را نه سنت‌گرا و نه متجدد می‌دانید...

شریعتی یا سنت‌گرایان یک تفاوت بنیادین دارد. البته او عشق سرشاری به سنت دارد و این عشق را هیچ کس نمی‌تواند نادیده بگیرد. تنها باید کج فهم و کور دل بود که عشق شریعتی را به سنت تاریخی نادیده گرفت. توصیفی که شریعتی از حضرت فاطمه (س) می‌کند هیچ کس نکرده است. توصیف و تفسیری که شریعتی از علی بن ابی طالب (ع) می‌کند هیچ کس نکرده است. هیچ کس را نمی‌بینید به این زیبایی از فرهنگ اسلام و تشیع دفاع کرده باشد. باید کور دل بود که این عظمت‌ها و زیبایی‌ها و قدرت قلم را ندید؛ اما شریعتی یک ویژگی دارد که در غالب سنت‌گرایان ما نیست. آنچه شریعتی را نسبت به دیگران عظمت می‌بخشد این است که شریعتی زیست جهان مدرن را به رسمیت شناخته است، برعکس دیگر سنت‌گرایان که زیست جهان مدرن را به رسمیت نشناخته‌اند.

سنت‌گرایان ما به این دلیل که اسیر اسانسیالیسم (ذات‌گرایی) ارسطویی هستند و نگرش تاریخی ندارند، این درک را هنوز حاصل نکرده‌اند که دنیا دگرگون شده است. نه اینکه صرفاً گاو و شتر رفته و به جای آن هواپیما و قطار آمده است؛ بلکه مقولات فکری

یکی از انتقاداتی که از طرف جریان صدرایی و نوصدرایی و متفکرانی همچون شهید مطهری به شریعتی وارد می شود این است که آرای او از متن دینی فاصله دارد. می خواهیم بدانم رابطه شریعتی با متن چه نسبتی با آن حقیقتی که جریان نوصدرایی و جریان سنتی ما می گویند، دارد؟

چه کسی متن را تعیین می کند؟ کدام متن؟ قاضی کیست که قرار است قضاوت کند که حرف های شریعتی با متن سازگار است یا نه؟ من نمی خواهم بگویم که شریعتی متن است. اصلاً اینجا بحث شریعتی نیست؛ اما برای اینکه مشخص کنیم سروش با متن سازگار است یا نه؟ شریعتی با متن سازگار است یا نه؟ خود مطهری با متن سازگار است یا نه؟ چه کسی باید قضاوت کند؟ چه کسی گفته مطهری مبنا است؟ حجیت مطهری از کجاست؟ می خواهم بگویم برای اینکه تعیین کنیم چه کسی به متن وفادار است و چه کسی از متن فاصله دارد اول باید متن را مشخص کنیم. ما همواره با خوانشی از متن مواجه هستیم. مطهری خوانشی از متن دارد، فلان عالم دینی خوانشی از متن دارد. اینگونه نیست که او متن است. او تنها یک خوانشی است که کاملاً قابل نقد است.

این نیست. یک بخش دیگر قصه این است که زبان همدیگر را نمی فهمیم. برای اینکه ما بتوانیم اسلام را، سنت تاریخی و میراثمان را، در افق جهانی مطرح کنیم نیاز به یک زبان دیگری داریم که بتوانیم با طرف مقابل دیالوگ کنیم. البته این به این معنا نیست که به منطق او تن بدهیم.

بنابراین یکی از ویژگی های شریعتی این است که زیست جهان مدرن را به رسمیت شناخت و کوشید سنت تاریخی را در زیست جهان مدرن احیا کند. اینکه موفق بود یا نبود؟ بحث دیگری است. به همین دلیل تلاش شریعتی با تلاش مطهری متفاوت است. استاد مطهری می خواهد همه چیز را در زیست جهان خود بیاورد و از منظر خود ببیند. طالقانی هم نتوانسته این کار را بکند. خیلی های دیگر هم نتوانستند. اما شریعتی سعی می کند سنت خود را در زیست جهان مدرن باز معنا و باز تفسیر کند و در همان حال به عقل مدرن تن ندهد. البته کار بسیار دشواری است.

نکته بعدی اینکه، او چون زیست جهان مدرن را به رسمیت می شناسد سعی می کند که دیالکتیک و دیالوگی بین عقل مدرن و عقل سنتی برقرار کند. به همین دلیل شریعتی در این کشور غریب است. چون یک عده عقل مدرن را می پرستند و تنها آن را به رسمیت می شناسند؛ عقل سنتی را به رسمیت نمی شناسند و آن را ارتجاع می دانند؛ عقب افتادگی می دانند؛ کینه ضد سنت دارند. یک عده هم که در عالم سنت هستند، عقل مدرن را به رسمیت نمی شناسند. شریعتی می کوشد بین عقل مدرن و عقل سنتی دیالکتیک برقرار کند؛ لذا نوگراها و ارتجاعی می دانند و سنت گراها و را نوگرا و دگراندیش می دانند. هیچ پایگاه اجتماعی خاصی ندارد؛ در صورتی که به اعتقاد من، هم آینده تفکر جهانی و هم آینده ایران با این نوع تفکر خواهد بود و اگر قرار است از این بحران ها و از این ضعف تاریخی که در آن هستیم خارج شویم باید بتوانیم دیالکتیکی بین عقل مدرن و عقل سنتی برقرار کنیم. دیگر عقل روشنگرانه به خصوص با فاز پست مدرن کاملاً متزلزل شده، دیگر متفکران بزرگ نمی توانند کینه سنت داشته باشند، عقل پست مدرن، مبانی عقل مدرن را متزلزل کرده است؛ به همین دلیل تفکر آینده تفکر عقل روشنگری نیست. از یک طرف دیگر هم تفکر عقل آینده به هیچ وجه کاتولیسیسم نیست، پاپیسم نیست، بن لادنیسم نیست، طالبانیسم نیست.

66

توصیفی که شریعتی از حضرت

فاطمه (س) می کند هیچ

کس نکرده است. توصیف و

تفسیری که شریعتی از علی

بن ابی طالب (ع) می کند هیچ

کس نکرده است. هیچ کس

رأی بینید به این زیبایی از

فرهنگ اسلام و تشیع دفاع

کرده باشد.

99

جدای از برخی سنت‌گراها و علمای دینی که متن وحی را مبنا قرار می‌دهند و بر اساس آن حرف‌های شریعتی را می‌سنجند، گروهی دیگر هستند که شریعتی را در یک بستر اجتماعی می‌بینند و حرف‌های او را بر اساس کارکردهایش در اجتماع می‌سنجند و می‌گویند شریعتی برای انقلاب خیلی کارکرد داشت و خیلی دنبال این نیست که شریعتی چقدر به متن نزدیک یا از آن دور است.

جامعه‌شناسان راجع به کارکرد صحبت می‌کنند. سیاسیون راجع به کارکرد سیاسی یک اندیشه صحبت می‌کنند. هر حقیقتی کارکرد خاص خود را دارد. حقیقت قرار است دلی را زنده کند؛ این حقیقت دارد به جانی معنا می‌دهد؛ به جانی گرما می‌دهد؛ این حقیقت قرار است بشر را به سعادت برساند. من در مورد شریعتی کارکردگرایانه بحث نمی‌کنم؛ اما توجه داشته باشیم هر کدام از اندیشه‌هایی که ما راجع به آن حرف می‌زنیم در خلأ نیست.

آن اندیشه‌ها در واقعیت نتایجی دارد، منجر به ضعف می‌شود، منجر به پیروزی می‌شود، منجر به شکست می‌شود، منجر به این می‌شود که در جامعه افق تازه‌ای پیدا شود، منجر می‌شود که یک جامعه دچار انسداد و بحران شود. یعنی یک وقت از درستی فهم شریعتی صحبت می‌کنیم و یک وقت این که آیا اندیشه شریعتی برای جامعه مفید بوده یا مضر بوده است؟ آیا به عالم بی‌سروسامان ما سروسامانی بخشیده است یا جهان آشفته ما را آشفته‌تر کرده است؟ هر دو بحث را می‌توانیم داشته باشیم؛ اما توجه داشته باشید، آن حقیقتی که من و شما دنبال آن هستیم یعنی فهم حقیقی از سنت تاریخی، باید نتیجه خود را در جامعه و زندگی اجتماعی ما هم نشان بدهد.

آقای دکتر! جایی از کتابتان درباره مرحوم شریعتی در پاسخ به این سوال که «چرا اندیشه شریعتی بعد از انقلاب دنبال نشد؟» فرمودید «تفکر شریعتی در سونامی انقلاب مدفون شد»؛ در حالی که شریعتی را معلم انقلاب می‌دانستند. بعد از انقلاب چه تعارضی با تفکر شریعتی احساس شد؟ اصلاً بین تفکر شریعتی و تفکری که بعد از انقلاب غالب شد تضاد وجود داشت یا نه؟

یکی از ویژگی‌های مواجهه عوامانه با مسائل، ساده کردن آن‌هاست. فرق متفکر با نامتفکر این است که متفکر به محدودیت‌های بشری و پیچیدگی‌های امور آگاه است. مسئله خیلی پیچیده است. شریعتی با این انقلاب چه نسبتی دارد؟ این نسبت را به سهولت نمی‌شود تحلیل کرد. شریعتی وسط یک قصه ظهور پیدا کرد. این قصه قبل از شریعتی وجود داشته، شریعتی هم در این قصه نقش داشته، اما همه نتایج و توافقات انقلاب را باید حاصل شریعتی دانست؟ تا چه حد؟ خیلی پیچیده است. لذا به سهولت نمی‌شود به این سوال پاسخ داد.

این انقلاب حاصل پروژه شریعتی نبود. درست است شریعتی در تهیج مردم نقش بنیادینی داشت و شریعتی را معلم انقلاب دانسته‌اند، البته هیچ مقام رسمی این عنوان را به شریعتی نداد. شریعتی به طور طبیعی و توسط خود مردم معلم انقلاب خوانده شد. با این حال من معتقدم بنا به دلایل زیادی پروژه شریعتی اصلاً فهم نشد. آن چیزی که شریعتی از اسلام و شیعه می‌گوید با آنچه در جامعه ماست یک مشترک لفظی است. من معتقدم شریعتی نه معلم دیروز ما بود، نه معلم امروز؛ شریعتی معلم فردای ماست. من وقتی تفکر جهانی را رصد می‌کنم ویژگی‌هایی را می‌بینم که این ویژگی‌ها را در شریعتی می‌بینم. لذا در آن کتاب حرفم این است که پروژه شریعتی اصلاً فهم نشد تا بخواهد محقق شود. هنوز که هنوز است حرف‌های شریعتی از جامعه ما بسیار فاصله دارد.

به شریعتی جفا شد؛ هم روحانیت جفا کرد و هم روشنفکران. تفسیر دکتر سروش، دکتر طباطبائی و دکتر شایگان از شریعتی حاصل عدم مواجهه با متن سخنان او بود و هیچ‌کدام متن را نخوانده بودند؛ یعنی کینه ضد حکومت باعث شد که آن‌ها به جای اینکه با متن دیالوگ برقرار کنند، متن را تخریب کردند و گفتند شریعتی ایدئولوگ بود و ایدئولوژی سبب توتالیتریسم می‌شود. تقدیر شریعتی و فکر شریعتی در این کشور با حب و بغض نسبت به حکومت سیاسی گره خورد؛ به همین دلیل به شریعتی جفا شد.



امیرحیدری

رهبرانقلاب در یکی از دیدارهای خود با دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان ماه از نظریه‌ی مقاومت صحبت کردند؛ «نظریه‌ی مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید... نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید ترویج شود. معنای نظری این است که تبیین کنید، شما جوان‌ها خیلی خوب می‌توانید این نظریه‌ی مقاومت را تبیین کنید.»

تبیین و توسعه‌ی نظریه‌ی مقاومت در گرو برداشتی عمیق از فلسفه‌ی تاریخ شیعی و شکل‌گیری جبهه‌های حق و باطل است. برداشتی که اگر از سطح فرد و جامعه به تاریخ و تکوین برسد می‌تواند وجوه مثبتی از انگاره‌های اصیل شیعه را در برداشته باشد، و در غیر اینصورت به صورتی تصنعی به بروز شور و احساساتی منجر شود که انقلاب را تا سرحد اعتراض و مخالف خوانی تنزل می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر را که اساس قیام حضرت امام بوده به قضاوت‌ها و دخالت‌های سطحی در روابط بینافردی جامعه می‌کشاند. مقاومت در سطح کلان و توسعه‌ی درگیری بین جبهه‌ی ایمان و کفر اگر با سطوح فردی و اجتماعی خلط شود به نوعی انفعال منجر می‌شود. تئوری مقاومت در انضمام تئوری تمدن اسلامی هر دو از گرانگه‌هایی هستند که در صورت عدم تبیین درست می‌تواند حداقل‌های مسیر تمدنی اسلام را هم منحل کند. اولین و مهمترین شاکله‌ی هر حرکت اجتماعی همراهی توده‌هاست، از طرفی اراده‌ی توده‌هاست که به جمهوری اصالت می‌دهد، حال اگر این اراده‌ها در بستر هجمه‌ی فرهنگی، یا رکود و انفعال داخلی به تشتت و از هم گسیختگی بیانجامد، لاجرم نظریه‌ی مقاومت و پیوست عملی آن با مشکلاتی اساسی مواجه می‌شود. تاکید قرآن بر «لیقوم الناس بالقسط» خواه ناخواه مقاومت اسلامی را به اراده‌ی عموم مسلمین گره می‌زند، نه خبرگان آنان، پیوندی که اگر در روند اجتماعی پایین به بالا ساخته نشود جملگی به موهومات رسانه‌ای و تبلیغات پروپاگانداه گونه‌ی فاشیستی خواهد رسید. مقاومت بدون مردم و شکل دهی انگیزه‌ها و اراده‌ی آنان مفهومی بوج است، چرا که غایت آن در استمداد «از مردم»، «برای مردم» است. مردم البته هیچ‌گاه مفهوم معناداری نمی‌تواند باشد، برای همین سه مفهوم اقلیت، اکثریت و طیف‌های سیال بین این دو برای معناداری مردم و جامعه به کار می‌رود. تبیین و ساختن

زمینه‌های رشد و غی، و بعد از آن واگذاری حق انتخاب به مردم، ایده‌ای است که هنوز - فارغ از هر نوع تحلیل و تفسیری از حکومت اسلامی - جواب می‌دهد، و اساساً اثبات یا نفی حکومت اسلامی - و هر نوع حکومت دیگری - نه فقط توسط استدلال و براهین عقلی و نقلی، بل با توجه به سنجش انتخاب مردم قابل انجام است. اما مسأله‌ی مردم و سنجش خواست آن‌ها در برهه‌های زمانی مختلف کاری است که برگزیده‌ی جامعه‌شناسی است. دموکراسی و امور مربوط به آن، از قبیل انتخابات و شورا و رسانه و... برای رسیدن به خواست عمومی و انتخاب حداکثری فرآیندی قابل اتکا نیست. «جامعه‌شناسی مبتنی بر صداقت» و فارغ از فشارهای قدرت می‌تواند تا حدی نوع چیدمان اقلیت و اکثریت و طیف‌های پراکنده‌ی اجتماعی را مشخص کند و محصول این تشخیص را برگردن حاکمیت بیاندازد، از طرف دیگر نخبگان و روشنفکران توده‌ها را در مخاطبه‌های شفاهی و کتبی - نه رسانه‌ای و سوشال - متوجه نتایج «جامعه‌شناسی صادقانه» می‌کنند، پس از آن دو راه برای حاکمیت قابل تصورات، پذیرش و تنظیم سیاست‌های کلی بر مبنای خواست مردم - که می‌تواند به نوعی استحاله هم منجر شود - و یا قبول و تقدیر ساخت اجتماعی متناسب با اصول مبنایی و هستی‌شناسانه‌ی خود. طریق اول چون مستلزم گونه‌ای پیرایش و عقب‌نشینی از قدرت است بعید به نظر می‌رسد اما راه دوم یعنی رجعت به اصول. بازگشتن به اصول را البته نباید با سلفی‌گری خلط کرد.

جامعه‌شناسی‌ای که امروزه نه بر تئوری مقاومت بلکه بر روی فروپاشی بحث می‌کند، فروپاشی اجتماعی - حتی در مرحله‌ی ایده و بحث - اجازه‌ی پرداختن به اموری را که در زمینه‌های ثابت اجتماعی مطرح می‌شود نخواهد داد. همه‌ی این مباحث به طور علّیتی و سلسله‌های حلقوی با هم در ارتباطند، طرح نظریه‌ی مقاومت قهراً به پیگیری مسائلی منجر می‌شود که در فضای ژورنالیست‌ها و آکادمیسین‌ها به «تابوهای معرفتی» شناخته شده‌اند. تابوهایی که شکستن آن‌ها برای طرح‌ریزی مباحث جدید در زمینه‌ی گفتمان انقلاب اسلامی هم چون خرمن کوفتنی است که گاو نرمی خواهد و مرد کهن.

باین همه من به آکادمی شدن گزاره‌های اینچنینی که باید تئولوژی انقلاب اسلامی پیوند دارند خوشبین نیستم، چون نهایتاً به شیوه‌ای



نخبگان و روشنفکران نیز در این میان برای شکل دادن به دیالکتیک بین مردم و حاکمیت نقشی اساسی دارند، از طرفی باید از مردم سیاست زدایی کنند و با ادبیات فرهنگی با آن ها سخن بگویند و از طرف دیگر حاکمیت را به سیاست اندیشی در طرح مدینه وادارند. یکی از متفکران انقلاب سال ها پیش این مفاهیم را با ادبیاتی فرهنگی - نه سیاسی - اینگونه طرح کرده بود: «من یافته ام که دو کار اساسی هست، یکی دگرگون کردن تلقی مردم، تا بتوانند حکومت را تحمل کنند و بخواهند و دیگری وجود مهره ها، که بتوانند کارها را به دوش بگیرند و ضربه شیلی را تجربه نکنند. که بدون تلقی مردم، همراه مهره ها می توان حکومت کرد، ولی این حکومت چه شورایی و چه فردی، روبه استبداد خواهد گذاشت. و همراه آن تلقی و بدون مهره ها نمی توان حکومت کرد، که به اضمحلال خواهیم رسید. هر حرکتی به زمینه ای در شور و احساس مردم نیاز دارد و این جاست که باید تلقی مردم از خودشان عوض شود تا بتوانند اسلام و حکومت اسلامی را تحمل کنند... و هم چنین به نفرتی نیاز دارد که این بار را به دوش بگیرند، تا سرحد ایثار کار کنند و مزد و سپاس نخواهند و بدهکار هم باشند.»

ختم می شود که اراده ی مردم را در نهادهای اجتماعی و تاریخی نادیده می انگارد. این بحث مهمی است که غرب و تمدن غربی از روی یک پلّت از پیش تعیین شده ساخته نشده است، غرب ماحصل دیالکتیک مردم و نخبگان و روشنفکران و اهل سیاست است و البته این بینش که سطح درگیری بین جبهه های کفر و ایمان را به درگیری ایران و غرب ترجمه کنیم همان مفهومی است که غرب می خواهد. انقلاب اسلامی باید با زبان هستی شناسانه اش با مردم مفاهمه کند، در غیر این صورت با عدم همراهی توده هایی مواجه خواهد شد که درک درستی از مفهوم جهاد و مقاومت ندارند، و همین نداشتن است که می تواند روح جمعی ملت ما را ظرف مناسبی برای داشته های فرهنگ دیگری کند.

مقصود من از طرح ایده ای که رهبری دردیدار با دانشجویان در روز مبارزه با استکبار جهانی بدان پرداخته اند، پیگیری ملزومات و وسایل تبیین نظریه ی مقاومت بود، نظریه ای که می تواند به دور از برداشت هایی سطحی که ما از آن داریم در حوزه ی داخلی با «استراتژی مدارا» و در سطح خارجی با «دیپلماسی تقیه» انقلاب اسلامی را موجب تمدن اسلامی کند.



نزاع با استکبار

جستاری بر منازعه‌ی تاریخی ایران و آمریکا

پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر درهم پیچیدن طومار نظام دیکتاتوری شاهنشاهی پهلوی و استبداد داخلی آن، با دست رد زدن به سینه قدرت‌های خارجی، منافع برون مرزی استعمارگران را نیز در معرض تهدید جدی قرار داد. ایالات متحده نخستین قدرت غربی بود که پس از پیروزی انقلاب، منافع منطقه‌ای آن بیش از دیگر بازیگران بین‌المللی دستخوش دگرگونی اساسی گشت و با برجیده شدن بساط ژاندارمی شاه در منطقه، و تغییر ناگهانی حافظ منافع این کشور به بازیگری انقلابی و معترضی پر خاشاک، هیأت حاکمه واشنگتن برای چاره‌اندیشی و اتخاذ انواع تدابیر در حوزه سیاست خارجی به تکاپو افتادند.

نمود رفتاری دستگاه سیاست خارجی آمریکا در برابر نظام برآمده از انقلاب اسلامی در قالب پیچیده‌ترین حربه‌ها و تاکتیک‌های خصمانه از صبحگاه پیروزی انقلاب تا کنون بروز کرده است. در واقع تضاد نظام ارزشی و ایدئولوژیکی میان ایران و آمریکا امکان همکاری مبتنی بر احترام متقابل را منتفی می‌سازد.



محمد نصیری

جهان خواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم و حال آنکه، این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلازنیم که ای خواب رفتگان، ای غفلت زندگان، بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه های گرگ، منزل گرفته اید، برخیزید که اینجا جای خواب نیست و نیز فریاد زنیم، سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست.»

ایران از ظرفیت های بالایی برای تبدیل شدن به کشوری توسعه یافته که از نظر سیاسی نیز استقلال واقعی دارد برخوردار است. ایران امروز با برخورداری از فرصت های متعدد در عرصه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی از یک سو و تدوین سند چشم انداز ۲۰ ساله از دیگر سو، استعداد بالقوه تبدیل به قدرتی توسعه یافته در آینده ای نه چندان دور را دارد که در صورت انفعال در مقابل زیاده طلبی آمریکا، این امکان از او سلب می گردد.

بر این اساس ضرورت دارد هر گونه افزون طلبی خارجی به ویژه از سوی آمریکایی ها رابه شدت پاسخ دهد. موقعیت ژئوپلیتیک ایران در میان کشورهای منطقه خلیج فارس و حتی خاورمیانه استثنایی است. شاید یکی از جاذبه های وسوسه انگیز برای بازگشت و اشغال مجدد ایران و برقراری رابطه مبتنی بر سلطه به شیوه قبل از انقلاب، در این ویژگی ایران نهفته باشد، همین موقعیت استثنایی به همراه روحیه استقلال طلبی، جایگاه ایرانیان را در میان ملت ها، از شأن و منزلت بالایی برخوردار کرده است که در صورت عقب نشینی در مقابل آمریکا و تبدیل این فرصت به تهدید جدی، هویت ملی و اسلامی مردم ایران دستخوش استحاله جدی خواهد شد، بر این اساس هم ضرورت دارد که مقاومت همیشگی ادامه یابد. دستاوردهای ایستادگی ایران در برابر زیاده طلبی های آمریکا مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد. با مروری اجمالی بر این دستاوردها می توان سرفصل های این استقلال ملی اینچنین برشمرد:

۱. استقلال در عرصه داخلی و بین المللی؛ از این منظر، ایران تنها کشور منطقه است که خود برای خود تصمیم می گیرد.

در مقابل تفکر هژمونیک و سلطه گرایی ایالات متحده، نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس تا کنون با درپیش گرفتن خط مشی مبتنی بر نفی سلطه گرایی و مداخله گرایی در سیاست خارجی خود، ضمن نقادی از عملکرد سلطه جویانه آمریکا در صحنه روابط بین الملل، بر رویه استقلال طلبی خود تأکید و پافشاری کرده است. بر این اساس به دلیل اختلاف نگرش ایران و آمریکا از یک سو و اصطکاک مداخله گرایی واشنگتن و رویه استقلال تهران، ضرورت دارد تا جمهوری اسلامی در مقابل زیاده طلبی های آمریکا، ایستادگی کند. به تعبیر رهبرانقلاب «طبیعت حکومت آمریکا سلطه گری است، لذا رابطه با آمریکا یعنی تحمل زورگویی اما طبیعت نظام اسلامی و ملت ایران از زورگویی متنفر است و این امر را قبول ندارد.»

مردم ایران همواره در طول تاریخ خود در در سلطه بیگانگان و مبارزه با مداخله گریان در امور داخلی خود اصرار ورزیده و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب با اعتقاد راسخ بر خودباوری نه تنها مداخله در امور داخلی سایر کشورها را مجاز نمی داند بلکه به عنوان الگو و سرمشق سایر ملت ها نیز درآمده است. در حالی که مداخله گرایان آمریکایی به نام ایجاد دموکراسی با تحقیر مردم عراق و افغانستان، لطمات و خسارت جبران ناپذیری بر حیثیت و اعتبار خود وارد کرده اند. به طور قطع ایستادگی مردم ایران در مقابل زیاده طلبی آمریکایی ها، مداخله گرایان حاکم بر کاخ سفید را از فکر تجاوز نظامی و اشغال ایران باز می دارد و همین امر یکی از مهم ترین دلایل مقاومت ملت ایران در مقابل آمریکا محسوب می شود.

همچنانکه سلطه جویی به دلیل ستمگری و تجاوز به حقوق دیگران و از بین بردن کرامت و ارزش های والای انسانی، محکوم است، سلطه پذیری نیز از آن جهت که نشانه ضعف، خواری و پذیرش سلطه دیگران است، دو چندان مذمت شده است. به همین دلیل نیز چون انقلاب اسلامی به سان مشعل فروزانی است که صراط مستقیم انسانیت را به کشورهای جهان سوم و به ویژه ممالک اسلامی نشان می دهد، باید در مقابل زیاده طلبی آمریکا مقاومت کند. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، این مهم را چنین بیان فرموده است: «انقلاب اسلامی ما تا کنون کمین گاه شیطان و دام صیادان را به ملت نشان داده است.

۲. تفوق و ابتکار عمل يك روحانی برجسته شیعه در عراق (آیت الله سیستانی).

۳. الگوپذیری از ایران و نقش آفرینی مرجعیت شیعه در تعیین وجهت دهی به سرنوشت انتخابات عراق.

۴. مانور استراتژیک يك روحانی برجسته دیگر (سید حسن نصرالله) در بسیج مردم و راهپیمایی عظیم مردم لبنان.

براین اساس ایالات متحده دریافته است که در صورت مهیا شدن امکان برگزاری جریان آزاد انتخابات در منطقه، دولت های برآمده از آن - همانند آنچه در عراق اتفاق افتاد - مطلوب ایالات متحده نخواهد بود.

آخرین و مهم ترین دستاورد ایستادگی و مقاومت ایران در برابر ایالات متحده و افزون طلبان کاخ سفید، الگوگرگرفتن رویه استقلال طلبی ملت ایران و دریافت پیام رهایی از یوغ مستبدان بود که خود بسیاری تحولات و رخدادها را به ارمغان آورد.

برخی از مهم ترین آن ها عبارتند از:

(الف) بیداری و خیزش اسلامی در کشورهای اسلامی منطقه.

(ب) فروپاشی نظام آپارتاید و تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی.

(ج) استقلال رودزیا.

(د) فروپاشی اردوگاه کمونیسم و شوروی سابق.

(ه) مقاومت مجاهدین افغان در مقابل تجاوز شوروی.

(و) پیروزی ساندنیست ها در نیکاراگوئه.

(ز) انتفاضه مردم فلسطین در مقابل تجاوزات رژیم صهیونیستی اسرائیل.

(ح) پیروزی جنبش انقلابی حزب الله لبنان در مقابل صهیونیست های اسرائیل و اخراج اشغالگران صهیونیست از لبنان.

(ط) پیروزی جریان مقاومت در سوریه.

(ی) نضج گرفتن جریان موسوم به انصارالله در یمن و عجز و استیصال آل سعود در مقابله با آن.

در پایان به نظر می رسد تا زمانی که امریکا براساس نظام لیبرالیسم سیاسی و کاپتالیسم اقتصادی استوار است و ایران نیز براساس آموزه های دینی اسلام سلطه گرایی را نفی می کند، امکان همکاری و رابطه متقابل وجود ندارد، در حالی که در ضمیر و ماهیت امریکا مداخله گرایی ریشه دوانیده، افتخار نظام اسلامی استقلال طلبی و رد سلطه پذیری است.

خودباوری و اعتماد به نفس در عرصه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - دفاعی و امنیتی؛ این خصلت در بسیاری از عرصه ها مانند فن آوری هسته ای و دانش تهیه سلول های بنیادی و نیز اداره مراحل مختلف جنگ تحمیلی جلوه گر شده است.

۳. مستحکم شدن الگوی مردم سالاری دینی در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی غرب؛ الگوی مردم سالاری دینی ایران در گذر زمان هر روز شکوفاتر می شود و چون بنابر دلایل زیر از سوی ملت های منطقه مورد پذیرش قرار می گیرد، الگوی لیبرال دموکراسی امریکایی را با چالش و بحران جدی مواجه ساخته است:

۱. مردم سالاری دینی ایران، اصالت دارد و بومی است.

۲. مردم سالاری دینی ایران، بحران هویت ایجاد نمی کند، زیرا مطابق با تاریخ و فرهنگ و باورهای بومی و دینی مردم خاورمیانه است.

۳. مردم سالاری ایران، بی ثبات کننده نیست، زیرا میان انتظارات و تعهدات داخلی و ظرفیت کشورها، توازن ایجاد می کند.

۴. برائت مقاومت ایران در مقابل ایالات متحده، الگوی الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران نه تنها یک امر ماندگار، بلکه در حال ارتقای وضعیت همزیست و الهام بخشی خود در منطقه خاورمیانه است. این در حالی است که تثبیت همزونی جهانی و منطقه ای ایالات متحده در گرو گسترش الگوی دموکراسی امریکایی و در نهایت صدور شیوه زندگی آمریکایی به کشورهای خاورمیانه است.

۵. برائت مقاومت مردم ایران در مقابل زیاده طلبی امریکا، به رغم تصور اولیه استراتژیست های کاخ سفید که تقویت مدیریت تغییر در حکومت ایران پس از اشغال عراق و افغانستان و سوریه را پیش بینی می کردند با نتیجه منفی و برآیند معکوسی مواجه شده است.

۶. در حالی که سطح و میزان نفوذ ایالات متحده برای ایجاد تغییرات سیاسی در منطقه به شدت کاهش یافته، ظرفیت مدیریت جمهوری اسلامی برای انجام تغییرات سیاسی در منطقه ارتقای چشمگیری یافته است. برخی از دلایل تفوق و برتری ایران در این عرصه به عنوان یکی از دستاوردهای ایستادگی در برابر زیاده طلبی آمریکا عبارتند از:

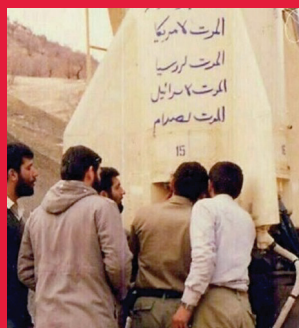
۱. افزایش انسجام ملی در ایران.

پرسمان



۶۹

چگونه موشکی شدیم؟



۶۴

اقتدار موشکی؛ قیام سنجیل‌ها



۷۶

امام (ره) فرمود معادلات شرق و غرب
رابطه هم زدید

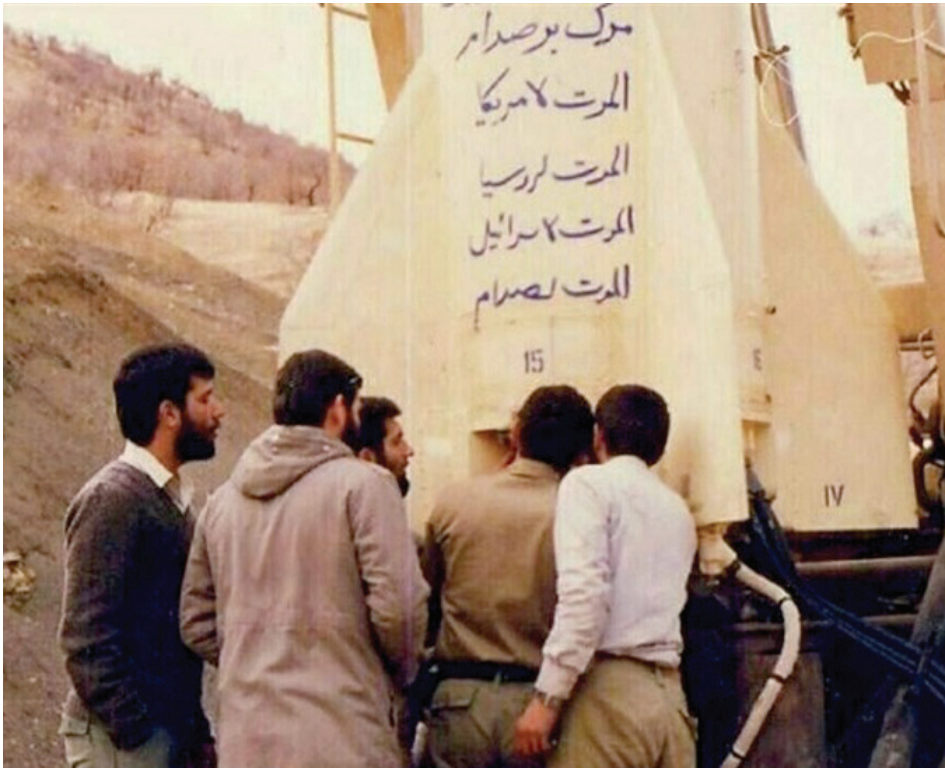


۷۲

مردی با آرزوهای دوربرد

پرونده

قدرت موشکی ایران



نگاهی به روند رشد و توسعه توان موشکی ایران طی سه دهه (۱۳۶۳ تا ۱۳۹۱)
به فرماندهی سردار شهید طهرانی مقدم؛

اقتدار موشکی؛ قیام ساجیل‌ها

«موشک‌ها در تغییر توازن استراتژیک قدرت در منطقه و جهان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. سردار شهید طهرانی مقدم می‌دانست که موشک‌ها محدودیت‌های ژئوپلیتیک را پشت سرمی‌گذارند. تحت تاثیر قدرت موشکی، همجواری جغرافیایی دیگر الزام ضروری برای ایجاد ظرفیت و قابلیت تهدید علیه یک نظام سیاسی نیست، بلکه این بُرد موشک‌هاست که شعاع تاثیر ایجاد می‌کند.» این جملات بخش‌هایی از سخنان سرلشکر سلامی فرمانده کل سپاه و فرمانده سابق نیروی هوافضای (نیروی هوایی) سپاه است.



کبری سنگوری زاده

شلیک ۸۹ موشک در دفاع مقدس

در ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ برای نخستین بار در تاریخ ایران زمین یک فروند موشک بالستیک اسکاد-بی به سمت عراق شلیک شد و این عملیات ۸۸ بار دیگر تا ۳۱ فروردین ۶۷ تکرار شد. ۸۰ فروند موشک به سوی بغداد، ۴ فروند موشک به سوی موصل، ۲ فروند موشک به سوی کرکوک، ۲ فروند موشک به سوی العماره و یک فروند موشک به سوی تکریت شلیک شد.

مهمترین مکان‌های عراق که در دوران دفاع مقدس مورد اصابت موشک قرار گرفتند، کارخانه سیمان در یک کیلومتری پالایشگاه کرکوک، ساختمان ۱۸ طبقه بانک رافدین در بغداد، محوطه کاخ صدام، ساختمان جدید وزارت امور خارجه، مجتمع مسکونی افسران عالی‌رتبه ارتش، مرکز رادیو و تلویزیون، مرکز کامپیوتر وزارت دفاع، پالایشگاه نفتی الدوره، مرکز مخابرات بغداد، سازمان اطلاعات و امنیت، ستاد فرماندهی نیروی هوایی، ساختمان‌های مرکزی نخست‌وزیری، وزارت دفاع و پادگان‌های الرشید و غزلائی بودند.

موشک‌هایی که شلیک شدند از نوع اسکاد-بی بودند. این موشک ۳۰۰ کیلومتر بُرد و ۵ هزار و ۸۶۰ کیلوگرم وزن دارد که سرچنگی آن ۹۸۷ کیلوگرم است. سوخت این موشک نیز مایع می‌باشد.

افزایش بُرد موشک‌ها برای نبرد با اسرائیل

جنگ پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به پایان رسید و خیلی از کسانی که مسئول بودند، به دنبال کارهای دیگر رفتند، اما جنگ برای نیروهای موشکی در مرحله جدیدی شروع شده بود. یکی از کارهای مهم شهید طهرانی مقدم بعد از پایان جنگ حفظ انسجام نیروها بود.

اواز فرصت پس از پایان جنگ برای برطرف کردن کاستی‌ها بهره برد. نیروهایی که در یگان موشکی مشغول به کار بودند، خودشان را آماده نگه داشتند. آن‌ها پیش‌بینی می‌کردند اگر توان موشکی را به گونه‌ای ارتقا دهند که بتوانند با تهدیدات رژیم صهیونیستی مقابله کنند، ممکن است ایران اسلامی بار دیگر مورد تجاوز دشمنان قرار بگیرد.

پس از جنگ پروژه ساخت موشک‌های سوخت جامد و مایع به موازات هم پیش رفت. ایران در اولین گام‌های خود برای

تولید موشک در داخل شهاب-یک را با بُرد ۳۰۰ کیلومتر از روی موشک اسکاد-بی ساخت.

کمتر از دو سال بعد، موشک شهاب-۲ نیز با بُرد ۵۰۰ کیلومتر ساخته شد. اما هدف نهایی طهرانی مقدم، هدف قرار دادن اسرائیل بود. او می‌گفت باید موشکی داشته باشیم تا بتوانیم اسرائیل را بزنینم. بعد از آن بود که با الگوبرداری از روی موشک اسکاد-سی، اولین موشک ایران با هدف اصابت به سرزمین‌های اشغالی با نام «شهاب-سه» تولید شد. پس از آزمایش این موشک در سال ۱۳۷۷ و اعلام مشخصات آن از جمله برد، نگاه دشمنان به توانایی موشکی ایران تغییر کرد، زیرا ارائه نمونه‌های جدیدتر، دوربردتر و دقیق‌تر از خانواده موشک‌های شهاب نشان دهنده رسیدن ایران به سطوح بالای فناوری موشکی بود که نوید محصولات مخوف‌تری را در آینده می‌داد.

این موشک‌ها اگر می‌خواستند به سوی اسرائیل شلیک شوند، باید از گیلانغرب شلیک می‌شدند. طهرانی مقدم می‌گفت باید برد موشک‌ها را افزایش داد تا بتوانیم رژیم صهیونیستی را از هر نقطه‌ای تهدید کنیم. پس از اینکه نسل اول موشک شهاب-سه تولید شد، طی چند مرحله تکمیل گردید تا اینکه بُرد آن به یک هزار و ۶۵۰ کیلومتر و با سوخت مایع به ۲ هزار کیلومتر رسید.

نمونه‌های مختلفی از موشک شهاب-سه تولید شد و به خدمت نیروهای مسلح کشور درآمد که از نظر بُرد و زیرسامانه‌ها ارتقا یافتند، اما همگی یک مرحله‌ای سوخت مایع هستند و از سامانه هدایت اینرسیایی برخوردارند؛ از جمله می‌توان به نمونه پیشرفته‌تر شهاب-سه با نام «قدر» با قابلیت بهره‌گیری از کلاهک‌های بارانی اشاره کرد که امروزه در میزان زیادی تولید و تحویل رده‌های عملیاتی شده که قابلیت هدف‌گیری تا بُرد ۲ هزار کیلومتر را دارند. موشک قدر البته در دو نوع «قدر F» و «قدر H» تولید شده که بُرد این موشک در نوع دوم آن چیزی در حدود یک هزار و ۶۵۰ کیلومتر است. موشک‌های سوخت مایع باتوجه به نیاز به شارژ شدن سوخت در مخازن پیش از پرتاب، زمان آماده‌سازی زیادی دارند. در این حالت امکان شناسایی موشک پیش از پرتاب وجود دارد. بدستایی ایران به موشک‌های دور بُرد (تا سقف ۲ هزار کیلومتر) برای هدف قرار دادن سرزمین‌های اشغالی (در صورت بروز جنگ)، سقف مورد نیاز سپاه در حوزه موشک‌های بالستیک تامین شد.

نام داشت، با بُرد ۸۰۰ کیلومتر جدیدترین موشکی بود که توسط وزارت دفاع و با ایده اولیه سردار شهید طهرانی مقدم با یک هدف خاص ساخته شد: «انهدام پایگاه‌ها و منافع آمریکایی در اطراف ایران.»

موشک ۶ تنی «قیام» را در حقیقت باید دروازه ورود ایران به عرصه جدید در ساخت موشک‌های بالستیک دانست به طوری که می‌توان گفت تجربه ۲۵ ساله صنعت دفاعی کشور (تا آن روز) در عرصه هوافضا در این موشک خلاصه می‌شد؛ موشکی که نداشتن بالک به عنوان یکی از ویژگی‌های آن، علاوه بر افزایش سرعت، قابلیت پرتاب موشک از انواع لانچرهای خاص را به آن می‌دهد. البته ایران در گذشته اقدام به ساخت راکتی هم کرده بود؛ راکت سوخت جامد «زلزال» شناخته شده‌ترین، دوربردترین و مخرب‌ترین سلاح راکتی ایران است که در اوایل دهه ۷۰ ساخته شد و از آن به عنوان یکی از کاندیداهای اصلی برای هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی اطراف ایران نام برده می‌شود. دستیابی به راکت‌های سوخت جامد کوتاه‌برد یکی از اهداف اولیه برنامه موشکی کشورمان از اواسط جنگ تحمیلی بود که گفته می‌شود در این راستا اولین راکت از این نوع با برد ۱۷۰ کیلومتر آزمایش شد و بعدها از لحاظ برد و محموله جنگی، در چند نسل توسعه یافت.

در سال ۱۳۹۳ موشک زلزال بارشی نیز رونمایی شد. ۳۰ بمب ۱۷ کیلویی در موشک زلزال بارشی به کار گرفته شد که این بمب‌ها در فاصله نزدیک زمین پخش می‌شود و برای زدن باند فرودگاه و تجهیزات پخش شده روی زمین مناسب است. یکی دیگر از موشک‌های کوتاه‌برد، موشک فاتح-۱۱۰ است. این موشک مایل پرتاب را در کنار بسیاری از ویژگی‌های منحصر به فردش از جمله دقت فوق‌العاده باید اولین گام مهم ایران در طراحی و ساخت موشک بالستیک سوخت جامد نیز دانست. نمونه‌های مختلف این موشک با بردهای ۲۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر دارای محموله انفجاری شدید به وزن ۴۵۰ کیلوگرم است که سرعت آن به یک و نیم کیلومتر بر ثانیه می‌رسد. خطای موشک فاتح-۱۱۰ کمتر از ۱۰ متر بوده که این در مورد نوع دریایی آن یعنی «خلیج فارس» از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است، زیرا مأموریت آن انهدام اهداف متحرک دریایی است.



موشک‌های کوتاه‌برد علیه پایگاه‌های آمریکایی

سردار حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه می‌گوید: «شهید طهرانی مقدم یک بار برنامه ریزی کرد تا به بُرد ۲ هزار کیلومتری برسیم. پس از آن، برنامه دیگری داشت و معتقد بود که باید برگردیم و خلاءهای این بُرد را به لحاظ کمی و کیفی برطرف کنیم. در این زمان بود که احساس شد یک موشک با بُرد ۸۰۰ کیلومتری برای اهداف آمریکایی نیاز داریم، امانه به ابعاد و اندازه موشک‌های بزرگ. موشکی مدنظر شهید طهرانی مقدم بود که با بُرد ۸۰۰ کیلومتر، ابعادی به اندازه موشک شهاب-۱ یک داشته باشد.»

در مرداد ۸۹ این موشک بالستیک منحصر به فرد با قابلیت‌هایی متفاوت از انواع قبل رونمایی شد. موشک جدید که «قیام»



بومی است که مشابه خارجی ندارد. مشخصات هندسی این موشک شبیه به موشک شهاب-یک است، اما بال ندارد؛ یعنی بالک‌های بیرونی حذف شده است. طول و قطر آن به اندازه موشک شهاب-یک است، اما بردش بسیار متفاوت می‌باشد. موشک شهاب-یک ۳۰۰ کیلومتر برد دارد، اما موشک قیام ۸۰۰ کیلومتر برد دارد. بنابراین توانمندی‌ها افزایش یافت و قابلیت‌های جدیدی در نیروهای مسلح به وجود آمد.

نقطه زن شدن موشک‌ها

پس از گذشت مدت زمانی، رهبر معظم انقلاب اسلامی تدبیر فرمودند که موشک‌ها نقطه زن شوند. البته ایشان از مدت‌ها پیش برای موضوع تاکید داشتند. نیروهای موشکی چون تا آن زمان اهداف بزرگی دنبال می‌کردند، آنچنان به فکر «دقت» نبودند. خطای موشک‌ها تا آن روز بین ۲۰۰ تا یک هزار متر بود و چون موشک‌ها کلاهک‌های سنگین داشتند، نیروهای موشکی فکری کردند این میزان خطا خوب است.

66

سردار حاجی زاده
فرمانده نیروی هوافضای
سپاه می‌گوید: «شهید
طهرانی مقدم یک بار
برنامه ریزی کرد تا به بُرد ۲
هزار کیلومتری برسیم. پس
از آن، برنامه دیگری داشت و
معتقد بود که باید برگردیم و
خلاءهای این بُرد را به لحاظ
کمی و کیفی برطرف کنیم.»

99

طراحی بومی موشک‌ها

گام بعدی یگان موشکی سپاه طراحی بومی موشک‌ها به جای کپی برداری (مهندسی معکوس) بود. اولین قراردادی که شهید طهرانی مقدم با وزارت دفاع منعقد کرد، در رابطه با ساخت تعداد محدودی راکت بود. این راکت‌ها در یک میدان تیر در کویر آزمایش شدند. دیده بان‌ها در شعاع ۲۰ کیلومتری منطقه‌ای که فکر می‌شد، راکت‌ها به آنجا اصابت کنند، چیده شده بودند، اما هیچ‌کدام از راکت‌ها به هدف اصابت نکردند و هرکدام با انحراف زیادی در نقطه‌ای منفجر شدند. نیروهای یگان موشکی بالاخره با تحقیقات و تلاش فراوان از این مرحله عبور کردند و به مرحله ساخت موشک‌های سوخت جامد با قابلیت هدایت مانند موشک فاتح ۱۱۰ که بُرد آن ۲۵۰ کیلومتر بود و بعدها به ۳۰۰ کیلومتر افزایش یافت، رسیدند. همزمان خواسته شد تا موشک سوخت جامد ۲ هزار کیلومتری هم ساخته شود. کار ساخت این موشک در پروژه‌ای با عنوان «عاشورا» پیگیری شد. محصول این پروژه در نهایت با چند مرحله اصلاح به موشک «سجیل» رسید و در نیمه دوم دهه ۸۰ شمسی معرفی شد. این موشک چند مرحله‌ای دارای سوخت جامد با بُرد ۲ هزار کیلومتر است که دریگان‌های نیروهای مسلح کشورمان به وفور وجود دارد و برخی آن را یکی از برترین موشک‌های بالستیک ایران می‌دانند.

این موشک به سرعت و تنها ظرف چند دقیقه آماده پرتاب شده و پس از شلیک، پرتابگر آن به سرعت محل راترک می‌کند. این ویژگی باعث کاهش احتمال نابودی موشک قبل از پرتاب می‌شود. همچنین به دلیل شتاب بسیار بالای سجیل، امکان ردگیری آن در فازهای اولیه پرتاب بسیار کم و عملاً شانس دشمن برای انهدام این موشک در طی پرواز ناچیزی می‌کند. این موشک تاکنون در دو نمونه سجیل ۱ و ۲ معرفی شده است. بنابراین تنوع محصولات موشکی زیاد شد و سپاه توانست پس از سال‌ها کوشش، به توان طراحی دست پیدا کند. پیشتر کپی‌سازی صورت می‌گرفت، اما دانشمندان جوان ایرانی در صنعت موشکی با کار شبانه‌روزی، توان طراحی راکسب کردند و از ایده تا محصول ایرانی شد. به طور مثال موشک قیام با بُرد ۸۰۰ کیلومتر محصول طراحی

مقام معظم رهبری در چندین مرحله از فرماندهان نیروی هوافضای سپاه و فرماندهان یگان موشکی خواستند که بر موضوع «دقت» متمرکز شوند. همه نیروها به فرماندهی حسن طهرانی مقدم تمام توان شان را به کار گرفتند، تا اینکه در گام اول میزان خطا به ۱۰۰ الی ۱۲۰ متر رسید.

حضرت آیت الله خامنه‌ای بار دیگر از فرماندهان موشکی خواستند که میزان خطا کاهش یابد. رهبری بیان فرمودند که نمی‌شود هدفی را که می‌خواهید بزنید، بگویید ۱۰۰ متر آن طرف‌تر خورد. تلاش‌ها ادامه پیدا کرد تا اینکه دقت موشک‌ها به ۳۵ متر رسید. نیروهای موشکی از اینکه میزان خطا به این مقدار کاهش پیدا کرده است، بسیار خوشحال بودند.

این دستاورد یگان موشکی سپاه در نمایشگاهی به اطلاع فرمانده معظم کل قوا رسانده شد. رهبری فرمودند این راه‌تان خیلی عالی و خوب است، اما شما که توانستید به ۳۵ متر دقت برسید، پس می‌توانید آن را به ۱۰ الی ۱۵ متر برسانید. با این تدبیر رهبری، نیروهای موشکی دوباره دست به کار شدند تا اینکه در کمتر از شش ماه، دقت موشک‌ها به کمتر از ۱۰ متر رسید. این دقت در تمامی موشک‌ها اعمال و تکثیر شد.

معادلات حاضری در خلیج فارس را برهم زد. این موشک با شعاع برد عملیاتی ۳۰۰ کیلومتر، به صورت هدایت ترکیبی عمل می‌کند به طوری که جستجوگر آن در فاز نهایی بر روی هدف قفل کرده و در این حالت، شناور دشمن هیچ راه گریزی از اصابت آن نخواهد داشت. این موشک توسط مرکز تحقیقاتی نیروی هوافضای سپاه طراحی و توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تولید شد و یکی از شاهکارهای سردار شهید حسن طهرانی مقدم برای هدف قرار دادن ناوهای هواپیمابر آمریکایی در خلیج فارس به شمار می‌رود.

موشک‌های بالستیک ضد رادار و ضد کشتی هرمز ۱ و هرمز ۲ هم سال ۹۳ رونمایی شدند. این موشک‌ها باتوجه به شباهت زیادشان به موشک کلاس فاتح، می‌توان امتداد بهینه‌شده و ارتقایافته همین خانواده دانست که جزو دقیق‌ترین موشک‌های ایرانی محسوب می‌شوند. هرمز ۱ می‌تواند رادارهای روی ناو هواپیمابر یا یک سایت پاتریوت در خشکی و یا یک سایت راداری جستجوگر را منهدم کند. هدف دیگر این موشک‌ها، شناورهای نظامی هستند که امروزه تعداد زیادی از آن‌ها با ابعاد بسیار بزرگ در خلیج فارس در حال تردد می‌باشند.

تداوم افزایش قدرت موشکی

حسن طهرانی مقدم فرمانده یگان موشکی سپاه آبان ماه سال ۱۳۹۱ به شهادت رسید، اما روند افزایش توان موشکی کشورمان متوقف نشود و پس از شهادت وی موشک‌های دیگری ساخته و تولید شد. موشک‌های «فاتح-۳۱۳» با برد ۵۰۰ کیلومتر، «عماد» با برد یک هزار و ۷۰۰ کیلومتر، «ذوالفقار» با برد ۷۰۰ کیلومتر، «خرمشهر» با برد ۲ هزار کیلومتر، «فاتح مبین» با برد ۵۰۰ کیلومتر، «خرمشهر-۲» با برد ۲ هزار کیلومتر، «دزفول» با برد یک هزار کیلومتر، «زهیر» با برد ۵۰۰ کیلومتر، «حاج قاسم» با برد یک هزار و ۴۰۰ کیلومتر، «ذوالفقار بصیر» با برد ۷۰۰ کیلومتر و «خبیرشکن» با برد یک هزار و ۴۵۰ کیلومتر در یک دهه اخیر رونمایی شدند. در روزه امسال نیروهای مسلح به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس نیز موشک «رضوان» با برد یک هزار و ۴۵۰ کیلومتر رونمایی شد.

به کارگیری موشک‌ها علیه شناورها

ماموریتی که یگان موشکی سپاه پس از نقطه زنی موشک‌ها دنبال کرد، به کارگیری موشک‌ها علیه شناورها بود؛ یعنی موشک‌های بالستیک ضد شناور شوند. در این حوزه معمولاً از موشک‌های کروز استفاده می‌شود و استفاده از موشک بالستیک مرسوم نیست، اما کروز هم محدودیت‌های خاص خودش را دارد. بالاخره با سرعت پایین ممکن است مورد اصابت قرار بگیرد. استفاده از موشک بالستیک، یک ایده ایرانی بود. مهمترین گام در این راستا ساخت موشک «خلیج فارس» بود. موشک‌های «هرمز ۱» و «هرمز ۲» نیز ساخته شد. هر کدام از این موشک‌ها مشخصات و مختصات دارند که می‌توانند شناورها، ناوها و رزم‌ناوها را در فواصل دور مورد اصابت قرار دهند. موشک خلیج فارس با سرعتی مافوق صوت و عملکرد بالستیک،



«گفتاری از سردار
سرتیپ «محسن
رفیق دوست» اولین
وزیر سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی؛

چگونه موشکی شدیم؟

کنند. بالاخره به یکی از رزمندگان ما گفتیم که آمد و آن را باز کرد. بعد تا و را اوراق کردند.

سرانجام با تلاش‌های فراوان موشک تا و ساخته شد و به تولید انبوه نیز رسید. چند سال پیش و در سی و پنج سالگی ساخت موشک ضدتانک تا و به مرکز ساخت این موشک‌ها رفتم و به بنده گزارش دادند که نسل‌های پیشرفته‌تر این موشک ساخته شده که هم‌تراز با موشک‌های ضدتانک در دنیا است. سپس با حضور نخبگان دانشگاهی ۱۸ گروه برای ساخت تسلیحات و تجهیزات نظامی در وزارت سپاه تشکیل دادم که یکی از آن‌ها «موشکی» بود. البته یکی از آن‌ها هم مورد مخالفت امام قرار گرفت و آن گروه «ش.م.ه» (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) یا «ش.م.ر» (شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو) بود. امام فرمودند: «بمب اتم نباید بسازید؛ بمب اتم سلاح جنگ نیست و حرث و نسل را از بین می‌برد. ما به دنیا نیامده‌ایم که حرث و نسل را از بین ببریم، اما در باقی گروه‌ها هر چه می‌توانید بسازید.»

یک روز محضر امام خمینی (ره) شرفیاب شدم و گفتم: ما نباید امید داشته باشیم که در حوزه تجهیزات نظامی و تسلیحات، غرب و شرق چیزی به ما بدهند (بفروشند). باید به خودمان اتکا کنیم و از فشنگ تا موشک بسازیم. امام نیز فرمودند که باید این کار را انجام بدهید.

پس از فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی دست به کار شدیم. اولین چیزی که ساختیم، موشک ضدتانک تا و بود. رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ به شدت به این سلاح نیاز داشتند و متخصصان در صنعت دفاعی با روش مهندسی معکوس اقدام به ساخت آن کردند.

یک موشک تا و به باغ شیان بردم و از همه متخصصان دعوت کردم؛ چه آن‌هایی که در سپاه بودند و چه آن‌هایی که در دانشگاه‌ها بودند. هیچ یک کار نظامی نکرده بودند. از دکترهای فیزیک و مهندسان و فوق‌لیسانس‌ها در بین آن‌ها بودند. موشک تا و در غلاف و جلدی بود و آن‌ها نمی‌دانستند آن را از کجا باز



را بنزیم، با موشک آن را نابود کنیم. این مقدمه طرح موشک شهاب شد.

طهرانی مقدم و یارانش در کشور سوریه با موشک آشنا شدند. بنده در سال ۱۳۶۳ همراه با سردار صفوی، سردار وحید دستجردی، سردار فتح‌الله جعفری، سردار مرتضی قربانی و... به سوریه و لیبی رفتیم. وقتی مراد دعوت کردند، خدمت آقای هاشمی رفسنجانی رسیدم و گفتم: «من به سوریه و لیبی دعوت شدم. نظر شما چیست؟» آقای هاشمی گفت: «بین می‌توانی از آن‌ها موشک بگیری از این وضع بیرون بیاییم.» گفتم: «تلاشم را می‌کنم.» از پیش آقای هاشمی خدمت حضرت آیت الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت رفتم و به ایشان عرض کردم: «بنده برای سفر رسمی به سوریه و لیبی دعوت شده‌ام. از شما خواهش می‌کنم دو تا پیام به من بدهید که برای حافظ اسد و قذافی ببرم.» ایشان قبول کردند که پیام‌ها را بدهند. بعد به ایشان گفتم که من خدمت آقای هاشمی بودم و آقای هاشمی به من گفتند که برو از این‌ها موشک بگیر. آقای خامنه‌ای گفتند: «مگر آن‌ها به ما موشک می‌دهند؟» گفتم: «توکل به خدا. تلاشم را می‌کنم.» ایشان فرمودند: «اگر بشود، خیلی خوب است. بروید به امید خدا. من هم برای شما دعا می‌کنم.»

بنابراین در همان دوران دفاع مقدس نخستین موشک با برد ۷۰ کیلومتر ساخته و آزمایش شد که شهید طهرانی مقدم و یارانش در ساخت آن نقش مهم و اساسی داشتند. موشکی که در شهریور ماه سال ۱۳۶۵ آزمایش شد، موشک ساده‌ای بود و از میدان تیرسمنان به سمت کویرشلیک شد. در سال‌ها و دهه‌های بعد با همت این شهید بزرگوار برد موشک‌ها به بیش از ۱۰۰ کیلومتر افزایش و میزان دقتش به کمتر از ۱۰ متر کاهش یافت.

من سفری به هلند رفتم. در آنجا یک ایرانی به نام آقای خسروی به من گفت ۱۰۰ دلار به من بده می‌خواهم یک چیزی به شما بدهم. گفتم چی هست که صد دلار می‌ارزد؟ ۱۰۰ دلار دادم. او هم یک برگ از صفحه مجله‌ای را درآورد که به زبان عبری بود و نقشه خاورمیانه کشیده بود. از تل‌آویو به تهران یک موشک را نشان داد که منظورش این بود که می‌توانند از تل‌آویو موشکی شلیک کنند که تا ۱۰۰ کیلومتر آن طرف‌تر از تهران یعنی دماوند را هم بزنند.

من وقتی به تهران برگشتم، این را به حسن طهرانی مقدم دادم و گفتم ببینید آن‌ها موشکی ساختند که تا تهران را می‌توانند بزنند. ما هم باید موشکی بسازیم که اگر روزی قرار بود اسرائیل



شهید طهرانی مقدم و یارانش در این برهه زمانی و اتکا به توان داخلی توانست به تدریج قدرت موشکی ایران را بسازد. شهید طهرانی مقدم و یارانش اگر در آن برهه ناامید می‌شدند، دست از تلاش برمی‌داشتند و می‌گفتند ما نمی‌توانیم، امروز قدرت موشکی نداشتیم. آنچه امروز داریم، نتیجه تلاش طهرانی مقدم‌ها و نه آورده دیگران است. صنعت موشکی ایران نتیجه تلاش فرزندان این سرزمین است.

در همان ابتدا که موشک‌های لیبیایی وارد کشور شد، شهید طهرانی مقدم در وزارت سپاه پیش‌من آمد و گفت دو فروند از این موشک‌ها را به ما بدهید تا کار مطالعاتی روی آن انجام دهیم. من به او گفتم: مابه‌ازای آن چه به من خواهی داد؟ طهرانی مقدم گفت: اگر شهید شدم، شفاعتت خواهم کرد. در مجموع سه مرتبه، هر بار ده موشک از لیبیایی گرفتم. قذافی این موشک‌ها را هدیه داد و چیزی بابت آن نگرفت. بعد از کره شمالی موشک خریدیم، می‌گفتیم موشک می‌زنیم؛ ولی گاه می‌دیدیم در انبارمان دو تا موشک بیشتر نیست. تا اینکه به فکر افتادیم خودمان در ساخت موشک خودکفا بشویم.

بنده در سوریه از آقای حافظ اسد رئیس‌جمهور آن کشور خواستم که به ما موشک بدهد، اما او گفت که موشک‌های من در اختیار روس‌هاست و آن‌ها اجازه نمی‌دهند به شما بدهم، اما می‌توانم به نیروهای تان آموزش بدهیم. برای دریافت موشک نیز به سراغ قذافی در کشور لیبی بروید. من هم سفارش می‌کنم.

پس از آن سفر فرمان تشکیل یگان موشکی صادر شد. حسن طهرانی مقدم هم که فرمانده یگان توپخانه سپاه بود، در قالب یک گروه ۱۳ نفره راهی سوریه شد و آموزش دید. در همان زمان موشک‌های دریافتی از لیبی نیز به ایران رسید و سردار حاجی‌زاده مقدمات شلیک این موشک‌ها را توسط لیبیایی‌ها فراهم کرد.

بعد از اینکه دو موشک را زدیم، آقای هاشمی رفسنجانی پیغام دادند که با بچه‌های موشکی پیش‌من بیایید. ما به مجلس رفتیم. آقای هاشمی گفتند: «شما با آوردن این موشک‌ها به اسلام و مسلمین و ایران عزت دادید.»

یکی از شکرهایی که به درگاه خداوند دارم این است که من در این حرکت سهم داشتم. البته باز کار خدا بود و من هرچه فکر می‌کنم، در طول جنگ هر کاری که انجام شد، کار خدا بود و ما وسیله فعل خداوند بودیم و بس.

لیبیایی‌ها همراه محموله موشک گروهی را به فرماندهی سرگردی به نام سلیمان به ایران فرستادند. جلوی من به او گفتند که تحت امر من باشد. اما بعد از چند شلیک، به او گفته بودند که فعلاً شلیک نکن؛ قذافی خواسته بود که یکی از موشک‌ها به عربستان شلیک شود، اما وقتی به عربستان موشک نزدیم به نیروهایش دستور داد که شلیک موشک‌ها را متوقف کنند و از ایران خارج شوند.

یادم هست، ماه رمضان بود. سحر خدمت آقای هاشمی زنگ زدم و مفصل با ایشان صحبت کردم. بعد تصمیم گرفتیم خودمان شلیک کنیم. آن‌ها نیز بسیاری از قطعات موشک‌ها را برداشته و رفته بودند.

نیروهای یگان موشکی در وضعیت سختی گیر کرده بودند، اما با تلاش بی‌وقفه‌ای که انجام دادند، توانستند خرابکاری‌ها و دستکاری‌ها را رفع و موشک‌های باقی‌مانده را شلیک کنند و این اقدام برای لیبی و صدام تعجب برانگیز بود. عدم ناامیدی



نگاهی به زندگی سردار شهید حسن طهرانی مقدم از بدو تولد تا میانه جنگ تحمیلی؛

مردی با آرزوهای دوربرد

همزمان با آغاز عملیات کربلای ۵ در نوزدهم دی ماه ۱۳۶۵ کاروان موشکی ایران برای نخستین بار بدون حضور لیبیایی‌ها آماده حرکت به سوی موضع پرتاب شد. موشک آماده شلیک نشد و ایراداتی داشت. حسن و یارانش نگران شدند و به تکاپو افتادند. بالاخره موفق شدند موشک را آماده شلیک کنند. موشک وارد مرحله جنگی شد. همه سرجایشان نظاره‌گری بودند. گهواره، موشک را بالا برد و عمود کرد. حسن از سید غفاری خواست تا شاسی فایرفشار دهد. موشک با غرشی از سکو جدا شد، به آسمان رفت و اوج گرفت.



کمیته مرکزی انقلاب مشغول فعالیت شد. یک جمع پنجاه نفره بودند که برنامه اردو داشتند و به کوه هم می‌رفتند. همزمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد و بسیاری همچون برادرش محمد به سپاه پیوستند، اما حسن مردّد بود که به درخواست عمومی برای گذراندن دوره‌های تحصیلی به آلمان برود یا پاسدار شود.

بالاخره حسن پس از مدتی در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مشغول به کار شد. کارش در هیئت واگذاری زمین بود که وظیفه واگذاری زمین‌های شناسایی شده دربار پهلوی به خانواده‌های بی‌مسکن را برعهده داشت. اما حضور و فعالیت حسن در بنیاد مسکن در شش ماه خلاصه شد. حسن به تدریج به سمت کارهای جهادی و سپاه کشیده شد. حسن همراه با برادرانش محمد و علی برای جهاد سازندگی به فومن رفت. او سپس در اولین روز تابستان ۱۳۵۹ تکلیفش را با خارج رفتن و سایر برنامه‌هایش مشخص کرد و به طور رسمی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

تطبیق آتش خمپاره‌ها

بیست از روز آغاز جنگ گذشته بود که حسن راهی جبهه‌ها شد. او در دفترچه‌ای که داشت، اتفاقات نخستین روزهای حضورش در جنگ را نوشت. حسن در اولین حضورش با «اصغر صالی» آشنا شد. حدود یک ماه بعد و در روز ۲۷ آبان ۱۳۵۹ که مصادف با روز عاشورا بود، برادرش علی که در میان مدافعان سوسنگرد بود، با اصابت ۱۲ ترکش به بدنش به شهادت رسید.

حسن که پس از یکی دو ماه حضور در جبهه‌های جنگ به اطلاعات سپاه شمال کشور رفته بود، در سال ۱۳۶۰ راهی جبهه‌های جنوب شد و به نیروهای تخریب پیوست. در جبهه آبادان بود که با «حسن شفیع‌زاده» و «مهدی باکری» آشنا شد و به گروه خمپاره‌اندازها و ادوات تیپ کر بلا پیوست. او بیش از پیش متوجه اهمیت خمپاره‌ها و ادوات شد و به دنبال این بود تا اطلاعاتش را درباره خمپاره‌اندازها کامل کند. از این رو در دوره‌های تخصصی که در سپاه تهران برگزار می‌شد، شرکت کرد و زمانی که حصر آبادان در عملیات ثامن الائمه (ع) شکسته شد، در تهران بود.

حسن طهرانی مقدم چهارمین فرزند خانواده بود و زمانی که پدر و مادرش در محله سرآسیاب دولاب تهران زندگی می‌کردند به دنیا آمد. در شناسنامه اسمش حسن بود، اما سیامک صدایش می‌زدند. کودک که بود همراه برادرش در مغازه پدرش کار کرد و نقش وردست داشت. ظهر و شب نیز به مسجدی می‌رفت که امام جماعت آن آیت‌الله سیدصادق لواسانی بود. حسن در آن روزهای پیش از همه چیز به فوتبال علاقه داشت و یکی از کسانی بود که خیلی خوب فوتبال بازی می‌کرد. حسن و برادر بزرگترش محمد با بخشی از پولی که از کار در مغازه پدر و کارهای دیگر گیرشان می‌آمد، عکس فوتبالیست‌های مورد علاقه‌شان را می‌خریدند و برای خودشان آلبوم درست می‌کردند. آن‌ها طرفدار تیم آبی تاج بودند و گاهی برای تماشای بازی‌ها و تمرینات آن تیم به ورزشگاه می‌رفتند.

حسن به خواهر بزرگترش که نامش «فریده» بود، علاقه وافری داشت. فریده از دانش‌سرای عالی لیسانس شیمی گرفت و برای گذراندن دوره تعهد خدمت به بندرعباس رفت. حسن هم با او به آن شهر رفت و درس و مدرسه را در بندرعباس ادامه داد. فریده چند سال بعد با قاسم ملک‌شاهیان قاضی دادسرای عمومی بندرعباس ازدواج کرد و حسن با آن‌ها زندگی کرد. حسن با دامادشان ارتباط بسیار خوبی داشت و روزهای خوب و خوشی را با هم می‌گذراندند. حسن چند سال پیش از پیروزی انقلاب به تهران بازگشت و در یک دبیرستان بزرگ در نزدیکی میدان توپخانه در رشته ریاضی درس خواند. همزمان در تیم‌های آپولو و کارگران نیز فوتبال بازی کرد. یکی از دوستان وی در آن دوره «عزت‌الله ضرغامی» بود. حسن در سال ۱۳۵۶ از دبیرستان دیپلم ریاضی گرفت. در کنکور شرکت کرد و در همان سال در مقطع کاردانی رشته صنایع برش قطعات صنعتی در مدرسه عالی تکنیکم نفیسی قبول شد.

با اوج گرفتن انقلاب، حسن به همراه برادرش محمد در فعالیت‌های سیاسی، پخش اطلاعاتی‌های امام خمینی (ره) و ساخت کوکتل مولوتف و مواد آتش‌زا نقش‌آفرینی کرد.

از عضویت در کمیته و بنیاد مسکن تا پاسداری

حسن پس از پیروزی انقلاب به همراه دوستانش در مراکز مذهبی و فرهنگی تهران همچون مسجد الجواد در میدان هفت تیر و

حسن پس از اینکه به جبهه برگشت، فرمانده ادوات تیپ کربلا شد. مرتضی قربانی فرمانده تیپ و حسن شفیع زاده رئیس ستاد آن بود. او فکرهای بزرگی در سر داشت و معتقد بود اگر آتش های ادوات هماهنگ عمل کنند، می توانند خیلی در صحنه جنگ موثر باشند. از این رو در اواسط آبان ۱۳۶۰ ایده تطبیق آتش خمپاره ها را با حسن باقری مطرح کرد. باقری طرحش را پذیرفت و به خودش سپرد تا عملیاتی کند. این طرح با بهره گیری از خمپاره های ستاد جنگ های نامنظم در عملیات طریق القدس (آزادسازی بستان) اجرایی شد.

شکل گیری توپخانه سپاه

حسن طهرانی مقدم در راه هدف بزرگش هر نیرویی را جذب می کرد تا با حضور رزمندگان کاربلد و توانمند، توانش برای اجرای ایده ها چند برابر شود. او بعد از عملیات طریق القدس بیش از پیش به فکر سازماندهی آتش های سنگین افتاده بود. غنایم ارزشمندی که برخی از یگان های سپاه از دشمن گرفته بودند، این فکر را در ذهن بعضی از فرماندهان سپاه هم تقویت کرده بود. آن ها می گفتند یگان های سپاه باید از نظر آتش مستقل بشوند.

عملیات فتح المبین در نیمه شب دوم فروردین ۱۳۶۱ آغاز شد. سنگین ترین سلاح سپاه در آن عملیات خمپاره اندازها بود. حسن باکمک یارانش برای هماهنگی آتش خمپاره ها برنامه ریخت و در حین عملیات جانانه کوشید تا به وظیفه اش عمل کند. در آن عملیات که آتش بارهایی هم به دست رزمندگان افتاد، پیروزی بزرگی به دست آمد.

حسن پس از عملیات فتح المبین در فکر سامان دادن به خمپاره هایش بود که فرماندهان از او خواستند توپخانه سپاه را راه اندازی کند و بدین منظوری حکمی هم به او دادند. حسن پیش از آغاز عملیات بیت المقدس برای گرفتن نیرو، توپ و هر آنچه به توپخانه ارتباط داشت، در رفت و آمد بود. او حتی با «محسن رفیق دوست» مسئول لجستیک سپاه هم دیدار کرد که رفیق دوست به او گفت: «حسن آقا! راه بنداز و جا بنداز!». عملیات بیت المقدس دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد. حسن در این عملیات توپ های سبک را در اختیار تیپ های سپاه

قرار داد. خودش هم مشغول تطبیق آتش ادوات شد. او کار هماهنگی و درخواست آتش تهیه از توپخانه های ارتش برای یگان های سپاه را هم انجام داد. این عملیات در روز سوم خرداد با آزادسازی خرمشهر به پایان رسید.

پس از این عملیات، مرکز توپخانه سپاه در ساختمان مهدکودکی در ابتدای جاده اهواز - آبادان راه اندازی شد. حسن شفیع زاده و یعقوب زهدی مهمترین همراهان حسن طهرانی مقدم در این مرکز بودند که واحدهای مختلف را راه اندازی کردند. مسئول نیروی انسانی این مرکز، «امیرعلی حاجی زاده» بود. در یادگان قصر فیروزه تهران نیز واحدی برای پیگیری کارها ایجاد شد. سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش که در گذشته افسر توپخانه بود کمک های خوبی به طهرانی مقدم کرد. او دستور داد امکاناتی از ارتش در اختیار سپاه قرار بگیرد.

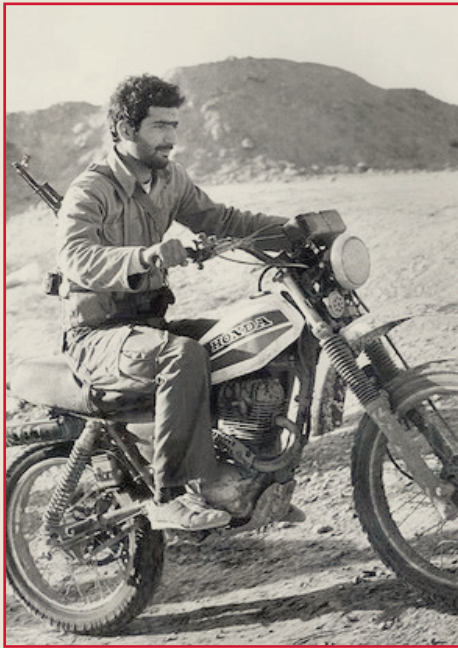
در تابستان سال ۱۳۶۱ عملیات رمضان اجرا شد که این عملیات را باید نقطه آغاز شکوفایی توپخانه سپاه دانست. سپاه توپخانه اش را بر اساس آموزش ها و تجربه هایش در جنگ آرایش داد. اما این عملیات طبق انتظار پیش نرفت و رزمندگان پس از چهار پیروزی بزرگ با ناکامی سختی روبرو شدند.

در پاییز سال ۱۳۶۱ سپاه گسترش سازمانی پیدا کرد و بسیاری از تیپ ها به لشکرها تقا یافتند. توپخانه سپاه هم وارد مرحله جدیدی شد و گروه توپخانه ۶۱ محرم شکل گرفت و کمی بعدتر مرکز تامین قطعات توپخانه سپاه هم در حاشیه آزادراه تهران کرج راه اندازی شد. تیم تحقیقات توپخانه سپاه در سال ۱۳۶۳ توانست با استفاده از روش مهندسی معکوس کاتیوشا بسازد و به تولید انبوه برساند.

تشکیل یگان موشکی سپاه

حسن در میانه جنگ تحمیلی و در سال ۱۳۶۲ با خانم «الهام حیدری» ازدواج کرد، اما او همچنان در فکر ارتقای بُرد و قدرت آتش بود. عراق موشک های اسکاد - بی با بُرد ۳۰۰ کیلومتر داشت، اما ایران فاقد چنین سلاحی بود.

رفیق دوست سال ۱۳۶۳ به لیبی و سوریه رفت. در آن سفر که حسن طهرانی مقدم نیز حضور داشت، از سران آن کشورها



خواسته شد تا به ایران موشک بدهند. لیبی به ایران موشک داد و سوریه موافقت کرد به نیروهای ایرانی آموزش دهد. حسن طهرانی مقدم از سوی فرماندهی سپاه به عنوان فرمانده یگان موشکی سپاه انتخاب شد و همراه با ۱۲ نفر از دوستانش به سوریه اعزام شد. آن ۱۲ نفر عبارت بودند از سید مهدی وکیلی، ناصر جمال بافقی، علی بلالی، امیر باقریان، فریدون اسدبیگی، مجید نواب، سید مجید موسوی، مهدی سیوندیان، مهدی پیرانیان، رضا گودرزی، جمشید مشایخی، رضائیان و مترجمی به نام صدر فراتی که از سپاه معرفی شده بود.

همزمان با اینکه حسن و یارانش در سوریه مشغول آموزش بودند، مسئولان وزارت سپاه پیگیر دریافت موشک از لیبی بودند. همچنین حاجی زاده و رفقاییش با حکمی که از فرمانده عملیات سپاه گرفتند، راهی غرب کشور شدند تا مکان‌های مناسبی برای نگهداری و شلیک موشک‌ها پیدا کنند.

آن سیزده نفر، دوماه و ۹ روز در سوریه بودند و با گذراندن یک هزار و ۵۹۰ ساعت دروس تخصصی و اجرای مانورهای تاکتیکی و تکنیکی با سیستم‌های موشک اسکاد-بی و راکت فراگ-۷ آشنا شدند. وقتی آن‌ها به کشور بازگشتند، موشک‌ها هم رسیده بودند. یک گروه از لیبی نیز برای شلیک موشک‌ها به ایران آمد. اولین موشک همزمان با اجرای عملیات بدر در اسفند ۱۳۶۳ شلیک شد. لیبیایی‌ها چند موشک دیگر هم شلیک کردند، اما به یکباره شلیک‌ها متوقف شد و موشک‌ها را هم دستکاری کردند. نیروهای موشکی با تلاش و پشتکار توانستند موشک‌ها را عیب‌یابی و رفع کنند و شلیک‌ها را ادامه بدهند.

همزمان با آغاز عملیات کربلای ۵ در نوزدهم دی ماه ۱۳۶۵ کاروان موشکی ایران برای نخستین بار بدون حضور لیبیایی‌ها آماده حرکت به سوی موضع پرتاب شد. موشک آماده شلیک نشد و ایراداتی داشت. حسن و یارانش نگران شدند و به تکاپو افتادند. بالاخره موفق شدند موشک را آماده شلیک کنند. موشک وارد مرحله جنگی شد. همه سرچایشان نظاره‌گر بودند. گهواره، موشک را بالا برد و عمود کرد. حسن از سید غفاری خواست تا شاسی فایر را فشار دهد. موشک با غرشی از سکو جدا شد، به آسمان رفت و اوج گرفت.



گفت وگو با «محمد زارع» و «هاشم نوری» از همزمان سردار شهید طهرانی مقدم و نیروهای یگان موشکی سپاه در دفاع مقدس؛

امام (ره) فرمود معادلات شرق و غرب را به هم زدید

یگان موشکی سپاه در میانه جنگ تحمیلی از دل یگان توپخانه سپاه درآمد. حسن طهرانی مقدم فرماندهی آن را برعهده داشت و نیروهای نخبه و متخصص از یگان توپخانه و سایر واحدها به این نهاد تازه تاسیس پیوستند. «هاشم نوری» و «محمد زارع» از جمله یاران حسن طهرانی مقدم در یگان موشکی سپاه بودند که تا سال‌های پس از جنگ در این یگان ماندند و گام به گام توان موشکی جمهوری اسلامی ایران را افزایش دادند؛ به گونه‌ای که اکنون ایران جزو چند قدرت معدود برخوردار از توان بازدارنده موشکی در دنیا است. در ادامه گفت وگویی ماهنامه سرو با نیروهای سابق یگان موشکی سپاه و همزمان سردار شهید طهرانی مقدم رami خوانید:



محمد حسن
جعفری

چند هدف از جمله پالایشگاه کرکوک و بانک رافدین در بغداد، موشک‌هایی شلیک کردند.

موشک‌هایی که به پالایشگاه کرکوک، بانک رافدین و ترمینال بغداد اصابت کرد، نیروهای سه تیپ سودانی و مصری را گشت. حاج حسن روی همه موشک‌ها می‌نوشت: «وما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی».

وقتی ایران به سوی عراق موشک‌هایی شلیک و آن موشک‌ها به اهداف مهمی اصابت کردند، لیبی از سوی شوروی و... تحت فشار قرار گرفت. بنابراین نیروهای لیبیایی با دستور قذافی پرتاب موشک‌ها را متوقف کردند و قطعات مهم آن‌ها را هم برداشتند. عراق که از سوی قذافی اطمینان خاطر پیدا کرده بود پاسخ موشکی دریافت نخواهد کرد، بمباران و موشک باران شهرهای ایران را شدت بخشید. هاشمی رفسنجانی از حسن طهرانی مقدم خواست به هر نحوی که است به حملات موشکی دشمن پاسخ داده شود. حسن دستور داد تا یک موشک و یک سکو آماده شود تا خودمان شلیک کنیم.

موفق به شلیک شدید؟

نوری: شبانه به راه افتادیم و وقتی به موضع شلیک رسیدیم، فهمیدیم موشک‌ها و سکوهای دستکاری و قطعاتی از آن‌ها برداشته شده است. ۳۲ عیب شناسایی کردیم و چند روز طول کشید تا توانستیم هریک از عیوب را به طریقی رفع کنیم. از همه نیروها که در جهاد دانشگاهی و صنعت بودند، کمک خواستیم. پس از چند روز به مقر پرتاب رفتیم و آماده شلیک شدیم، اما هر کار کردیم موشک در وضعیت جنگی قرار نگرفت.

حسن دستور داد موشک خوابانده شود و به سوله برویم تا در آنجا عیب یابی کنیم، اما هر کار کردیم موشک پایین نیامد. هر لحظه ممکن بود هواپیماهای عراقی سر برسند و بمباران کنند. بچه‌ها حال عجیبی پیدا کرده بودند. از یک سو پس از مدت‌ها تلاش و عیب یابی، موشک شلیک نمی‌شد و از سوی دیگر اکنون که می‌خواستیم به سوله برویم، موشک خوابانده نمی‌شد و هر لحظه ممکن بود هواپیماهای عراقی برسند.

در کنار آن موضع، تپه‌ای قرار داشت. بچه‌ها به روی آن تپه رفتند، دست به دعا برداشتند و با تضرع دعای توسل و زیارت

چه عواملی موجب شکل‌گیری یگان موشکی سپاه و تامین موشک‌های بالستیک شد و اولین موشک‌ها در دوران دفاع مقدس چگونه شلیک شدند؟

زارع: جنگ که آغاز شد دستان خالی بود. سلاح‌هایی هم که در سپاه داشتیم، سلاح‌های سبک همچون برنو، ام یک، کلاشینکف و ژ۳ بودند. نیروهای سپاه آموزش‌های لازم برای مقابله با دشمن در یک جنگ منظم و کلاسیک ندیده بودند. ارتش نیز با بحران‌ها و اتفاقات زیادی روبرو بود.

اما همان اراده الهی که مردم را در برابر رژیم پهلوی به پیروزی رساند، مردم را در برابر صدام و حامیان‌ش قرار داد و اجازه نداد که خاک کشورمان در اشغال دشمن باقی بماند. دشمنان در محاسبات‌شان دچار یک خطای بزرگ و استراتژیک شدند و آن هم این بود که ایمان مردم ایران را در نظر نگرفتند.

عراق موشک‌های اسکاد-بی از شوروی دریافت کرده بود و نیروهای ارتش نیز آموزش دیده بودند. مدتی پس از آغاز جنگ، موشک باران شهرها شروع شد. مردم کشورمان هم در پایان هر مراسم و تجمعی شعار می‌دادند: «موشک جواب موشک». امام خمینی (ره) پس از مدتی با پاسخ موشکی ایران موافقت فرمودند و از ارتش و سپاه خواستند تا زمینه‌های تجهیز نیروهای مسلح کشورمان به موشک را فراهم کنند. در نتیجه محسن رفیق دوست و زیر وقت سپاه پیگیر خرید موشک از لیبی شد و گروهی از یگان توپخانه سپاه نیز مشغول گذراندن دوره‌های آموزشی در سوریه شدند.

حسن طهرانی مقدم که فرماندهی توپخانه سپاه را برعهده داشت و تا آن زمان اقدامات مهمی برای افزایش بُرد و قدرت آتش انجام داده بود، مامور تشکیل یگان موشکی شد. حسن در عملیات خیبر که در جزایر مجنون اجرا شد، برای اینکه بُرد آتش‌های کاتیوشا را به سنگرهای دشمن در جزایر برساند، اقدام به ترکیب سه موتور کاتیوشا با یکدیگر کرد که البته به موفقیت نرسید، اما از همان جا جرقه ایجاد یگان موشکی در ذهنش شکل گرفت.

اولین موشک‌ها توسط نیروهای ایرانی شلیک شد؟

نوری: همراه با موشک‌ها، تیمی از لیبی به فرماندهی سرگرد سلیمان برای شلیک موشک‌ها به ایران آمد. آن‌ها به سوی

عاشورا خواندند. پس از قرائت دعا و توسل، یکی از بچه‌ها شیر گهواره موشک را پیدا کرد و بالاخره توانستیم موشک را بخوابانیم و به سوله منتقل کنیم.

با انتقال موشک به سوله باقی کارها را انجام دادیم و در نهایت پس از ۱۷ روز توانستیم مجدد موشکی را شلیک کنیم. آن روز، روز بسیار شیرینی برای بچه‌ها بود. لیببایی‌ها و هیچ کس دیگر باور نداشت که ما خودمان بتوانیم موشک شلیک کنیم، اما شلیک کردیم.

برای شلیک موشک‌ها از لیببایی‌ها کمک نخواستید یا آن‌ها را وادار نکردید شما را راهنمایی کنند؟

نوری: سلیمان که فرمانده لیببایی‌ها بود، ارتباط تقریباً خوبی با ما داشت. او در آن روزها کتاب‌الغدير علامه امینی می‌خواند. از او خواستیم تا بیاید و نتیجه کار بچه‌ها را ببیند. سلیمان باور نکرد عیوب را خودمان شناسایی کرده باشیم و قطعات را هم خودمان ساخته باشیم. او فکر می‌کرد، روس‌ها به کمک ما آمدند. به همین دلیل چند فحش به روس‌ها داد و گفت: این‌ها ما را کنار زدند و خودشان آمدند جای ما را گرفتند.

به او گفتیم تمام این کارها را خودمان انجام دادیم و هیچ فرد خارجی به ما کمک نکرده است. او گفت: عیب یابی به درستی انجام شده است. قطعات هم به خوبی ساخته شده است. اگر واقعاً خودتان تمامی این کارها را انجام داده باشید، زمانی که به میدان بروید و شاسی پرتاب را فشار بدهید، موشک شلیک نخواهد شد. اما اگر تمامی این کارها را روس‌ها انجام داده باشند، موشک شلیک خواهد شد! ما صحبت‌های سلیمان را از سر حسادت برداشت کردیم و گفتیم او این حرف‌ها را زده است تا ما را ناامید کند.

قطعات را وصل کردیم. آزمایش‌های لازم را هم انجام دادیم. تمامی آزمایش‌ها موفقیت‌آمیز بود. سکو و موشک را به موضع پرتاب انتقال دادیم. تمامی کارهای مقدماتی را هم انجام دادیم و آماده شلیک شدیم. شاسی را فشار دادیم، اما موشک شلیک نشد! هر قدر شاسی را فشار دادیم، شلیک نشد. در کمال ناباوری موشک را از موقعیت عملیاتی خارج کردیم و به پایگاه برگشتیم. موشک باران شهرها شدت پیدا کرده بود و موشک‌های عراق به شهرهای مرکزی کشور نیز می‌رسید. هاشمی رفسنجانی نیز



۶۶

حسن در عملیات خیبر که در جزایر مجنون اجرا شد، برای اینکه بُرد آتش‌های کاتیوشا را به سنگرهای دشمن در جزایر برساند، اقدام به ترکیب سه موتور کاتیوشا با یکدیگر کرد که البته به موفقیت نرسید، اما از همان جا جرقه ایجاد یگان موشکی در ذهنش شکل گرفت.

۹۹

خودمان گروه‌بندی می‌کنیم.

افراد را گروه‌بندی کردیم و هر ۵ نفر را به دو نفر از بچه‌های خودمان سپردیم. آن ۵ نفری را هم که کارشناس مربوطه در آن بود، خودم مسئول اعزامش شدم.

به مرکز درمانی رفتیم. به پزشک مسئول گفتیم این‌ها خانواده‌های شهدای لبنانی هستند که برای بازدید از جبهه‌های جنگ به ایران آمده‌اند. فقط این فردی که خدمت شما می‌رسد، چون با او کار داریم، شما بگویید نیاز به عکس و... دارد تا ما او را به بهانه‌ای از مرکز خارج سازیم. پزشک راضی نشد و گفت اصل ماجرا را به من بگویید تا قبول کنم. هرچه اصرار کردیم فایده نداشت. آخر سر چیزهایی به او گفتیم تا همکاری کرد.

با همکاری پزشک، آن فرد را از مرکز درمانی خارج و سوار بر یک ماشین کردیم و به سوی خیابان کریمخان (مرکز طلافروشی در تهران) بردیم. به آنجا که رسیدیم، به او گفتیم: هرچقدر طلا می‌خواهی بردار. آن فرد متوجه منظور ما شد و گفت: من حاضرم سلاح به دست بگیرم و همراه با رزمندگان شما در جبهه‌های جنگ علیه صدام بجنگم، اما این کار را از من نخواهید. خانواده من در لیبی هستند و اگر سیستم امنیتی قذافی بفهمد که من با شما همکاری کردم، تمام خانواده‌ام را اعدام می‌کند.

گفتیم: هر موشکی که صدام شلیک می‌کند، حدود هفتاد نفر ایرانی کشته و زخمی می‌شوند. خانواده شما که از هفتاد نفر و صد نفر بیشتر نیست؛ آن‌ها هم فدای اسلام. این را که گفتیم، نرم شد. قرآنی در جیب داشت، آن را بیرون آورد و ما را قسم داد که به کسی چیزی نگوییم و از ما هم خواست که چند عدد عکس رادیولوژی و... به او بدهیم تا همکاریش به او مشکوک نشوند. در نهایت گفت: در قرقه پرتاب، یک رشته سیم وصل شده است تا چرخ پرتاب را قرمزنگه دارد و شما را به اشتباه بیاندازد و تصور کنید که برق کافی به سیستم می‌رسد، اما در واقع برق به اندازه کافی نمی‌رسد و پس از فشار دادن شاسی، موشک پرتاب نمی‌شود. بلافاصله با حسن تماس گرفتیم و گفتیم این کارشناس چنین چیزی می‌گوید. حسن گفت: درست است. گفتیم: مطمئنی؟ می‌خواهیم رهاش کنیم. گفت: مطمئنم. بگذارید برود.

او را برگرداندیم و به دوستانش ملحق کردیم. خودمان نیز غروب به غرب کشور بازگشتیم. سکوی پرتاب آماده شده بود و نیروها

مرتب با طهرانی مقدم تماس می‌گرفت و می‌پرسید چه کردید؟ حسن هم می‌گفت مشغول تلاش هستیم، اما هنوز موفق نشده‌ایم. یک روز دم غروب، حسن آقا دیگر خسته شد و حالت ناامیدی در چهره‌اش پدیدار گشت. چغیه‌اش را زیر درخت بلوطی که آن نزدیکی‌ها بود انداخت و روی آن دراز کشید. به او گفتیم: حسن جان! کار ما در چه بخشی متوقف است تا ما کارشناس لیبیایی مربوطه را بیآوریم و به هر طریق ممکن از او کمک بخواهیم. حتی اگر شده او را کتک بزنیم.

حسن گفت: فکر خوبی ست. اما باید با آقای هاشمی تماس بگیریم. ممکن است این کار در مناسبات سیاسی اثر بگذارد. حسن به مرکز مخابرات رفت و با آقای هاشمی تماس گرفت. هاشمی پاسخ داد که شما نگران روابط سیاسی دو کشور نباشید، هر کاری می‌توانید انجام بدهید.

لیبیایی‌ها پس از ترک موضع، به باغی در ونک تهران منتقل شده و تحت مراقبت بودند. آن‌ها پیش از آن در باغی در همدان بودند و هر چیزی که می‌خواستند در اختیارشان بود. بنابراین راهی تهران شدیم و دستور داده شد برای بازگشت، ارتش هواپیمایی در اختیار ما بگذارد. آن زمان تمام پولی که در یگان موشکی سپاه داشتیم، ۷۰۰ هزار تومان بود. حسن این پول را به ما داد و یکی از نیروها را به عنوان مترجم همراه با ما فرستاد. شبانه با یکی از هواپیماهای ارتش عازم تهران شدیم. حدود ساعت دو و نیم بامداد به ونک رسیدیم. دیدیم تعدادی از لیبیایی‌ها بیدار و تعدادی هم خواب هستند.

به رئیس آن‌ها گفتیم به ما دستور داده‌اند تا شما را آماده کنیم و به کشورتان بازگردید. اما برای اینکه از سلامتی شما اطمینان خاطر پیدا کنیم و مطمئن شویم که در این مدت به بیماری مبتلا نشده‌اید، فردا صبح باید تمامی شما آزمایش شوید و پس از دریافت برگه سلامت به کشورتان بازگردید. از او خواستیم تا لیست بدهد و افراد را در گروه‌های ۵ نفره به مرکز درمانی ببریم. لیست گروه اول را که به ما داد، آن فردی که ما می‌خواستیم در آن نبود. از او خواستیم لیست دیگری به ما بدهد. اسم آن فرد در لیست گروه دوم هم نبود. مجدد درخواست دادیم لیست بدهد، در آن لیست هم نبود. دیدیم اینگونه فایده ندارد و به نتیجه نخواهیم رسید. دستور دادیم همه آماده شوند و

در تدارک شلیک موشک بودند. پیش از پرتاب زیارت عاشورایی خوانده شد. نیروها حالت تضرع عجیبی پیدا کرده بودند. موشک در موقعیت جنگی قرار گرفت. شاسی فشار داده شد و سرانجام موشک بلند شد.

شلیک موشک توسط ایرانی‌ها چه واکنش‌هایی در داخل و خارج از کشور به همراه داشت؟

زارع: چند موشک دیگر نیز از سوی ایران پرتاب شد و پاسخ موشکی ایران توانست حملات صدام به شهرها را تا حدودی متوقف سازد، اما برای آن‌ها جای سوال بود که این بار کدام کشور به ایران موشک داده است؟ صدام با فرماندهانش جلسه گذاشته بود و به کتاب قرآن و خاک قسم خورده بود که ایران دیگر موشکی به سوی عراق شلیک نخواهد کرد. خانواده‌های تان در امنیت هستند و پروید با خیال راحت و با تمام قدرت در جبهه‌ها بجنگید. این اطمینان خاطر را شوروی‌ها و آمریکایی‌ها به صدام داده بودند، اما رزمندگان یگان موشکی معادلات آن‌ها را برهم زدند. امام خمینی (ره) پس از مدتی از آقای هاشمی رفسنجانی خواستند تا ما به دیدارشان برویم. نیروها در هر کجا که بودند در روز موعود خود را به حسینی‌ها جماران رسانند تا با امام دیدار کنند، اما آقای هاشمی آمد و گفت که امام شب گذشته به دلیل بیماری قلبی در بیمارستان قلب بستری شد و امکان دیدار با کسی ندارد، اما ایشان به بنده فرمود که به شما سلام برسانم و بگویم کاری که شما کردید معادلات بین شرق و غرب را به هم ریخت.

کار ساخت موشک با استفاده از روش مهندسی معکوس یا سایر روش‌ها از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

زارع: تعدادی از موشک‌ها که از لیبی دریافت شده بود، معیوب بودند. لیبیایی‌ها به ما توصیه کردند این موشک‌ها را دفن کنید. تعداد موشک‌های سالم هم که باقی مانده بود، دوسه موشک بود. حاج حسن به ما گفت دو موشک سالم و موشک‌های معیوب را به همراه تمامی تجهیزات و اسناد و مدارکی که لیبیایی‌ها آوردند، به باغی در شیان ببرید. آن باغ در اختیار جهاد دانشگاهی بود که به مهندسی معکوس در موضوع موشک‌ها می‌پرداخت. در

خصوص دستکاری هم که لیبیایی‌ها در موشک‌ها انجام دادند، همین افراد در باغ شیان منتظر بودند تا موشک‌ها را به آنجا ببریم و آن‌ها به مهندسی معکوس و دمونتاژ موشک‌ها بپردازند. به حاج حسن گفتم: تنها دو موشک سالم برای ما باقی مانده است. چرا موشک‌های سالم را به آنجا ببریم. اما حاج حسن تاکید کرد که حتماً موشک سالم را به آنجا ببریم. در نهایت آن موشک‌ها را سوار بر خودروهای حمل موشک کردیم و به آنجا بردیم.

در کنار موشک‌ها، دوسه جعبه هم بود که تمام اسناد موشکی لیبیایی‌ها در آن قرار داشت. در آن جعبه، اسناد موشک‌هایی هم که در لیبی بود و حدود ۱۸۰ موشک بود و آزمایش‌هایی هم که انجام داده بودند، قرار داشت. آن تمام اسنادشان و کتاب‌های آموزشی که به زبان روسی بود را با خودشان آورده بودند. ما همه آن‌ها را به باغ شیان بردیم.

در مورد موشک‌هایی هم که لیبیایی‌ها گفته بودند دفن کنید، با همفکری امیرعلی حاجی‌زاده، سیدمجید موسوی و حیدری جواد تصمیم گرفتیم «کانابلایز» (قطعه برداری) کنیم؛ یعنی به روش سعی و خطا قطعات را جابجا کردیم تا یک موشک سالم به دست آید. در آزمایش‌ها نیز جواب داد. عمده ایرادات نیز در سیستم هدایت بود.

موشک‌هایی که به این صورت آمده شدند، تیر علی اصغر یک، دوسه نامیده شد. علی بلالی هم که کاتب (نویسنده) ما بود، بر روی موشک‌ها نوشت که "این موشک‌ها به نشانه تیری که بر گلولی حضرت علی اصغر (ع) نشست، به سوی دشمن شلیک خواهد شد. مرگ بر آمریکا، اسرائیل و شوروی." عملیات ساخت موشک در دوران دفاع مقدس اینگونه آغاز شد.

فرماندهی و هدایت یگان موشکی توسط سردار شهید حسن طهرانی مقدم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوری: او در عملیات‌های مختلف بارها تا مرز شهادت پیش رفت، اما خداوند او را ننگه داشت تا ایران اسلامی را موشکی کند. در یکی از عملیات‌ها که وی مسئول یگان توپخانه سپاه بود، سه‌ماهه روزانه هرقبضه توپ دوسه گلوله بود. توپی که در منطقه فقیر مستقر بود، به دلیل شدت درگیری، نیازمند گلوله بیشتر بود. یک ماشین حامل گلوله توپ ارتش که از



آن منطقه عبور می‌کرد، در گل فرو رفت. راننده و همراهان نتوانستند ماشین را از گل خارج کنند، در نتیجه ماشین و گلوله‌ها ماند و آن‌ها رفتند.

نیروهای آن قبضه توپ سپاه که دست به دعا برداشته بودند تا خداوند به آن‌ها کمک کند، وقتی آن ماشین را دیدند، تصور کردند دعایشان مستجاب شده است و خدا برای آن‌ها گلوله فرستاده است. (با خنده) آن گلوله‌ها را برداشتند و هر روز چندین گلوله شلیک کردند.

حسن طهرانی مقدم از وضعیت آن قبضه متعجب شد. سوار بر موتور قرمز رنگش شد و حرکت کرد. مسئول آن قبضه می‌گفت، من دیدم یک موتور قرمز رنگ از دور به سمت ما می‌آید که یک خمپاره در نزدیکی او اصابت کرد و گرد و خاک زیادی به هوا بلند شد. به دوستانی که کنارم بودند، گفتم سریع وسایل را آماده کنید، قطعات بدنش را جمع کنید تا پیکر این موتورسوار را به معراج الشهدای اهواز بفرستیم، اما به یکباره دیدیم آن موتورسوار برخاست، سوار بر موتور شد و به سوی ما آمد. وقتی نزدیک تر شد، دیدیم حسن طهرانی مقدم است.

طهرانی مقدم از ابتدا بر خود کفا شدن در حوزه علمی و به کارگیری موشک تاکید داشت. فرماندهی و هدایت ایشان در امور موشکی یک هدایت الهی بود. نقطه زنی موشک‌ها ثمره تلاش ایشان است. حضرت آقا این درخواست را از حسن طهرانی مقدم مطرح کردند و ایشان به خوبی به آن عمل کردند.

نقش شهید طهرانی مقدم در کنار سردار شهید سلیمانی در پُر کردن دست نیروهای جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی چه بود؟

زارع: در جریان جنگ ۲۲ روزه تمامی کشورهای دنیا از رژیم صهیونیستی پشتیبانی کردند و اسرائیل حملات خود علیه نوار غزه را شدت بخشید. از آن جایی که امکان پشتیبانی تجهیزاتی از جبهه مقاومت در این منطقه وجود نداشت، در هفته آخر نبرد دستخطی از شهید طهرانی مقدم به نیروهای مقاومت در فلسطین رسید که دستورالعمل ساخت راکت‌ها و موشک‌هایی بود که بر سر شهرک نشینان صهیونیست فرود آمد.

امروز توانمندی جبهه مقاومت به جایی رسیده که خود دشمن



66

**شهید طهرانی مقدم
در عرصه‌های مختلف و
فناوری موشکی یک انسان
صاحب نظر بود. مدیر
پژوهشگاه هوافضا از ایشان
درخواست می‌کرد که چند
ساعت برای دانشجویان
دکترای هوافضا کنفرانس
بدهد.**

99



مهمترین ویژگی‌های شخصیتی شهید طهرانی مقدم چه بود؟
نوری: شهید طهرانی مقدم در عرصه‌های مختلف و فناوری موشکی یک انسان صاحب نظر بود. مدیر پژوهشگاه هوافضا از ایشان درخواست می‌کرد که چند ساعت برای دانشجویان دکترای هوافضا کنفرانس بدهد.

روزی شهید طهرانی مقدم به یکی از اساتید دانشگاه گفته بود که بیا و در حوزه فناوری سوخت موشک به ما کمک کن. این استاد دانشگاه به شهید مقدم گفته بود که من مانند شما مذهبی و نمازخوان نیستم. این استاد می‌گفت زمانی که کار با شهید طهرانی مقدم را آغاز کردم، پس از مدتی خودم را بر اثر فعالیت‌های تربیتی شهید طهرانی مقدم در صف اول نماز جماعت دیدم.

شهید طهرانی مقدم تمامی شاخصه‌های لازم برای فرماندهی را داشت و شاید بتوان گفت که ایشان یک فرمانده تمام عیار بود. روزی یکی از نیروهای شیمیایی سوخت موشکی بر اثر بیماری در بیمارستان شهید چمران بستری شد. همسر ایشان تماس گرفت و گفت که حال ایشان خوب نیست لطفاً به دیدار او بیایید. با شهید طهرانی مقدم در حال حرکت به سمت پادگان شهید مدرس بودیم.

طهرانی مقدم به راننده گفت دور بزَن تا به عیادت او برویم. وقتی وارد شدیم، حسن پای ایشان را بوسید. همچنین همسرش گفت ما خودرویی برای پیگیری امور درمانی نداریم. شهید مقدم دستور فوری داد خودرو تهیه شود و تا فردا ظهر تحویل خانواده داده شود. یا اینکه یک بار من ماموریت بودم و همسر من دچار بیماری سختی شد. حسن وقتی باخبر شد، مرتب با منزل ما تماس می‌گرفت و می‌گفت اگر همسرتان نیست، ما هستیم و هر کاری لازم باشد، انجام می‌دهیم و هزینه‌هایش را هم پرداخت می‌کنیم. فعالیت‌هایی که شهید طهرانی مقدم پایه‌گذاری کرد تازه در حال نتیجه دادن است و نتایج آن را مادر اقدار دفاعی کشور و همچنین اقدار دفاعی نیروهای جبهه مقاومت می‌بینیم. امروز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و همچنین نیروهای جبهه مقاومت توانمندی آن را دارند تا به هر تهدیدی قاطعانه پاسخ دهند و این از نتایج تلاش‌های شهید طهرانی مقدم در حوزه فناوری موشکی است.

اعتراف می‌کند اگر بخواید با حزب الله درگیر شود، حزب الله توانایی آن را دارد که روزانه صدها فروند موشک به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک کند. هر جنگی با حزب الله آغاز شود، منجر به نابودی رژیم صهیونیستی می‌شود. این دستاورد نتیجه تلاش شهیدان سلیمانی، طهرانی مقدم و یاران آن هاست.

از روز شهادت سردار طهرانی مقدم و یارانش بگویید.

زارع: شهید طهرانی مقدم کار ساخت سایت فضایی شاهرود را به من سپرده بود. این سایت بزرگترین سایت فضایی خاورمیانه و شاید در کل دنیاست. سایت فضایی آمریکایی‌ها در نوادا و سایت بایکائوروس‌ها در قزاقستان و حتی سایت فضایی چینی هانتینگ‌گوشه‌ای از سایت فضایی مادر سمنان می‌شوند. پس از آنکه کار ساخت این سایت به ۹۵ درصد رسید، بنا شد گزارشی به شهید طهرانی مقدم بدهم. همان روزی که آن اتفاق افتاد با ایشان تماس گرفتم و گفتم که می‌خواهم گزارش پیشرفت کار سایت فضایی را ارائه دهم. ایشان گفتند امروز صبح سوخت ریزی داریم و بعد از ظهر بیا.

بر همین اساس برای ناهار به منزل رفتم. منزل ما در غرب تهران است. زمانی که در حال صرف ناهار بودم به ناگاه صدای مهیبی آمد. هرچه با شهید طهرانی مقدم و همراهان ایشان تماس گرفتم کسی جواب نداد. راهی پادگان شهید مدرس شدم و آنجا بود که فهمیدم دیگر کار از کار گذشته است.

راهیان



۹۰
تغییر به قیمت خون!



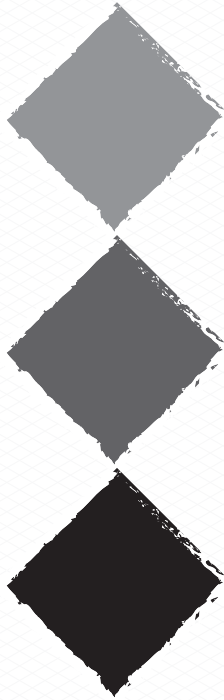
۸۴
اصل ماجرا



۱۰۰
عاشق شهدا بود



۹۴
ایران سوریه نخواهد شد



اصل ماجرا

آزادی در اندیشه اسلامی؛ با نظر به دیدگاه‌های امام خمینی (ره)

اندیشه اسلامی ماحصل تلاش اندیشمندی چون حضرت امام (ره) است که نه تنها اندیشیدند بلکه محصول تفکرات خویش را به اجرا درآوردند. گرچه در این بخش باید به دو ثقل اکبر و اصغر، یعنی کتاب و عترت توسل جست و آزادی را در آن‌ها جستجو کرد ولی اشخاصی چون امام (ره) که فکرشان چکیده و نتیجه توی به اصول حقّه‌ی اسلام است سخنی متفاوت از مبادی و مبانی اسلام نخواهند گفت، بالاخص اینکه در عرفان عملی نیز صاحب مقامات بلندمرتبه‌ای باشد که دست و اعلان کوی حقیقت از جایگاهشان کوتاه است و در بارگاه قدس جایی برای نفس و اندیشه نفسانی نیست تا خودنمایی کند.



پگاه احمدی

آزادی‌ها و دموکراسی حقیقی است» و «اسلام است که برای مایک آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می‌کند.» در حقیقت منبع قانون‌گذاری را شارع مقدس می‌دانند نه انسان‌ها شده از وحی و پیوسته به نفس اماره.

در مقابل روشنفکرانی بودند و هستند که دین و فقه اسلامی را تنها در حوزه فردی موثر می‌دانند، به زعم آن‌ها حوزه‌ی حکومت فقه تنها در حیطه‌ی زندگی فردی مومنین است و نتیجه این سخن اعطای حق قانون‌گذاری به عنوان معین کننده حیطه آزادی به انسان خواهد بود، چرا که تعامل با افراد و اشیاء پیرامون در اجتماع است که شکل می‌گیرد و اگر دین دستورات یا قوانینی درباره حیات اجتماعی بشر نداشته باشد اساساً مبنای قانون‌گذاری دین برای حیات اجتماعی دچار خدشه می‌شود، لذا هیچ تفاوتی را نمی‌توان بین آزادی در نظر اسلام و آزادی در نظر غرب دریافت کرد.

باید از این علمای شبه روشنفکر پرسید که آیا به آنچه که در غرب در حال وقوع است تن می‌دهند؟ و آیا از نظر مبنایی آن‌ها سبک زندگی غربی مورد پذیرش است؟ شاید بگویند ما تنها به دستاورد معرفتی غرب اتکا می‌کنیم و اخلاقیات آن‌ها را مورد ذم می‌دانیم، به عبارتی می‌گویند ما دانش را از ارزش جدا می‌دانیم. در آن صورت برای برقراری روابط اجتماعی باز به علوم و معارف غربی توسل می‌جویند، لذا یک دور و تسلسل بی‌اساس به وجود می‌آید؛ دوستان به علوم و معارف بشری مومن هستند ولی تبعات آن را با استفاده از معارفی که از اسلام کسب کرده‌اند مورد نقد قرار می‌دهند.

آزادی در اسلام

براین اساس روشنفکری دینی نمی‌تواند از ورطه غرب و غربی‌مآبی و تفکر غربی خارج شود و معارف اسلامی خود را که تنها لقلقه‌ای بر زبان است به عنوان زمینه‌ای برای التقاطی به نام روشنفکری دینی به کار می‌برند. یقیناً نتیجه‌ای که از یکپارچه غربی شدن حاصل می‌شود، خیلی قابل تحمل‌تر از نسخه‌ای است که توسط روشنفکران خود کم بین برایمان پیچیده شده است.

آزادی در اسلام خروج از زیر بار استعمار غرب و شرق برای ادای

حاصل اندیشه امام (ره) در رابطه‌ای مستقیم و طولی با معارف حقیقی اسلام قرار دارد و اگر جایی کاستی باشد به هیچ وجه تعارض نخواهد بود. گرچه حدودی از اظهار نظرهای حضرت امام (ره) در حوزه فقه جای می‌گیرد و اینجا پویایی اسلام موجب این خواهد شد که همیشه آن ثباتی که مورد انتظار است دیده نشود، چه اینکه در موضوعی که در طرح اتوبان نواب پیش آمده بود و استفتایی که از ایشان مبنی بر اینکه قرار گرفتن مسجد در وسط طرح مانع ادامه کار شده است، حضرت امام (ره) با بینش اجتماعی خویش، حکمی فقهی صادر می‌کنند که کم سابقه بوده است و طی آن مسجد تخریب می‌شود ولیکن آنچه همواره ثبات خواهد داشت اعتقاد به عقاید حقّه است. امام (ره) درباره مفهوم آزادی می‌فرمایند: «آزادی یک مسئله نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزام‌شان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزام‌تان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آن جا چه شغلی را انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضح است.» گرچه امام تعریفی اثباتی از آزادی ارائه ندادند ولی با تمثیل روشن کرده‌اند که انسان در عقیده و فکر و تصمیم که دارد آزاد است اما چه چیز این بی‌نهایت را محدود می‌کند تا حرص را به قناعت تبدیل کند، اینجا امام می‌فرمایند: «آزادی در حدود قانون است» و «در حدود قواعد و قوانین آزادی هست».

آزادی چیست؟

تصور اینکه امیال و اراده‌ی انسان افسار گسیخته و شهوت‌ران و ملوع آزاد باشد، بدون هیچ قید و بندی جهان غرب را در برابر دیدگان ما می‌آورد، دنیایی که آزادی گرچه محدود به عدم تجاوز به حقوق دیگری است ولیکن مشکل اینجاست که حقوق افراد را خودشان به خودشان اعطا می‌کنند، زن گرچه دارای همسر باشد اما این حق را برای خود قائل است که با دیگری رابطه داشته باشد و همسر او نمی‌تواند معترض شود چرا که او را از حق قانونی خود باز می‌دارد و قانون این اجازه را نمی‌دهد. وقتی امام (ره) می‌گویند: «قانون اسلام مسبب

امانت الهی است، در تفکر اسلامی انسان آزاد آفریده شده است به این معنا که به هیچ کدام از ظواهر این حیات زودگذر و مظاهر آن وابستگی ندارد و تنها خداست که او را زنده کرده است و او را روزی می دهد و از خطرات نگاه می دارد و او را می میراند، هر گونه از وابستگی به هر شدتی که باشد قسمتی از این آزادی را سلب می کند و قوه ای را برای رسیدن به فعلیت مانع می شود، هر نوع وابستگی به امری خارجی که بیرون از وجود او باشد و هر تعلّق و تأثیری منافی با آزادی حقیقی انسان است، امام آنچه را که انسان برای رسیدن به این آزادی حقیقی بود با انقلاب الهی خویش مهیا نمودند چرا که حکومت یکی از زمینه های این آزادی الهی است و به گفته امام (ره): «برای خدا و اسلام داد زدید گفتید ما اسلام را می خواهیم. حکومت اسلام، حکومت اسلامی همین آزادی و استقلال را به شما می دهد منتها شما تشریح کردید مطلب را و الا حکومت اسلامی یعنی آزادی، یعنی استقلال» و خیلی ها در طول تاریخ بوده اند که از این نعمت برخوردار نبودند، امام نقش حاکمیت را در برقراری این آزادی و روش صحیح استفاده از آن را اینگونه بیان نموده اند: «ما

الآن آزاد هستیم، آزادی یک نعمت بزرگ الهی است، آیا در این موقع که آزاد هستیم، ببینیم که از این آزادی آیا سوء استفاده می کنیم یا استفاده مشروع؟ آزادی یک امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرد، آیا این امانتی که خدای تبارک و تعالی به ما داد و ما را آزاد کرد، با این آزادی چه می کنیم؟ آیا آزادی را صرف صلاح ملت و اسلام می کنیم؟ یا آزادی را صرف جهاتی که برخلاف مسیر نهضت و برخلاف رضای خداست؟ الآن ما همه در بوته امتحان گذاشته شدیم، قشرهای ملت - همه - از روحانیون گرفته است تا دانشگاهی، از نیروی هوایی گرفته است تا نیروی زمینی، و تا نیروی دریایی، بازارهای اسلام، سرحدات اسلام، عشایر ایران، همه ما الآن آزادیم و در تحت امتحان. خداوند ما را با این نعمت امتحان خواهد کرد. اگر ما آزادی را در مسیر خودش، برای صلاح ملت، برای صلاح اسلام، در خدمت کشور، از این آزادی استفاده کردیم، از امتحان درست بیرون آمده ایم؛ و اگر خدای نخواست آزادی را صرف کردیم برخلاف مسیر ملت و اسلام، حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم، حالا که آزاد هستیم به زیردستان خودمان ظلم کنیم، حالا که آزاد هستیم برخلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم، هرج و مرج بیا کنیم، چون آزاد هستیم تحت هیچ قاعده نباشیم، تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم، اگر این طور باشد، آزادی را صرف کردیم برخلاف مسیر ملت و برخلاف مسیر اسلام. توجه داشته باشید که از این امتحان آبرومند بیرون بیاییم. اگر من طلبه وقتی آزاد شدم، به رفقای خودم، به زیردست های خودم، به دوستان خودم تعدی کردم، برخلاف مسیر نهضت عمل کردم، برخلاف مسیر ملت عمل کردم، من به این آزادی که خدای تبارک و تعالی داده است خیانت کرده ام. اگر شما برادرهای نظامی من هم حالا که آزادی پیدا کردید بخواهید از این آزادی سوء استفاده کنید، برخلاف مسیر ملت، برخلاف مسیر کشور، عمل نکنید، برخلاف نظامات مقرر عمل نکنید، شما هم مثل من از این امتحان بیرون نیامدید، و خدای نخواست خیانت کردید. امانت خدا را حفظ کنید. به امانت خدا خیانت نکنید. شما آزادید؛ آزادی را صرف کنید در صلاح ملت، در صلاح کشور، و آزادی برای این نیست که هر کس هر

66

آزادی در اسلام خروج از زیر بار
استعمار غرب و شرق برای ادای
امانت الهی است، در تفکر
اسلامی انسان به هیچ کدام
از ظواهر این حیات زودگذر
و مظاهر آن وابستگی ندارد
و تنها خداست که او را زنده
کرده است و او را روزی می دهد
و از خطرات نگاه می دارد و او را
می میراند.

99

و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت های استبدادی و استعماری آغاز می شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می گیریم که همه انسان ها در پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست، بنا بر این با هر چیزی که برابری را در جامعه برهم می زند و امتیازات پوچ و بی محتوا را در جامعه حاکم می سازد باید مبارزه کرد. البته این آغاز مسأله است و بیان یک ناحیه محدود از این اصل و اصول اعتقادی ما که برای توضیح و اثبات هریک از بحث های اسلامی، دانشمندان در طول تاریخ اسلام کتاب ها و رساله های مفصلی نوشته اند.»

بسط تئوری اسلام

در سخنان حضرت امام (ره) و درباره آزادی و استقلال آنچه پیش از انقلاب بیشتر به آن پرداخته می شد به مباحث نظری آزادی در اسلام مربوط می شد، خصوصاً زمانی که حضرت امام (ره) در پاریس رحل اقامت گسترده بودند در مصاحبه با خبرنگاران شبکه های تلویزیونی و روزنامه های غربی نقطه نظرات اسلام را درباره مفهوم آزادی و مشکلاتی که به زعم آن ها برای برقراری آزادی در یک حکومت دینی وجود داشت می پرداختند، این پرداخت ریشه در شرایطی تاریخی داشت و حاصل نگاهی بود که توسط خود آن رسانه ها در غرب به وجود آمده بود. تجربه تلخ غرب از حکومت داری کلیسا به عنوان جایگاهی مذهبی و نگاهی که رسانه های غربی خصوصاً پس از سال ۱۳۴۲ و جنبش مردم به رهبری امام (ره) علیه اصول دینی القاء می کردند، نشان می داد اسلام، علی الخصوص اسلام شیعی دینی واپس گرا، راکد، رادیکال و متحجر است و برای این منظور بحث بر سر آزادی و به چالش کشیدن تئوری های اسلام در این خصوص کافی

کاری می خواهد بکند. قاجاق فروشی بکند، گرانفروشی بکند، سرحدات را به هم بزند، نظام را به هم بزند، جهات مقررات ملی و دولتی و اسلامی را ملاحظه نکند. معنای آزادی این نیست. آزادی در حدود مقررات است. مقررات را باید حفظ کرد.»

حق، قانون، تکلیف

از طرف دیگر آزادی حقیقی که به گفته امام (ره) از بزرگ ترین نعمت های الهی است در کلام ایشان اینگونه تفسیر شده است:

«ریشه و اصل همه آن عقاید - که مهمترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست - اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد، و بنا بر این هیچ انسانی هم حق ندارد انسان های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند. و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته ها و امیال خود تنظیم نماید. و از این اصل ما نیز معتقدیم که قانون گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است. و سعادت و کمال

انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان ها است و بنا بر این بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می کنند قیام کند و خود

قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست که از همه جهت مورد ظلم واقع شده‌اند.» گرچه آن‌ها اصرار می‌ورزیدند که نظام اسلامی قادر نخواهد بود آزادی را به صورتی که در غرب در حال وقوع است پیاده کند ولی امام (ره) با اشاره به تمایزهایی که بین تصور آن‌ها و تصور ایشان از آزادی وجود داشت، جمهوری اسلامی را رژیمی دارای آزادی صریح و کامل می‌دانستند به صورتیکه «در یک رژیم اسلامی، آزادی‌ها صریح و کامل خواهند بود. تنها آزادی‌هایی به ملت داده نخواهد شد که برخلاف مصلحت مردم باشد و به حیثیت فرد لطمه وارد سازد. حمایت عظیمی که ملت از چند ماه پیش، از ما به عمل می‌آورد نشان می‌دهد که مردم به قدر کافی افکار ما را درک کرده و متوجه آینده شده‌اند. همین حمایت، ضمانت‌آباد می‌کند که این ملت - که سعی کردند آن را از مذهب به وسیله و سوسه‌های مادی دور سازند - خوشوقت است که بار دیگر در راه آسمانی قدم نهد و روح واقعی خود را باز یابد. ما با حیف و میل مبارزه خواهیم کرد، ثروت‌هایی را که عده معدودی استفاده جو روده‌اند باز خواهیم گرفت، شرایط زندگی افراد محروم را بهبود خواهیم بخشید، و ملت را در راه شرافت و فداکاری و به سوی ساختمان یک جامعه آزاد و نوین رهبری خواهیم کرد.»

آنچه ما می‌خواهیم

در حقیقت امام (ره) می‌فرمودند: «رژیمی که ما می‌خواهیم، رژیم جمهوری اسلامی است و در اسلام آزادی به طور مطلق است مگر آنچه به حال ملت و کشور مفسده‌ای باشد» و با این سخنان اشاره به این داشتند که آزادی در مکتب ما و مکاتب غربی تنها دارای اشتراکی لفظی است که معنایی به اختلاف زمین و آسمان با هم دارند. غرب پس از دوران ننگین و خفت بار قرون وسطی جهشی در ذهن و عین خویش به وجود آورد و ساختاری را که برای رسیدن به اتلانسیس جدید فرانسویس بیکن در یک حرکت اجتماعی پانصد ساله طرح ریزی کرده بود در لیبرال دموکراسی یافته بود، تا آنجا که بعضی از متفکران ذوق زده پایان تاریخ را اعلام کرده بودند و لیبرالیسم را شریعت کامل برای تحقق آرمان‌های بشر لیبرال

می‌نمود. لذا رهبر کبیر انقلاب خصوصاً در چند روزه اقامتشان در نوفل لوشاتو نظریاتی را که از سال ۱۳۴۲ و در حوزه نجف شروع به شکل دادنشان کرده بودند را مورد دفاع خود قرار داده و شبهاتی را که احتمالاً در راه اجرای آن‌ها پیش می‌آمد برطرف نمودند.

شکل‌گیری آزادی عمل‌گرا

بحث آزادی در حکومت اسلامی، مبنای پاسخگویی امام (ره) بود. امام (ره) در مصاحبه با تلویزیون «رابری» ایتالیا آزادی را به عنوان اساس جمهوری اسلامی معرفی نمودند که: «اساس کاریک جمهوری اسلامی، تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت ما و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد. این اصلاحات با مشارکت کامل همه مردم خواهد بود. و هدفش

66

امام فرمودند «رژیمی که ما می‌خواهیم، رژیم جمهوری اسلامی است و در اسلام آزادی به طور مطلق است مگر آنچه به حال ملت و کشور ضرر داشته باشد و موجب مفسده‌ای باشد» و با این سخنان اشاره به این داشتند که آزادی در مکتب ما و مکاتب غربی تنها دارای اشتراکی لفظی است.

99



بتوانیم قدرت داشته باشیم اسلام را آن طوری که هست در خارج پیاده بکنیم، خواهید دید که هیچ یک از ملل دنیا آن طوری که اسلام آزادی طلب است، نیست. آن قدری که اسلام در صدد این است که طبقه ضعیف را ملاحظه بکند و یک طبقه توحیدی درست بکند دیگران نیستند. آن دموکراسی که در اسلام است در سایر جاها نیست، اسم در سایر جاها هست یعنی هیاهو و سرو صدا هست و تبلیغات هست. همین معنی «دموکراسی» را که اسم می‌برند، از این طرف و آن طرف صدا می‌کنند، در آمریکا هم همین صدا هست و در انگلستان هم همین صدا هست، در شوروی هم همین صداها هست، لکن وقتی که ما ملاحظه می‌کنیم می‌بینیم که همان مسائل دیکتاتوری در همه شان هست! دیکتاتوری در شوروی کمتر از دیکتاتوری در آمریکا نیست و کمتر از دیکتاتوری شاه مانیت. همه دیکتاتورها منتها می‌خواهند توده‌ها را بازی بدهند، این الفاظ را رویش می‌گذارند، این الفاظ فریبنده رویش می‌گذارند برای اینکه مردم را بازی بدهند.»

دموکراسی یک ساختار فلسفی، اقتصادی، سیاسی بود که در ساخت آن علم و تکنولوژی به گونه‌ای که عنايات مطلوب و مورد خواست اتوریته‌های آن را تحقق بخشد، حیات می‌یافتند، پس بی‌جهت نبود که در دهه ۱۹۸۰ و در نقطه‌های قوت لیبرالیسم، اینگونه دلدادگی خود را به آن اظهار کنند، بطوری که وقتی یک روحانی ساده که نه ارتشی دارد و نه سلاحی برمی‌خیزد و جامعه خویش را احیا می‌کند، خبرچین‌های غربی به تکاپو می‌افتند که آقای آیت الله نظر شما درباره آزادی ما چیست؟ حکومتی که می‌خواهید شما تشکیل دهید چگونه مانع آزادی ما نمی‌شود؟ بر سر دموکراسی ما چه می‌آید؟ ... پاسخ امام (ره) آب سردی می‌شود بر پیکر جوش آورده آن‌ها وقتی می‌گویند: «آن دموکراسی که در اسلام هست در سایر جاها نیست.» یعنی شما و عقلا و فیلسوفان و دانشمندان و مردمان تان در طول این سال‌ها بدل آزادی را داشتید، آنچه شما داعیه‌اش را دارید، اصلش پیش ماست. «اگر ما انشاء الله برسیم به اسلام، برسیم به احکام اسلام،



تغییر به قیمت خون!

نگاهی به پروژه جنگ داخلی برای تغییر حکومت سوریه

در شهریور سال جاری (۱۴۰۱) به بهانه درگذشت دختری جوان در حین رسیدگی پلیس امنیت اخلاق به تخلفی که وی مرتکب شده بود ایران به صحنه آشوب و شورش های کورو بعضاً خونین تبدیل شد. نام مهسا امینی ابتدا به شعار علیه حکومت و سیاست های اجتماعی آن مبدل گشت و هشتک های آن در فضای مجازی به گونه ای رکورد شکنی کرد تا دست ارتش سایبری و ربات های خبر سازی در فضای مجازی که توسط طیفی از مخالفان جمهوری اسلامی و حکومت های پشتیبان آن ها شکل گرفته بود نمایان گردد. در ادامه، سیاست های جزئی و کم اهمیتی مانند حجاب بانوان یا نحوه مواجهه با آن به حاشیه رفت و اصل و اساس حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی به چالش کشیده شد.



مهرداد صالحی

از آن، این دانش آموزان بازداشت شدند و این خبر پخش شد که نیروهای امنیتی آنان را به شدت شکنجه کرده‌اند. البته بعدها این خبر زیر سؤال رفت، اما به هر حال این اخبار سبب تظاهرات مردم در حمایت از این دانش آموزان شد.

اعتراضات مردمی پراکنده و برخورد خشن پلیس با معترضان برای مهار اغتشاشات منجر به افزایش اعتراضات و ناآرامی‌ها شد. سپس با ورود عوامل خارجی و دخالت برخی کشورها نظیر عربستان سعودی، قطر و ترکیه با همراهی آمریکا و رژیم صهیونیستی، معادلات علیه حکومت تغییر یافت. از یک سو بخشی از ارتش سوریه در مخالفت با حکومت، از ارتش ملی جدا شد و تحت عنوان ارتش آزاد، به معترضان در شمال سوریه پیوست و رسماً از سوی کشورهای خارجی تجهیز و حمایت شد. هم‌زمان با این گروه، شاخه‌ی سوری جبهه النصره و بعدها گروه تروریستی خلافت اسلامی داعش نیز فعالیت‌های خود را در کنار سایر گروه‌های تروریستی مانند جیش الفتح آغاز کردند و با حمایت‌های خارجی توسعه دادند. این گروه‌ها ابتدا با وعده غلبه بر حکومت بشار اسد و رفع تبعیض و گسترش عدالت و اسلام، حمایت و پشتیبانی مردمی را نیز در مناطقی که اعتراضات شکل گرفته بود و غالباً از اهل سنت بودند به دست آوردند.

با حمایت دولت عربستان بدین‌گونه سوریه صحنه نبرد گروه‌های افراطی و ارتش آزاد با دولت اسد شد و کشتار مردم بی‌گناه و غیرنظامیان، تخریب شهرها و روستاها، جنگ مذهبی و خشونت افراطی سلفی‌های سنی علیه شیعیان و سایر مذاهب غیر سلفی و آواره شدن بسیاری از مردم کشور دستاورد این آشوبگری داخلی و فتنه‌انگیزی خارجی شد.

سوریه‌سازی چه پدیده‌ای است؟

برای درک درست آنچه در سوریه رخ داد باید به سال ۲۰۰۲ بازگردیم؛ زمانی که جان بولتون معاون وقت وزارت امور خارجه آمریکا بود و بعد از حمله آمریکا به عراق گفت: سوریه، لیبی و کوبا نیز از سوی محور شرارت قرار دارند. آمریکا در سال ۲۰۰۴ به بهانه حمایت سوریه از تروریسم، تحریم‌های اقتصادی سنگینی را بر این کشور تحمیل کرد. دو دهه قبل، کشاورزی در سوریه بسیار گسترش یافته بود و حدود ۴۰ درصد از شهروندان سوریه به کشاورزی وابسته

مثل همیشه همه مخالفان و دشمنان جمهوری اسلامی ایران از بازماندگان رژیم پهلوی و سلطنت طلب‌ها و سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی خصوصاً منافقین (مجاهدین خلق) و این بار گروهک کومله و گروهک دموکرات کردستان گرفته تا دولت‌های آمریکایی و اروپایی و مرتجعان عرب، همگی یکصدا به حمایت از آشوب و ویرانگری در ایران به پا خاستند و همان حرف‌های تکراری و همان مواضع خصمانه و البته باز هم همان ناکامی‌های چندباره. در این میان عده‌ای از فعالان بر ضد نظام اسلامی ایران به صراحت اعلام کردند که به دنبال تبدیل ایران به سوریه و جهت دادن اعتراضات ایران به سمت و سویی هستند که اعتراضات سال ۲۰۱۱ در سوریه حرکت داده شد...

سوریه چگونه کشوری است

کشور سوریه از نظر موقعیت جغرافیایی و سیاسی و نیز همسایگی با فلسطین، لبنان و عراق دارای اهمیت زیادی در منطقه است. این کشور با جمعیت نزدیک به ۲۳ میلیون نفر در چند دهه گذشته و از سال ۱۹۶۳ به طور رسمی توسط حزب بعث اداره شده است. پایه‌گذار حزب بعث سوریه فردی به نام میشل عفلق بود که بعدها حافظ اسد میراث‌دار حکومت این حزب شد و پس از او فرزندش بشار این مسئولیت را به عهده گرفت.

نوع حکومت سوریه سکولار است و ترکیب فرهنگی و مذهبی این کشور بسیار متنوع. بیشترین جمعیت را اهل سنت با حدود ۷۴ درصد به خود اختصاص داده‌اند و سپس شیعیان با ۱۳ درصد، مسیحیان با ۱۰ درصد و باقی جمعیت نیز از سایر مذاهب تشکیل یافته است. در سوریه اقوام و قبایل هنوز بافت اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند و عشیره‌ها و سران آن‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای در مدیریت افراد وابسته به خود ایفا می‌کنند. برخی از قبایل وابسته به اردن هستند و در نزدیکی ترکیه و عراق هم اقوام کرد سکونت دارند.

بحران سوریه از مارس ۲۰۱۱ (اسفندماه ۱۳۸۹) آغاز شد، زمانی که گروهی از دانش‌آموزان در شهر درعا با اشاره به موج بیداری اسلامی یا بهار عربی که مدتی بود در کشورهای عربی آغاز شده بود، روی دیوار این شعار را نوشتند «حالا نوبت توست دکتر!». منظور آن‌ها برکناری بشار اسد بود که مدرک دکترای چشم پزشکی دارد. پس

این طرح در سه سطح شامل شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک و روستاها، تشکیلاتی را شامل ۵ شبکه مردمی برنامه ریزی کرده بود:

❑ گروه نخست جوانان بیکار و تحصیلکرده که به صورت غیر متمرکز به هم متصل می شوند.

❑ گروه دوم اراذل و مجرمان که اغلب از نقاط دورافتاده و ترجیحاً غیرسوری هستند.

❑ گروه سوم جوانانی از اقلیت های قومی و مذهبی با تحصیلات کم و سن زیر ۲۲ سال.

❑ گروه چهارم شبکه رسانه ها متعلق به لیبرها و اثرگذاران جامعه که از سوی اروپا (نه آمریکا) تأمین مالی شوند.

❑ گروه پنجم شبکه سرمایه ای که تاجرانک ها و صاحبان شرکت های مستقر در دمشق، حلب و حمص را به هم متصل می کند.

سپس برای افراد عضو در این شبکه ها این گونه برنامه ریزی شد:

❑ آموزش به گروه دوم برای قتل و تیراندازی، آتش زدن اماکن عمومی، نفوذ به ساختمان های امنیتی و بازداشتگاه های پلیس.

❑ تحریک گروه سوم علیه رئیس جمهوری و القای این احساس که اقلیت آنان در معرض خطر نابودی است و متقاعد کردن آنان که اگر چنین احساسی نداشته باشند، خائن هستند و تشویق آنان به اینکه همه چیز را سیاه و سفید ببینند.

❑ سوء استفاده از مهارت های گروه چهارم برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و آموزش به آنان برای استفاده از تلفن ماهواره ای.

❑ سوء استفاده از وحشت گروه پنجم نسبت به از دست رفتن اموال شان، برقراری ارتباط میان تاجرانک ها با مقام های سفارتخانه های اروپایی، برگزاری مهمانی های لوکس با حضور تجار و سپس فیلمبرداری از روابط خصوصی آنان و تهدید به انتشار آن.

❑ ویدئوها و عکس های تهیه شده در اعتراضات باید از لحظاتی باشد که احساسات مذهبی یا اجتماعی افراد را تحریک کند؛ به عنوان مثال حمله به زنان. ویدئوها از نمای نزدیک و حداکثر ۲۰ ثانیه باشد.

❑ اگر شهروندان عادی نسبت به شعارها و اقدامات افراطی اعتراضی کردند، گروهی فریاد بکشند که این ها نیروی امنیتی لباس شخصی در میان مردم هستند.

۲۹ مارس (۹ فروردین) یعنی چند روز پس از آغاز ناآرامی های درعا،

بودند، اما ۵ سال پیش از آغاز بحران سال ۲۰۱۱، سوریه با یکی از بدترین خشکسالی های تاریخ خود مواجه شد و حدود ۸۰ درصد از دام و احشام مردم تلف شدند. سازمان ملل نیز در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد خشکسالی سبب شده ۲ تا ۳ میلیون نفر از مردم سوریه به فقر مطلق دچار شوند. در واقع پیش از آغاز اعتراض ها در درعا که در نهایت به بحران، جنگ داخلی، ورود نظامیان خارجی و گسترش تروریسم در این کشور منجر شد، به صورت پراکنده اعتراض های مردمی علیه وضع اقتصادی ناشی از تحریم های آمریکا و خشکسالی های پدید آمده، در شهرهای مختلف برپا می شد. بنابراین مجموعه عوامل اقتصادی و اجتماعی که بخشی از آن نیز ناشی از سوء مدیریت دولت بود، بدنه ای از مردم ناراضی را در این کشور شکل داده بود. از سوی دیگر، رسانه های سایر کشورهای عربی به ویژه شبکه الجزیره وابسته به قطر، در سوریه مخاطب فراوانی داشت که از همان ابتدا ناآرامی ها را پوشش می داد و اخبار مبالغه آمیز و گمراه کننده علیه دولت بشار اسد منتشر می کرد.

در سال ۲۰۱۱ دانشگاه استنفورد آمریکا گزارش مفصلی منتشر کرد که نشان می داد بندرین سلطان سفیر سابق سعودی در آمریکا با همکاری جفری فلتمن سفیر سابق آمریکا در لبنان، برنامه ای با جزئیات دقیق برای سرنگونی دولت سوریه طراحی کرده اند. طبق این طرح که با بودجه ۲ میلیارد دلاری برنامه ریزی شده بود، قرار شد با سوء استفاده از خواسته مردم سوریه برای آزادی و اصلاحات، انقلابی تمام عیار اجرا شود. به عنوان مثال در جزئیات این طرح آمده است افرادی در میانه ازدحام حضور پیدا کنند و شعارهای تند سردهند. اگر هیچ کس به آنان حمله نکرد و اعتراضی نکرد، عده ای دیگر با برنامه ریزی قبلی به آنان حمله کنند و خوراکی مناسب برای رسانه ها آماده کنند. در هر تجمع که باید در نقاط شلوغ برگزار شود، سه گروه از افراد باید حضور داشته باشند: شعاردهنده ها، تصویربردار و افراد مخفی. شعاردهنده ها باید شعار دهند، افراد مخفی به آنان حمله کنند و تصویربردارها هم تصویر تهیه کنند.

در بخشی از این طرح تفصیلی آمده بود باید شورایی از وزیران، تاجران و مقام های امنیتی تشکیل شود که از سوی آمریکا، فرانسه، عربستان سعودی و مصر به رسمیت شناخته شود.



✚ رسانه‌ها بر این موج سوار شدند و دامنه نارضایتی و اعتراضات را گسترش دادند.

✚ پیش از آنکه دولت بتواند اعتراضات را مهار کند شبه نظامیان و گروه‌های مسلح وارد کارزار اعتراضات شدند و اعتراضات را به خشونت بیشتر و درگیری با نیروهای امنیتی و انتظامی و نظامی کشیدند.

✚ اعتراضات فروخواهید و معترضان به خانه‌هایشان رفتند، اما نیروهای مسلح داخلی و مزدوران مسلح خارجی با رویکرد تعمدی تروریستی و ایجاد وحشت و رعب، جای معترضان را گرفته بودند و در خیابان ماندند.

✚ همچنان برخی مناطق و قبایل فریب تروریست‌ها و حامیان خارجی آن‌ها را می‌خورند و با حکومت می‌جنگیدند تا اینکه تروریست‌ها بر مناطقی مسلط شدند و تیغ آن‌ها قبایل و مردم حامی خود را نیز به زیر گرفت و اعمال خشونت رسمی توسط دولت ساختگی داعش همه مناطق تحت سیطره خود از هرقوم و مذهبی را دربرگرفت.

✚ با راهکارهایی که دولت اندیشید، مقاومت و ایستادگی که حامیان حکومت از خود نشان دادند و کمکی که حکومت از کشورهای دوست و هم‌پیمان خود گرفت بعد از ۷ سال جنگ داخلی، بالاخره بساط گروه‌های تروریستی برچیده شد. ولی مردم سوریه برای یک اعتراض بحق به وضع معیشت و زندگی خود بهای سنگینی را به قیمت خون‌های بر زمین ریخته و سرهای بریده و شهرهای ویران شده پرداخت کردند تا بفهمند به رسانه‌های بیگانه نباید اعتماد کرد.

هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا از خشونت در سوریه ابراز تأسف کرد و ۹ آوریل (۲۰ فروردین) نیز باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا، دولت سوریه را به دلیل برخورد با مخالفان محکوم کرد. به تدریج این دخالت‌ها به اروپا و آسیا و اتحادیه عرب نیز کشیده شد و روزه روز سوریه بیشتر تحت فشار بین المللی قرار گرفت؛ تا جایی که مسئولان آمریکایی و اروپایی و حتی مرتجعان عرب با مداخله‌ای آشکار و گستاخانه در امور سوریه برای برکناری بشار اسد و تغییر حکومت ضرب العجل تعیین می‌کردند و به اسد هشدار می‌دادند که نهایتاً تا سال ۲۰۱۳ فرصت دارد حکومت را به مخالفان خود واگذار کند.

جالب اینکه چند روز بعد از آغاز ناآرامی‌های سوریه، روزنامه واشنگتن پست از ارائه یک کمک مالی مخفیانه از سوی وزارت خارجه آمریکا به مخالفان حکومت سوریه برای راه اندازی شبکه تلویزیونی هم پرده برداشت. این کمک ۱۲ میلیون دلاری از سال ۲۰۰۵ آغاز شده و حداقل تا سپتامبر (شهریور) ۲۰۱۰ ادامه داشته است.

بنابراین، در طرحی که برای سوریه تدوین شده بود:

✚ ابتدا سوزهای برای تحریک احساسات مردم و برانگیختن خشم آنان نسبت به حکومت فراهم شد. (شکنجه دانش آموزان)

✚ سپس دستگاه رسانه‌ای فیک نیوز و خبرساز یا پمپاژ اخبار تحریک کننده اعم از راست و دروغ درباره این حادثه، بر آتش خشم و هیجان مردم دامن زد.

✚ در ادامه، حکومت باناشی‌گری و برخوردی شتابزده، با معترضان برخورد سخت کرد.

✚ مردم خشمگین تر و نارضاضی تر شدند و اعتراض بیشتری کردند.



آشوب و اغتشاش در ایران از کجا آب می خورد؟

در اردیبهشت سال ۱۳۹۶ محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در سفری به آمریکا ضمن یک مصاحبه مفصل با نشریه آمریکایی تایم، ایران را مسبب مشکلات خاورمیانه دانست و سپس عقاید شیعیان را در خصوص ظهور امام زمان (عج) به تمسخر گرفت. او در بخشی از مصاحبه اش مدعی شد: «ایران بزرگ‌ترین خطر منطقه نیست، اما اگر با آن مقابله نشود به بزرگ‌ترین خطر تبدیل می‌شود.» بن سلمان پیش از این نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس آمریکا مشابه همین حرف‌ها را گفته بود. او ادعا کرد: «ایرانی‌ها مسبب اصلی مشکلات خاورمیانه هستند، اما تهدید بزرگی برای عربستان سعودی محسوب نمی‌شوند؛ چرا که ایران در میان پنج اقتصاد بزرگ جهان اسلام نیست.» این جمله بیانگر آن است که عربستان سعودی به مشکلات اقتصادی در ایران نگاهی راهبردی و امیدوارانه در شکست ایران در برابر خود دارد.

ولیعهد سعودی در بخش دیگری از اظهارات خود مدعی شد: «در مورد ارتش هم وضعیت به همین شکل است. ایرانی‌ها در میان پنج ارتش برتر خاورمیانه نیز جای ندارند؛ اما با این حال، آن‌ها از زمان انقلاب ۱۹۷۹ تا امروز دارای‌های این کشور برای توسعه ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند و حتی در آمریکا نیز در حال گسترش ایدئولوژی خود هستند. آن‌ها معتقدند که وقتی این کار را انجام دهند، امام مخفی‌شان از عالم غیب ظهور خواهد کرد تا بر تمام جهان حکومت کند؛ یعنی بر آمریکا، ژاپن و همه جهان. آن‌ها به این مساله اعتقاد دارند و با صدای بلند و آشکار این را می‌گویند.

بن سلمان در سال ۲۰۱۷ در گفتگو با تلویزیون ام‌بی‌سی هم با اشاره به اینکه هیچ نقطه مشترکی میان ایران و عربستان نیست، گفت: «چگونه می‌توان با آنان به تفاهم رسید؟ منطق ایران زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است که آن هم از طریق سیطره بر جهان اسلام محقق می‌شود... ولیعهد سعودی در ادامه مدعی شد: «در قانون اساسی ایران و در وصیت خمینی نوشته شده که مذهب جعفری و شیعه اثنی عشری باید بر جمیع مسلمانان سیطره پیدا کنند... ما می‌دانیم که هدف

اصلی ایران داشتن سروری بر کل مسلمانان است. هدف اصلی نظام ایران رسیدن به قبله مسلمانان است...» او سپس حرف اصلی خود را به زبان آورد که: «ما منتظر نمی‌مانیم که عربستان میدان جنگ شود، بلکه تلاش می‌کنیم نبرد را به درون ایران بکشانیم.»

بن سلمان یک بار دیگر نیز در مصاحبه با شبکه الاخباریه عربستان گفته بود: «ایرانی‌ها معتقدند حضرت مهدی خواهد آمد و باید زمینه را برای آمدن او آماده کنند.»

چند ماه بعد در پی ناآرامی‌های اعتراضی در ایران در زمستان ۱۳۹۶ که به دنبال اعتصاب و اعتراضات صنفی کامیون‌داران و رانندگان حمل و نقل سنگین در ایران شکل گرفت، کاربران سعودی در فضای مجازی با هشتگ #جنگ_رایه_ایران- منتقل می‌کنیم و انتشار ویدئوی محمد بن سلمان در مورد انتقال جنگ به داخل ایران، از اعتراضات داخلی ایران همگام با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها حمایت کردند که نشان می‌داد سخنان بن سلمان چندان هم گزافه‌گویی نبوده و او واقعاً قصد دارد با ایران وارد جنگ شود.

آشوب‌های سال ۱۳۹۸ در ایران که به دنبال افزایش ناگهانی قیمت بنزین شکل گرفت و حمایت‌های گسترده شبکه تلویزیونی بن سلمان با نام ایران اینترنشنال را در پی داشت مؤید این حقیقت گردید که بن سلمان در پس ناسامانی‌ها و ناآرامی‌های داخلی ایران قرار گرفته است.

اما در سال ۱۴۰۱ و پس از فوت دختری جوان با نام مهسا امینی در یکی از ادارات وابسته به نیروی انتظامی ایران، ورود همه‌جانبه شبکه ایران اینترنشنال در آموزش، سازماندهی، حمایت و پشتیبانی از آشوبگران و اغتشاشگران و تخریب‌کنندگان اموال خصوصی و عمومی، بار دیگر اثبات کرد که عربستان سعودی شمشیر را برای ایران از رو بسته است؛ هر چند مدتی پیش از این واقعه، بن سلمان تحت شرایط جدید منطقه و شرایط جدید داخلی ایران ناچار شده بود در مصاحبه‌ای ضمن چرخشی آشکار در مواضع خصمانه قبلی‌اش، از لزوم تعامل و گفتگو با ایران سخن بگوید. اما موقعیتی استثنایی که با فوت مهسا امینی پدید آمد بن سلمان را به طمع انداخت که بار



هدف راه به جنگ داخلی، بی ثباتی و کشتار گسترده بکشاند. یکی از روزنامه نگاران برجسته واشنگتن پست می گوید از ۱۹۸۲ یعنی زمانی که جان بولتون به دولت ریگان پیوست، آمریکا حدود ۳۵۰ تلاش برای مداخله در کشورهای دیگر داشته که در ۱۹۱ مورد آن جان بولتون پست حساسی داشته است؛ بنابراین اذعان این فرد به برنامه ریزی آمریکا برای کودتا در ایران بسیار قابل تأمل است.

سوریه سازی ایران

نگاهی به آنچه در سوریه رخ داد و واکنش سران آمریکا و اروپا در قبال حوادث سوریه، شباهت های بسیاری را در اعتراضات داخلی ایران در سال های ۹۶ و ۹۸ و همچنین اغتشاش های اخیر ۱۴۰۱ آشکار می سازد و در موارد متعددی همین روند در ایران نیز پیاده شده است.

در چند روز اخیر گزارش های متعددی درباره حساب های کاربری جعلی فراوانی منتشر شد که متعلق به پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) هستند و علیه ایران در فضای مجازی نفرت پراکنی می کنند. این گزارش ها با بیان نمونه های فراوان نشان می دهند که چطور از حدود پنج سال پیش، حساب های کاربری جعلی متصل به هوش مصنوعی متعلق به سنتکام (فرماندهی مرکزی آمریکا در غرب آسیا) اطلاعات و اخبار جعلی درباره مسائل داخلی ایران و سیاست خارجی آن منتشر می کنند. در واقع اعتراض ها و نارضایتی ها در ایران از خارج مهندسی و تحریک می شود. ناآرامی های اخیر ایران که در واکنش به فوت مهسا امینی

دیگر بخت خود را برای براندازی نظام اسلامی ایران بیازماید. امارات متحده عربی در این میدان هم پیمان پنهان عربستان و آمریکا و اسرائیل نیز طبق معمول پای اصلی این اغتشاشگری ها و آشوب ها بودند و سپس اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای تندرو اروپایی مانند انگلیس و فرانسه و آلمان هم به این داستان شوم پیوستند.

از عربستان که بگذریم، چند ماه پیش، جان بولتون مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ نیز به برنامه ریزی های آمریکا برای کودتا در ایران به طور رسمی اذعان کرده و به ناتوانی ترامپ در برنامه ریزی مناسب برای کودتا انتقاد کرده بود.

سال ۲۰۰۲ جورج دبلیو بوش رئیس جمهوری وقت آمریکا کشورهای ایران، کره شمالی و عراق را محور شرارت خواند و با این کار به مداخله های احتمالی آینده اش مشروعیت داد. او یک سال بعد به عراق حمله کرد و پس از سقوط حکومت صدام حسین، طی یک سخنرانی اعلام کرد هدف بعدی ما سوریه و سپس ایران خواهد بود.

واشنگتن پست در یادداشتی که در سال ۲۰۱۶ نوشت یکی از روش های موفق آمریکا برای مداخله در کشورهای دیگر، مداخله در انتخابات های آنان است و با این روش تلاش می کند کشور

بازیگری این دسته از افراد بسیار سازمان یافته تر و هدفمندتر از سال های ۹۶ و ۹۸ بود و از یک اظهار نظر ساده فراتر رفته و به مدیریت و حتی رهبر سازی برای توده معترض تبدیل شده بود. کشته سازی یا تلاش برای اینکه خونی ریخته شود و در ادامه آن احساسات و هیجانات غیر قابل کنترل مردم برانگیخته شود از روش هایی است که در تمامی فتنه ها و آشوبگری های ایران مشاهده شده است، اما این بار تلاش برای این توطئه بسیار برجسته و آشکار بود و سعی می شد هر طور شده اسامی و تصاویر افرادی به عنوان قربانیان نظام و نیروهای امنیتی معرفی شوند و با مظلوم نمایی (مثلاً انتخاب دختران نوجوان) بر آن دامن زده شود. جالب اینکه در میان افرادی که مثلاً کشته شده اند هیچ مردی و هیچ فردی در سنین بالا مشاهده نمی شود و همه دختران نوجوان و جوان هستند! این روش اصلی ترین هیزم برای آتش فتنه در سوریه بود و گمان طراحان این فتنه در ایران نیز این بود که ماجرابی که با فوت یک دختر (مهسا امینی) شروع شده بستر و پتانسیل مناسبی برای کشته سازی های بعدی در درون خود دارد.

علاوه بر کشته سازی، ارائه اخبار جعلی و دروغ پردازی های دیگر مانند سرکوب و شکنجه معترضان و بازداشت شدگان، حمله نیروهای نظام به خانه و اموال مردم، برخورد خشن نیروهای امنیتی با معترضان و همراهی این و آن اعم از افراد و نهادهای واقعی و ساختگی با اعتراضات، بخش دیگری از این طراحی است که در سوریه نیز انجام گرفته بود.

گام آخر در این فتنه انگیزی حمایت گسترده آمریکا و اروپا و سران کشورها و سازمان های غربی و برخی نهادهای بین المللی از اعتراضات و برخورد با نظام حاکم بر ایران است که در حوادث سوریه نیز انجام گرفت و تأثیر فراوانی بر افکار عمومی گذاشت. دستپاچگی آمریکا و سپس اروپائیان در وضع تحریم های جدید علیه ایران، و لو تحریم های پوچ و بی ثمری باشند، گواه آن است که این کشورها سعی داشتند تا ناآرامی ها داغ است هم در آتش ناراضی های داخلی علیه کارآمدی نظام بدمند و هم در عرصه بین المللی ایران را منزوی و ناچار به کوتاه آمدن از برخی مواضع خود کنند که البته در هر دو هدف طرفی نیستند و نتیجه ای به دست نیاوردند.

آغاز شد، اگرچه ریشه در ناراضی های مشروع طبقه ای از جامعه ایران دارد، هم زمان تحت تأثیر جنگ روانی و رسانه ای گسترده از سوی رسانه های غربی و سعودی قرار دارد که کار تحریک و هدایت پشت پرده این ناآرامی ها را به عهده دارند. اگرچه در ایران نیز همچون سوریه دلایل مشابهی مانند سوء مدیریت، تحریم های گسترده، خشکسالی های پیایی و مشکلات اقتصادی ناراضیاتی بخش قابل توجهی از مردم را به دنبال داشته است، اما تلاش می شود مسیر این ناراضیاتی ها با سوء استفاده و برنامه ریزی از پیش تعیین شده به سمت ناآرامی های گسترده، آشوب و اغتشاش و تخریب و حتی جنگ داخلی و تغییر حکومت پیش رود.

اما از شباهت های آشکار اغتشاش های اخیر ایران با حوادث سوریه می توان به چند نمونه اصلی اشاره کرد؛ ضمن اینکه برخی فعالان رسانه ای در این آشوب ها خصوصاً گروه های تجزیه طلب بر پروژه سوریه سازی ایران تصریح کردند و از هواداران خود خواستند کارهایی شبیه آنچه معترضان در سوریه انجام دادند انجام دهند که نشان می دهد برای تبدیل حوادث ایران به سوریه برنامه ریزی شده است.

نخست حوادث زاهدان و حمله به نمازگزاران اهل سنت و نیز حمله به پاسگاه پلیس که علاوه بر تفرقه مذهبی و تلاش برای جنگ شیعه و سنی، نمونه بارزی از تجزیه طلبی است. اگر مردم کردستان دست به آشوب و اعتراض بزنند امری طبیعی است؛ زیرا مهسا امینی یکی از شهروندان کرد بوده و احساسات مردم کرد می تواند دستخوش انگیزه های قومیتی و تجزیه طلبانه قرار گیرد. لذا نمی توان آن را لزوماً به خارج کشور ارتباط داد؛ هر چند گروه های کرد تجزیه طلب و مورد حمایت دشمنان ایران به نقش خود در این حوادث تصریح و اذعان کردند. اما سیستان و بلوچستان هیچ ارتباط منطقی با این ماجرا ندارد و مردم بلوچ انگیزه خاصی برای اعتراض و آشوب در ماجرای مهسا امینی ندارند، مگر آنکه گروه های تجزیه طلب و مورد حمایت دشمنان در حوادث زاهدان نقش آفرینی کرده باشند. دوم به جریان انداختن افراد محبوب و سرشناس اجتماعی (اصطلاحاً سلبریتی ها) برای اثرگذاری بر افکار عمومی که در آتش احساسات و هیجانات بدمند. در آشوب های اخیر ایران،

چرا ایران سوریه نمی‌شود؟

ساختار سیاسی و بافتار اجتماعی ایران و سوریه تفاوت‌های عمیقی با یکدیگر دارند که مدل‌سازی سوریه در ایران را ناممکن و یادست‌کم بسیار دشوار می‌سازد. عدم توجه به این تفاوت‌ها نیز حاکی از ضعف بینش و برنامه‌ریزی در جبهه دشمنان جمهوری اسلامی است. در ادامه برخی از این تفاوت‌ها مرور می‌شود.

۱. نظام سیاسی حاکم بر ایران با سوریه تفاوت ماهوی دارد. در ایران ساختار سیاسی بر مبنای اعتقادات اکثریت جامعه و بر اساس میانی فکری و دینی استوار شده است، همه ارکان نظام با مشارکت سیاسی و انتخاب مردم تعیین می‌شوند و در عین جمهوریت، ولایت یک فقیه عادل و مورد اعتماد و مورد علاقه مردم بر سیاست‌های کشور حکمفرماست. در حالی که سوریه یک نظام شبه جمهوری و بر اساس عقاید ناسیونالیسم عربی دارد که میزان مشارکت سیاسی در آن پایین است. حساسیت و تعلق مردم در ایران به نظام سیاسی‌شان بسیار بالاست و هرچه از مرکز کشور دورتر برویم این تعلق بیشتر می‌شود، حال آنکه در سوریه تعلق مردم به نظام سیاسی و سران حکومت

پایین است و هرچه از مرکز کشور دورتر شویم این حساسیت و تعلق کمتر هم می‌شود. البته پس از فتنه سال ۲۰۱۱ و فروکش کردن آن، وضعیت افکار عمومی سوری‌ها نسبت به حکومت و مشارکت و تعلق آنان در قبال نظام سیاسی و شخص رئیس جمهور تفاوت معناداری پیدا کرده است. در کل، مشروعیت نظام سیاسی در ایران از حیث ساختار و محتوا بسیار بالاتر از مشروعیت نظام سیاسی سوریه است.

۲. بافت اجتماعی سوریه سنتی و غالباً قبیله‌ای و عشیره‌ای است، اما بافت اجتماعی ایران در عین برخورداری از اقوام متنوع، بافتی شبه مدرن و فارغ از نظام قبیله‌ای و طایفه‌ای است. بنابراین صرفاً با همراه کردن سران طوایف و عشیره‌ها نمی‌توان بدنه جامعه را با خود همراه ساخت.

۳. گسل شیعه-سنی در ایران فعال نیست و به رغم همه تلاشی که برای تقابل مذاهب اسلامی صورت می‌گیرد شیعه و سنی در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی دارند و تنها بلوچستان تا حد کمی آسیب پذیر است. در سوریه اما این گسل به سرعت فعال شد و با تبلیغات مختصر گروه‌های سلفی و تکفیری، بخش زیادی از اهل سنت در مقابل نظام حاکم که علوی مسلک و شیعه به شمار می‌رود قرار گرفتند.

۴. در سوریه حکومت در دست اقلیت شیعه است و این نوعی احساس تبعیض و ستم‌پذیری را در اکثریت سنی ایجاد می‌کند. در ایران اوضاع برعکس است و حکومت با اکثریت شیعه است و احساس تبعیض مذهبی صرفاً در برخی مناصب و مسئولیت‌های محلی رخ می‌نماید.

۵. گسل‌های قومی در ایران فعال نیست و همه قومیت‌ها خود را متعلق به ملیت واحد می‌دانند. تبلیغات تجزیه طلبانه تاکنون افراد کمی را مجذوب کرده و نارضایتی قومیت‌ها از سطح زندگی و امکانات موجود و حتی احساس تبعیض در توزیع امکانات، معمولاً به درجه‌ای از جدایی طلبی نمی‌رسد. اما در سوریه احساس تعلق قومی و قبیله‌ای بالاست و برعکس، تعلق ملی پایین است و افراد به راحتی منافع ملی را بر منافع قومی ترجیح نمی‌دهند. در واقع، همبستگی و انسجام ملی در سوریه که بخشی جدا شده از امپراطوری عثمانی در قرن اخیر است بسیار پایین‌تر از ایران است که چند هزار سال قدمت

۶۶

گسل‌های قومی در ایران
فعال نیست و همه قومیت‌ها
خود را متعلق به ملیت
واحد می‌دانند. تبلیغات
تجزیه طلبانه تاکنون افراد
کمی را مجذوب کرده و
نارضایتی قومیت‌ها از سطح
زندگی، معمولاً به درجه‌ای از
جدایی طلبی نمی‌رسد.

۹۹

Decoding the Pentagon's online war against Iran

From a click of a button in the US to violence on the streets of Tehran, the latest protests in Iran are being engineered and provoked from outside

By  Kit Klarenberg October 01 2022



ایران چنین شأنی قائل هستند و در امور داخلی و بین المللی خود از ایران کمک می گیرند. ولی در سوریه مردم نه از چنین سطحی از بینش برخوردارند و نه این گونه نقش آفرینی هایی داشته اند و نه خودشان و نه مردم دیگر کشورها چنین شأنی برای سوری ها قائل هستند.

۸. دست آخر اینکه مردم ایران پس از یک و نیم قرن مبارزه برای استقلال و آزادی و بعد از ۴۵ سال حضور مستمر در مبارزات انقلاب اسلامی و حوادث پس از پیروزی آن، نسبت به فتنه انگیزی های سیاسی و اجتماعی از مصونیت بالایی برخوردار شده و به آسانی فریب شرایط ساختگی و تبلیغات رسانه ای را برای تغییر جهت خود نمی خورد و هر دعوتی را برای تغییر وضعیت کشور اجابت نمی کند. حال آنکه مردم سوریه از چنین آزمون هایی گذر نکرده بودند و بایک بار فریب و تحریک، اسیر فتنه شدند و کشور خود را به سوی نابودی سوق دادند. اکنون مردم سوریه پس از یک دوره جنگ داخلی به قدری تجربه کسب کرده اند که می دانند وقتی شرایطی خاص پیش آمد و تبلیغات رسانه ای پشت آن قرار گرفت نباید به آسانی تغییر مسیر دهند. پس طراحان جنگ داخلی یا تجزیه سرزمین یا براندازی حکومت در ایران چگونه انتظار دارند مردم پس از ۴۴ سال فتنه انگیزی آن ها به راحتی تسلیم شرایط ساختگی و موج سازی رسانه ای شوند؟!

تاریخی و هویتی دارد و با همه فرازونشیب ها از یکپارچگی واحدی تحت عنوان «ایران» برخوردار بوده است.

۶. سطح محرومیت و فقر اقتصادی و در پی آن فقر فرهنگی در سوریه به جز مراکز شهرهای بزرگ، بسیار بالاست و شهرهای کوچک و روستاها کاملاً ابتدایی و فاقد امکانات زیست شهری هستند. در حالی که در ایران زیرساخت های رفاهی و امکانات زیست مدرن در سراسر کشور توسعه یافته و مناطق کمی را می توان محروم و بی بهره از امکانات به حساب آورد. ضمن اینکه همین محرومیت ها عمدتاً کلی و مطلق نیست و مربوط به برخی نیازها مثلاً محرومیت از آب شرب مناسب یا محرومیت از مدرسه است.

۷. انقلاب اسلامی در بینش و تحلیل مردم ایران نسبت به حوادث و شرایط پیرامون خود تغییری اساسی ایجاد کرده و ملت ایران را به ملتی پیش رو و اثرگذار بر سرنوشت خود و اثرگذار بر مناسبات جهانی تبدیل کرده است. لذا ایرانیان نه تنها در فتنه ها از سطح بینش و تحلیل قابل قبولی برخوردار هستند و خیلی زود مسیر درست را تشخیص داده و می پیمایند، بلکه کشورهای دیگر از جمله سوریه، عراق و ونزوئلا را از بحران های داخلی نجات داده اند و در مناسبات دیگر کشورها اعم از همسایگان و غیره دخالت مثبت و خیرخواهانه و یاورانه دارند. کشورهای دیگر نیز برای



گفت وگویی سرو با مادر شهید مدافع حرم محمد حسین محمد خانی؛

عاشق شهید ابود

مدافع حرم «محمد حسین محمد خانی» هفت سال پیش در حلب سوریه به شهادت رسید. او یک جوان دهه شصتی تهرانی بود. پدرش از رزمندگان دوران دفاع مقدس بود. خودش نیز از کودکی عضو بسیج محلات شد و در هیأت عزاداری امام حسین (ع) فعالیت داشت.

او خود را سرباز رهبری، مردم و انقلاب اسلامی می دانست. از دوره نوجوانی هر کجا که نیاز به حضورش بود، دریغ نمی کرد و داوطلبانه عازم می شد. دی ماه سال ۸۲ درم زلزله آمد و او به عنوان یک امداد رسان به آنجا رفت. چند بار نیز برای خدمت رسانی به مردم و مستضعفان به مناطق محروم از جمله بشارگرد در استان هرمزگان رفت. محمد حسین بالاخره در سال ۱۳۸۹ وارد سپاه شد و لباس سبزی پاسداری برتن کرد. او مدتی پس از آغاز جنگ سوریه و شورش گروه های تفکیکری در آن کشور، برای دفاع از حرم حضرت زینب (س) و اسلام به سوریه رفت و در شانزدهم آبان ماه سال ۱۳۹۴ در جریان عملیات آزادسازی شهر حلب به شهادت رسید. در ادامه گفت وگویی ماها نامه «سرو» با مادر شهید مدافع حرم «محمد حسین محمد خانی» را می خوانید:



ریحانه جعفری

می گذاشت. احترام خاص و فوق العاده‌ای نیز برای من و پدرش قائل بود.

محمد حسین به ورزش نیز علاقه بسیاری داشت. او از هر فرصت کوتاهی برای ورزش استفاده می کرد. در کودکی با بچه‌ها در هیات و مسجد بازی می کرد و وقتی که بزرگتر شد با همان بچه‌ها ورزش می کرد. او سعی می کرد حرفی نزنند و رفتاری نکنند که کسی ناراحت شود و اگر می فهمید کسی از او دلخور یا ناراحت شده است، با او صحبت می کرد تا کدورتی پیش نیاید. در هر جمع دوستانه و خانوادگی که بود، شادی بخش و انرژی بخش جمع بود و همه او را دوست داشتند.

از چه زمانی به حضور در فعالیت‌های محرومیت‌زدایی، سازندگی و عضویت در سپاه علاقه‌مند شد؟

محمد حسین در سال ۱۳۷۴ و زمانی که ۱۰ ساله بود، عضو بسیج محلات شد. او به سپاه و بسیج علاقه بسیاری داشت. زندگی نامه و خاطرات شهدا را مطالعه می کرد، به آن‌ها علاقه‌مند بود و تلاش می کرد تا مانند آن‌ها زندگی کند. تصاویر شهدا را جمع‌آوری می کرد و سعی داشت از هر کدام خصیصه ارزشمندی بیاموزد. محمد حسین خیلی دوست داشت شهید شود. گاهی وقت‌ها از بیرون که می آمد، در سلام به من می گفت: «سلام بر مادر شهید محمد حسین محمد خانی!» او از کودکی من را آماده رفتن خودش می کرد. به قدری پیش از اسم خودش، عنوان «شهید» آورد تا گوش من به آن آشنا شود. من از سال‌ها پیش با عنوان «شهید محمد حسین محمد خانی» آشنا بودم.

علاقه محمد حسین به شهدا به حدی بود که مدام در اردوهای راهیان نور حضور پیدا می کرد. یکی از بهترین سفرهای او، سفر به شلمچه، اروند، فکه و طلائییه بود. او دوست داشت در بهترین روزهای سال در راهیان نور باشد و از این سفر خیلی لذت می برد.

محمد حسین همچنین نقش مهمی در برگزاری یادواره‌های شهدا داشت. در دوره‌ای که در هیات و مسجد محله بود، در برگزاری یادواره‌ها نقش داشت. بعد هم که به دانشگاه رفت، یادواره شهدا برگزار کرد. یادواره‌هایی که محمد حسین و دوستانش در دانشگاه یزد برگزار کردند، «یادواره‌های عروج»

محمد حسین در چه شرایطی به دنیا آمدند و تربیت شدند؟

آن روزی که پسر من به دنیا آمد، پدرش در جبهه‌های جنگ بود و ۱۵ روز بعد به تهران آمد. محمد حسین دومین فرزند ما بود و علاقه بسیاری به او داشتیم. محمد حسین و خواهرش از کودکی با من و پدرش در مراسم‌های مذهبی، تشییع پیکرهای شهدا، راهپیمایی‌های مناسبتی همچون روز قدس و ۲۲ بهمن و... حضور پیدا می کردند و با حسینی و مسجد اُنس گرفته بودند. محمد حسین در هیئت نفس کشید و بزرگ شد. او را با عشق به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) تربیت کردیم.

ما چون علاقه و ارادت خاصی به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) داریم، نام حسین را برای او انتخاب کردیم که پس از مشورت با بزرگان فامیل و پدر همسر اسمش را گذاشتیم: «محمد حسین».

بیشترین تفریحات محمد حسین در کودکی چه بود و با چه کسانی بیش از همه دوست بود؟

در دهه شصت فضای خانه‌هایی که رزمند داشتند، آغشته به بوی جبهه و جنگ بود. همسر من از دوستان شهیدش می گفت و خاطرات جبهه و جنگ را تعریف می کرد. محمد حسین نیز می شنید و علاقه‌مند بود تا بزرگ شود و از دین و میهنش دفاع کند. او با بالشت‌هایی که در خانه بود، سنگر درست می کرد و با خواهر و عمه‌اش که هم سن و سال خودش بودند، تفنگ بازی می کرد. من را هم به بازی‌هایشان دعوت می کردند و می خواستند تا کمک‌شان کنم. محمد حسین به آغوش من می آمد و می گفت: تیر خوردم و زخمی شدم. او را می بوسیدم و با جفیه‌هایی که در خانه داشتیم، دست و پایش را می بستم.

محمد حسین چند سال بعد و وقتی که بزرگتر شد و به مدرسه رفت، به شعر و ادبیات علاقه‌مند شد. او از نوجوانی شعر می گفت. چند برگ از شعرهایی که محمد حسین سروده و خودش نوشته به جای مانده است، اما متأسفانه بیشتر شعرهایش که در دفتری نوشته بود، مفقود شد. یک شب به مراسم شب شعری می رفت که در مسیر کیفش را زدند و آن دفتر هم به سرقت رفت.

مهمترین ویژگی‌های فردی و رفتاری محمد حسین چه بود؟

محمد حسین خیلی مهربان بود. او به کوچک و بزرگ احترام

که همراه من باشی. اونیز این شرایط را پذیرفت و ازدواج کردند.

واکنش شما به عضویت محمد حسین در سپاه و اعزام به سوریه چه بود؟

از کودکی و نوجوانی اش احساس می کردم که روزی پاسدار شود یا مسیر خطرناکی برای زندگی اش برگزیند. بنابراین از مدت ها پیش آماده بودم. البته خوشحال بودم که پسر من پاسدار انقلاب اسلامی است و عاقبت به خیر می شود، اما هیچ وقت برایش دعا نکردم که شهید شود. نمی خواستم فرزندم شهید شود و هر بار که از شهادت حرف می زد، می گفتم ان شاء الله هزار سال زنده باشی و به اسلام، مردم و نظام جمهوری اسلامی خدمت کنی. اما در سال های آخر احساس کردم که محمد حسین شهید خواهد شد. جنگ سوریه که شروع شد و نیروهای داوطلب عازم آن کشور شدند، هر روز خبر شهادت رزمنده ای می رسید. در هیات ها و مساجد، همسران و مادران شهدا را می دیدم. محمد حسین هم به سوریه رفته بود و نگران بودم.

آخرین بار چه زمانی با یکدیگر صحبت کردید و چه گفتید؟

محمد حسین دو روز قبل از شهادتش تماس گرفت. گفتم: «حسین جان! بیا دلتنگتم.» گفت: چشم مادر جان، به همین زودی ها کارم تمام خواهد شد و ان شاء الله شنبه برمی گردم. اما شنبه پیکرش آمد.

نام داشت که مقام معظم رهبری در یادداشتی از برگزارکنندگان این یادواره ها تقدیر کردند.

در همان ایام پیکرهای مطهر شهدای گمنام را در دانشگاه ها دفن می کردند. برخی از جریان ها در دانشگاه ها مخالف تدفین شهدا بودند. محمد حسین بابت این اتفاق خیلی ناراحت بود و می گفت این مخالفت ها به معنای نادیده گرفتن تلاش های شهدا و ایثارگران و بی مهری به آن هاست. محمد حسین و دوستانش پیگیری های زیادی انجام دادند و موفق شدند، پیکرهای مطهر ۸ شهید گمنام را در دانشگاه یزد به خاک بسپارند.

محمد حسین چه زمانی ازدواج کرد و چگونه با همسرش آشنا شد؟

محمد حسین دانشجوی و حدود ۲۰ سال سن داشت که ازدواج کرد. او با همسرش در دانشگاه یزد آشنا شد. محمد حسین در بسیج دانشجویی مسئولیت داشت و همسرش نیز از نیروهای بسیج آن دانشگاه بود. یکی از چیزهایی که برای محمد حسین خیلی مهم بود، «حجاب» بود. او معیارها و ملاک های دیگری هم داشت که تمامی آن ها را بررسی کرده بود.

خانم «مرجان درعلی» یزدی بود. با همسر من برای خواستگاری به یزد رفتیم. محمد حسین در آن مراسم به خانمش گفت که زندگی با من عادی نیست. هر کجا اسلام و مسلمانان مظلوم و نیاز به یاری داشته باشند، حضور پیدا می کنم. از تو می خواهم

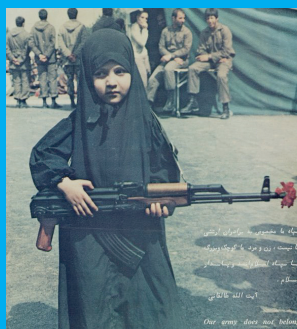


شهید محمد خانی؛ اولین داغ پس شهادت

ترجمان



۱۱۲
جنگ دلار؟



۱۰۴
تصویریک انقلاب



۱۱۷
تنش ژنوا کونومیک آمریکا و عربستان



۱۱۴
آیا روسیه در نبرد اقتصادی
با آمریکا پیروز می شود؟

توضیح نشریه: مطالب بخش ترجمان منعکس کننده بخشی از نگاه رسمی غرب به ایران پس از انقلاب است، نگاهی همراه با حیرت، دشمنی و صداقتی از روی ناچاری، **سرو** با هدف تکمیل زمینه های درگیری تاریخی بین انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، با حفظ ساختار اصلی متن اقدام به انتشار این گونه مطالب کرده است.



بخش هشتم

تصویر یک انقلاب

گرافیک و طراحی پوستر در ایران در دوره های انقلاب اسلامی و جنگ

در مرکز تحقیقات مجموعه های ویژه دانشگاه شیکاگو (University of Chicago's Special Collections Research Center) مجموعه ارزشمندی از پوسترهای طراحان ایرانی در دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نگهداری می شود. دانشگاه شیکاگو در سال ۲۰۱۱ با همکاری موزه هنر دانشگاه ایندیانا اقدام به برپایی نمایشگاهی از این پوسترها نمود که این نمایشگاه هم اکنون نیز به صورت آنلاین در وبسایت کتابخانه دانشگاه شیکاگو در دسترس می باشد. این نمایشگاه حاصل پژوهش های «الیزابت راو» دانشجوی دکترای تاریخ هنر دانشگاه میشیگان است. آنچه می خوانید ترجمه ششمین بخش از مطالب و تصاویر این نمایشگاه است. بخش های پیشین آن در شماره های قبلی نشریه منتشر شده بود.



نویسنده: Elizabeth Rauh

مترجم: مجتبی عبادی فتح

منبع: www.lib.uchicago.edu

زنان و کودکان

با ادامه جنگ، از تمامی اقشار جامعه دعوت شد تا به نحوی در این دفاع شرکت کنند و در این بین، پوسترها نقشی حیاتی در بسیج مردم ایران از جمله زنان و کودکان ایفا می نمودند. پسران نوجوان ایرانی برای پیوستن به بسیج (نیروهای شبه نظامی داوطلب که در کنار ارتش ملی می جنگیدند) اشتیاق فراوانی داشتند و برای حفاظت از وطن و خانواده خود از هیچ فداکاری فروگذار نمی کردند.

هنرمندان ضمن گرامیداشت رشادت های نوجوانان در جنگ، از جان باختن (شهادت) آنان نیز ابراز تاسف می نمودند. زنان نیز هدف دیگر این نوع تبلیغات در جنگ بودند. جمهوری اسلامی زنان را به پیروی از الگوهای اسلامی زنانگی تشویق کرد. یکی از نخستین الگوهای فضیلت زنان در مذهب شیعه، فاطمه (س) دختر پیامبر اسلام (ص) است. حضرت فاطمه (س) که به عنوان نمادی از راستی، صبر، تقوا و به عنوان مادر شهید سرافراز شیعیان امام حسین (ع) مورد احترام است، به عنوان مادری برای همه شهدا در نظر گرفته می شود. به همین دلیل اغلب قبرستان هایی که برای سربازان ایرانی کشته شده در جنگ ایران و عراق ایجاد شده است، به افتخار او نامگذاری شده است.

یکی دیگر از بانوانی که شدیداً مورد احترام جمهوری اسلامی است، زینب (س) نوه پیامبر اسلام (ص) و خواهر امام حسین (ع) است. از او به دلیل سرپیچی شجاعانه از یزید پس از قتل عام خانواده اش در نبرد کربلا، به عنوان نماد شجاعت و مقاومت یاد می شود. او به عنوان یک زن فعال و مبارز، مشوق زنان ایرانی در دوران انقلاب بود. در زمان جنگ نیز در بسیاری از برنامه های هنری جمهوری اسلامی تصویر زینب (س) به عنوان یک زن در حمایت از سربازان مرد منتشر می شد.

ناصریلنگی که از هنرمندان دوران جنگ است، طرح های زیادی از زنان ایرانی را در اوایل حمله عراق به خرمشهر تولید کرد. نبرد کربلا بار دیگر به پارادایم زنده ای تبدیل شد که از طریق آن زنان رزمنده نیز می توانستند از قهرمانان تاریخ شیعه الگو برداری کنند.



مرکز اندیشه و هنر و فرهنگ اسلامی ایران - خوارزمی، خیابان ولیعصر، تهران، ایران P.O. Box 33-1476 Tel. 228857 • ۰۲۱-۸۲۱۱۴۲۱ Fax ۰۲۱-۸۲۱۱۴۲۱

ON THE OCCASION OF
THE WEEK OF WAR

في ذكرى أسبوع الحرب

اینان قهرمانان ما هستند

در جنگ ایران و عراق نوجوانان زیادی به عنوان داوطلبان بسیجی حضور داشتند. در این پوستر که یک سال پس از آغاز جنگ تولید شده است، پسر جوانی در حال مهیا شدن برای پیوستن به بسیج است. نگاه مصمم و استوار او با فریادهای غم انگیز خواهرش در هنگام خروج قریب الوقوع برادرش تضاد دراماتیکی را به وجود آورده است. بازنمایی چنین صحنه‌ای توسط کودکان (که در شرایط عادی می‌بایست در میان بزرگسالان اتفاق بیفتد) نمادی از معصومیت از دست رفته است؛ هم برای این برادر و خواهر جوان، و هم برای جمهوری اسلامی نوپا که تازه از جشن سرنگونی سلطنت پهلوی فارغ شده بود که با حمله ارتش عراق مواجه شد. نوشته روی دیوار سفید پشت بچه‌ها شامل پیام‌های همچون «خدا بزرگترین است» و «به جز الله خدایی نیست» می‌باشد. همچنین نقل‌هایی از سخنان آیت‌الله خمینی در بزرگداشت جوانان بسیجی به تصویر کشیده شده است.

اسلحه در دستان دختر نوجوان

این عکس دختر نوجوانی را نشان می‌دهد که با حجاب کامل اسلحه کلاشینکفی در دست دارد و گلی در دهانه لوله آن قرار گرفته است. تیتروستر نقل قولی از آیت‌الله طالقانی است که می‌گوید: «سپاه ما مخصوص به برادران ارتشی ما نیست؛ زن و مرد ما، کوچک و بزرگ همه و پاسدار اسلام». جمهوری اسلامی همه ایرانیان را تشویق می‌کرد تا در مسئولیت حفاظت از کشور خود سهیم شوند؛ چه از طریق جنگیدن در جبهه‌ها و چه از طریق حمایت از رزمندگان در پشت جبهه‌ها. در حالی که دختر جوان آماده دفاع از میهن خود است، گروهی از سربازان نیز پشت سر او به عنوان نماد آمادگی سربازان ایرانی در جنگ به تصویر کشیده شده‌اند.



سپاه ما مخصوص به برادران ارتشی
ما نیست، زن و مرد ما، کوچک و بزرگ
ما سپاه اسلامیم و پاسدار
اسلام.
آیت الله طالقانی

Our army does not belong
only to our brothers in the
armed forces. Men and women,
young and old in our country
are the members of Islamic
Army, and are guardians of
Islam.

"Ayatollah Taleqani"





■ تمثال سفید رنگ حضرت فاطمه (س)

این پوستریه مناسب روز زن و همزمان با میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر اسلام منتشر شده است. در متن این تصویر آمده است: طلوع فاطمه (ع)، پیشوای راستین زنان مبارک باد. رنگ سفید به عنوان نمادی از پاکی و شهادت، فاطمه (س) را به عنوان «مادر شهدا» در نقش مادر امام حسین (ع) و به تبع آن همه کسانی که در بیعت با جمهوری اسلامی از دنیا می روند، نشان می دهد. تمثال او در هیأت یک بدن بدون چهره به تصویر کشیده شده که زنان را تشویق می کند تا خود را به جای او بگذارند؛ با داشتن ویژگی های برجسته فاطمه (س) که همه زنان ایرانی پس از انقلاب به تقلید از آن تشویق شدند، یعنی تقوا، صبر و اطاعت.



زن و اسلحه

ناصریلنگی هنرمند ایرانی بود که در طول جنگ ایران و عراق سه سال را در خط مقدم سپری کرد و در این مدت شاهد خشونت‌ها و جنایات جنگ بود و آن‌ها را در آثارش ثبت می‌کرد. یکی از ویران‌ترین شهرهای دوران جنگ، خرمشهر بود که در نزدیکی مرز عراق در جنوب استان خوزستان قرار داشت. در اولین حمله بزرگ نیروهای عراقی به این شهر، بسیاری از زنان اسلحه برداشتند و به سربازان پیوستند تا از شهر خود دفاع کنند. پلنگی یکی از این زنان را به تصویر می‌کشد که تفنگ در دست گرفته و به سمت خط مقدم می‌رود. پلنگی که در بحبوحه یکی از خشن‌ترین نبردهای جنگ قرار داشت و از نظر زمان و وسایل طراحی در محدودیت قرار داشت، به سرعت طرح‌هایی از صحنه‌هایی که شاهد آن بود تهیه کرد. خطوط منحنی و روان، حرکت چشم‌گیری را در طرح می‌کنند و چهره تاریک و در عین حال مصمم زن با عزمی تزلزل‌ناپذیر به جلو خیره شده است.



وارثان زینب (س)

تصاویر و عکس‌هایی از زنان ایرانی که سلاح در دست داشتند و یا به اشکال مختلف به رزمندگان کمک می‌کردند، مانند این زن که جعبه مهمات حمل می‌کند، در طول جنگ به کرات تکثیر و پخش می‌شد. عنوان «وارثان زینب» اشاره مستقیمی به تشویق زنان ایرانی برای پیروی از حضرت زینب (س)، نوه حضرت محمد (ص) و خواهر امام حسین (ع) است. زینب (س) پس از دیدن برادر و دیگر اعضای خانواده‌شان که به طرز فجیعی در نبرد کربلا به اسارت لشکر یزید درآمده‌اند، حاضر به تسلیم شدن و سکوت نشد. افشاگری و عزم مثال‌زدنی او الگویی بود که بسیاری از زنان ایرانی در طول جنگ آرزوی رسیدن به آن را داشتند.

دختران جنوب

زنان خرمشهری پس از حمله ارتش عراق به این شهر، همپای مردان با حمل اسلحه به خط مقدم یا ارائه تدارکات و غذا به مجروحان به رغم حملات مستمر دشمن، از شهر دفاع می کردند. در تمام طول جنگ ایران و عراق چهار زن ایرانی به اسارت عراق درآمدند که همگی اهل خرمشهر بودند. پلنگی در این تصویر زنی که از زادگاهش دفاع می کند را به تصویر کشده، با چهره ای که از غیرت شعله ور شده این «دختر جنوبی» خبر می دهد. در این طرح، با شدت بیشتری نسبت به دو طرح قبلی، پیکر زن در نزدیکی لبه های نقاشی محو شده و در منظر شهر ویران شده خرمشهر ناپدید می شود.



(عکس: ۶: دختر جنوب، اثر ناصر پلنگی، سال ۱۳۸۰)

پیوند به مطلب

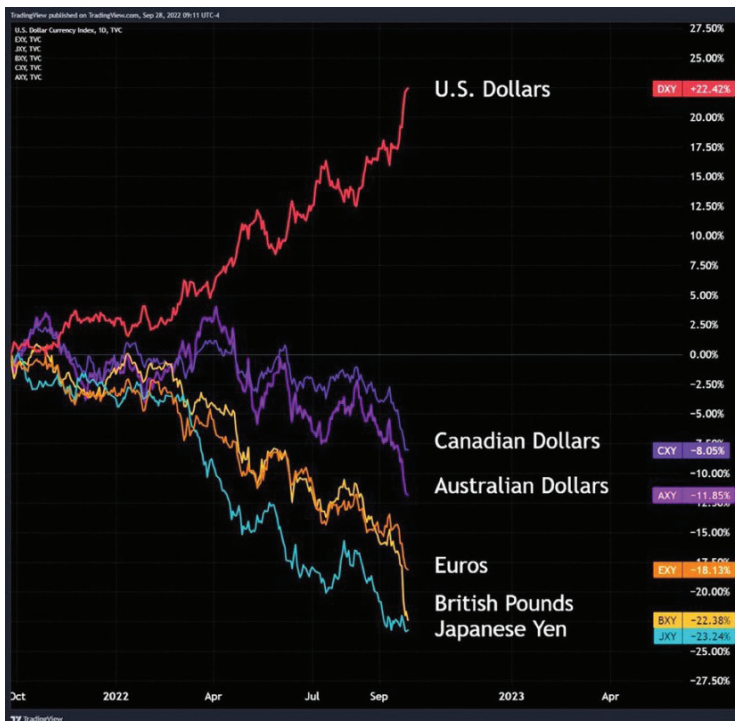




جنگ دلار؟

روایتی از پشت پرده صعود دلار

رهبرانقلاب در دیدار روز ۲۸ تیر امسال خویش با رئیس جمهوری روسیه به موضوع خروج دلار از معاملات اشاره کردند. ایشان هوشیاری در مقابل فریبکاری غرب را ضروری خواندند و خطاب به پوتین گفتند که «آمریکایی‌ها هم زورگو هستند و هم حيله‌گر، و یکی از عوامل فروپاشی شوروی سابق فریب خوردن در مقابل سیاست‌های آمریکا بود، البته روسیه در دوره جناب‌عالی استقلال خود را حفظ کرده است.» در ادامه ایشان به موضوع مهمی اشاره کردند که در ماه‌های اخیر شاهد استفاده آن در ادبیات دولت آمریکا و در عمل بوده ایم. رهبرانقلاب همچنین با تأیید سیاست جایگزینی پول‌های ملی در روابط دو کشور و استفاده از ارزهای دیگر به جای دلار، گفتند «دلار را باید به تدریج از مسیر معاملات جهانی خارج کرد و این کار به صورت تدریجی، ممکن است». در همین خصوص و بسایر اقتصادی مدیوم، در یادداشت کوتاهی تحت عنوان جنگ دلار، به داستان اخیر پشت صعود دلار در ماه گذشته اشاره کرده است و روایتی جدید ارائه داده است که در ادامه ترجمه آن تقدیم می‌شود.



چند ماه گذشته برای همه پول های رایج جهان به جز دلار (USD) وحشتناک بوده است. ارزش دلار در برابر همه ارزها در سرتاسر جهان افزایش یافته است. دلار همچنان برای ثروتمندان عزیز و برای فقراستودنی است. از آوریل سال ۲۰۲۲، دلار آمریکا با فاصله زیادی از ارزهای پیشرفته ترین اقتصادها پیشی گرفته است. دلار، در حال از بین بردن یورو، دلار استرالیا و کانادا، ین ژاپن و در نهایت پوند انگلیس است، به نمودار بنگرید. چرا و چگونه این امکان ایجاد شده است؟

چرا؟

برای ذخیره دلار فراهم می کند، زیرا نرخ بهره بدون ریسک بالاتر است، به عبارت دیگر، به جای خرج کردن یا قرض دادن، پول نقد این ارز ذخیره را در دست نگه می دارد. این امر باعث افزایش تقاضا برای دلار می شود.

موقعیت

دلار که وضعیت ارز ذخیره ای دارد به فدرال رزرو اجازه می دهد تا چنین اقدامات شدیدی را انجام دهد که تأثیرات موجی بر سایر کشورها دارد. برای مبارزه با تورم، بانک های مرکزی فکر می کنند که نرخ های بالاتر به طور کلی وام دهی را کند می کند و تقاضای مصرف کننده را کاهش می دهد که باعث سقوط قیمت ها و کاهش تورم می شود. با این حال منحصر به ایالات متحده است که این اقدام با تقویت دلار همراه است. داشتن وضعیت ذخیره، امتیازی است که دیگران حسرت آن را می خورند. ایالات متحده این وضعیت را ارج می نهد حتی اگر سازمان ملل علاقه ای به نرخ های بالاتر نداشته باشد.

دلار آمریکا ارز ذخیره جهانی است. این پول رایج ایالات متحده است؛ اما یک مشکل جهانی است. کشورها با یکدیگر به دلار تبادل تجاری می کنند، اما مهم تر از آن، آن ها به دلار آمریکا نیاز دارند تا از شوک های عرضه که از بیرون ناشی می شود محافظت کنند. کشورها و کسب و کارهای جهانی نیاز به داشتن پول تجارت بین المللی دارند که ۱. به طور گسترده قابل قبول است و ۲. به سرعت قابل تسویه شود. این در زمان آشفتگی جهانی به یک مزیت تبدیل می شود. دلار دارای وضعیت ارز ذخیره جهانی است و با وجود اینکه ایالات متحده بدهی زیادی دارد، تقاضا برای دلار بسیار زیاد است. این به این دلیل است که دلار ذخیره جهانی است، با توجه به این واقعیت که دلار از سال ۱۹۷۱ به یک ارز (FIAT) تبدیل شد، جذاب تر می شود. نمودار زیر رشد بدهی ایالات متحده را از سال ۱۹۷۱ نشان می دهد و با این وجود دلار می تواند در برابر اکثر ارزها افزایش یابد. ۲۰ درصد در کمتر از سه ماه. اصلا این چطور ممکن است؟

چطور؟

تورم در سرتاسر جهان در سال گذشته بیداد کرده است. این امر بانک مرکزی ایالات متحده (فدرال رزرو) را بر آن داشته است تا نرخ بهره را افزایش دهد. این امر به طور موثری به دست آوردن دلار را دشوارتر می کند. علاوه بر این، تمایل بیشتری را



پیوند به مطلب



آیا روسیه در نبرد اقتصادی با آمریکا پیروزمی شود؟

چندی پیش لری البوت از اقتصادی نویس های روزنامه گاردین مطلبی با عنوان «روسیه در جنگ اقتصادی پیروزمی شود و پوتین به خروج نیروها نینزدیک تر نیست» نوشت که به واسطه اهمیت آن در تحلیل ابزارهای اقتصادی جنگ، که در ادبیات و گفتار رهبر انقلاب روایت شده است، ترجمه آن تقدیم حضور می شود. رهبرانقلاب اسلامی در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی (۱۱ بهمن ۱۴۰۰) فرمودند: «اقتصاد کشور ما در سال ۹۰ دچار یک جنگ بسیار مهم و بزرگی بود؛ یعنی ما جنگ اقتصادی داشتیم. کسی که نقطه‌ی مقابل ما قرار داشت، عمدتاً دولت آمریکا بود و بعضی از همراهانش در اروپا و در نقاط دیگر؛ رسماً اینها با جمهوری اسلامی جنگ شروع کردند، اعلان جنگ هم کردند که البته از سال ۹۷ این معارضة و مبارزه از طرف دشمن شدیدتر شد. هدف آن‌ها از این جنگ، فروپاشی اقتصاد ایران بود؛ قصدشان این بود. البته حالا فروپاشی اقتصادی یک مقدمه بود برای اینکه با نابود کردن اقتصاد ایران، مردم را در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار بدهند و مقاصد سیاسی خباثت آمیز خودشان را از این طریق عملی کنند؛ هدف دشمن این بود».

اکنون [در آن زمان] چند ماه از آغاز جنگ اقتصادی غرب علیه روسیه می‌گذرد و طبق برنامه پیش نمی‌رود. برعکس اوضاع خیلی بد پیش می‌رود. تحریم‌ها علیه ولادیمیر پوتین نه به این دلیل اعمال شد که بهترین گزینه بوده است، بلکه به این دلیل بوده است که بهتر از دو روش دیگر در دسترس غرب بوده است: یا انجام هیچ کاری، یا دخالت نظامی.

نخستین مجموعه اقتصادی بلافاصله بعد از تهاجم ارائه شد، زمانی که تصور می‌شد اوکراین ظرف چند روز تسلیم خواهد شد. این اتفاق نیفتاد و در نتیجه تحریم‌ها - در حالی که هنوز کامل نیستند - به تدریج تشدید شدند. با این حال، هیچ نماد و نشانه فوری در خصوص خروج روسیه از اوکراین وجود ندارد و این به شدت تعجب آوراست، چرا که تحریم‌ها تأثیر نامطلوبی بر افزایش هزینه صادرات نفت و گاز روسیه، افزایش شدید ترافیک تجاری و تامین مالی تلاش‌های جنگی این کشور داشته است. در چهار ماه نخست سال ۲۰۲۲ پوتین می‌تواند به ما زارد حساب جاری ۹۶ میلیارد دلاری (۷۶ میلیارد پوند) افتخار کند؛ که بیش از سه برابر رقم مشابه در سال ۲۰۲۱ است. هنگامی که اتحادیه اروپا ممنوعیت نسبی صادرات نفت روسیه را در اوایل ژوئن اعلام کرد، هزینه نفت خام در بازارهای جهانی افزایش یافت و باعث شد کرملین با سود مالی با دأورده دیگری روبرو شود. روسیه برای یافتن بازارهای جایگزین برای انرژی خود، مشکلی ندارد و صادرات نفت و گاز به چین در آوریل به بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

این به این معنا نیست که تحریم‌ها برای روسیه بی‌دردس هستند. صندوق بین‌المللی پول تخمین می‌زند که با سقوط واردات از غرب، اقتصاد امسال ۸٫۵ درصد کاهش خواهد یافت. روسیه دارای ذخایر کالاهای ضروری برای حفظ اقتصاد خود است، با این حال با گذشت زمان این کالاهای تمام خواهد رسید. با این حال اروپا به تدریج وابستگی خود به انرژی روسیه را قطع می‌کند و بنابراین از یک بحران مالی فوری برای پوتین جلوگیری شد. روبل - به لطف کنترل سرمایه و مازاد تجاری سالم - قوی است. کرملین زمان دارد تا منابع جایگزین قطعات یدکی و قطعات را از کشورهایی که مایل به دورزدن تحریم‌های غرب هستند، تهیه کند. زمانی که محرک‌ها و تکان دهنده‌های جهانی در

ژوئن در اجلاس داووس گرد هم آمدند، پیام عمومی حکومتیت تجاوز روسیه و تعهد مجدد برای ایستادن در کنار اوکراین را به روسیه مخابره کردند. با این حال به صورت خصوصی، نگرانی در خصوص هزینه‌های اقتصادی یک جنگ طولانی مدت وجود داشته است. این نگرانی‌ها کاملاً موجه است، تهاجم روسیه به اوکراین به فشارهای قیمتی که قبلاً تشدید شده بود، قوت بیشتری بخشیده است. نرخ تورم سالانه بریتانیا ۹ درصد است - بالاترین میزان در ۴۰ سال گذشته - قیمت بنزین به بالاترین میزان خود رسیده و انتظار می‌رود سقف قیمت انرژی در ماه اکتبر ۷۰-۸۰۰ پوند افزایش یابد. آخرین بسته حمایتی ریشی سوناک (Rishi Sunak) برای مقابله با بحران هزینه زندگی، سومین بسته حمایتی در چهار ماه گذشته بود و در اواخر سال آینده بسته‌های بیشتری ارائه خواهد شد.

در نتیجه جنگ، اقتصادهای غربی با دوره‌ای از رشد آهسته یا منفی و تورم فزاینده رو به رو هستند - بازگشت به رکود تورمی دهه ۱۹۷۰. بانک‌های مرکزی - از جمله بانک مرکزی انگلستان - احساس می‌کنند که باید با افزایش نرخ‌های بهره به تورم تقریباً دورقمی پاسخ دهند. قرار است بیکاری افزایش یابد. سایر کشورهای اروپایی با همین مشکلات مواجه هستند، اگر نه بیشتر، چون بیشتر آن‌ها بیش از انگلیس به گاز روسیه وابسته هستند.

مشکلاتی که کشورهای فقیرتر جهان با آن رو به رو هستند از درجه متفاوتی برخوردار است. برای برخی از آن‌ها مسئله رکود تورمی نیست، بلکه در نتیجه مسدود شدن ذخایر گندم از بنادر دریای سیاه اوکراین گرسنگی نیز مطرح است. همان‌طور که دیوید بیزلی (David Beasley) مدیر اجرایی برنامه جهانی غذا می‌گوید: «در حال حاضر، سیل‌های غلات اوکراین پراست. در همان زمان، ۴۴ میلیون نفر در سراسر جهان به سمت گرسنگی حرکت می‌کنند».

در هر سازمان چند جانبه - صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و سازمان ملل متحد - ترس از یک فاجعه انسانی در حال افزایش است. وضعیت ساده است: مگر اینکه کشورهای در حال توسعه خودشان صادرکننده انرژی



لری الیوت (Larry Elliott): سردبیر اقتصاد در روزنامه گاردین

امید این است که فناوری نظامی مدرن ایالات متحده به چیزی برسد که ممنوعیت‌های انرژی و مصادره‌داری‌های روسیه تاکنون نتوانسته است آن را انجام دهد؛ به عبارتی نتوانسته است پوتین را مجبور به خروج نیروهای خود از اوکراین کند. شکست کامل پوتین در میدان نبرد یکی از راه‌هایی است که می‌تواند جنگ را به پایان برساند، با این حال به نظر می‌رسد که اوضاع چندان محتمل نیست. نتایج احتمالی دیگری نیز وجود دارد. یکی این است که محاصره اقتصادی در نهایت نتیجه بخش است و تحریم‌های شدیدتر، روسیه را مجبور به عقب نشینی می‌کند. یک نتیجه دیگر این است که توافقاتی شکل می‌گیرد. پوتین بدون قید و شرط تسلیم نمی‌شود و احتمال آسیب‌های جانبی شدید ناشی از جنگ اقتصادی آشکار است؛ کاهش استانداردهای زندگی کشورهای در حال توسعه؛ قحطی، شورش‌های غذایی و بحران بدهی در کشورهای در حال توسعه از جمله دیگر نتایج است.

جنايات مرتكب شده توسط سربازان روسی به این معنا است که در حال حاضر به سختی می‌توان به سازش گرمین دست یافت، با این حال واقعیت اقتصادی تنها یک چیز را نشان می‌دهد: دیر یا زود توافقی منعقد خواهد شد.

پیوند به مطلب



باشند، با یک ضربه سه گانه مواجه می‌شوند که در آن بحران سوخت و غذا باعث ایجاد بحران‌های مالی می‌شود. دولت‌ها در مواجهه با انتخاب تغذیه جمعیت خوشان یا پرداخت بدهی به طلبکاران بین‌المللی خوشان، گزینه نخست را انتخاب می‌کنند. سریلانکا نخستین کشوری بود که پس از تهاجم روسیه، بدهی‌های خود را وصول نکرد، با این حال بعید است که آخرین کشور نیز باشد. به نظر می‌رسد جهان بیش از هر زمان دیگری از دهه ۱۹۹۰ به این سو به یک بحران بدهی تمام عیار نزدیک شده است.

پوتین به درستی به علت «سلاح» وار کردن غذا محکوم شده است، با این حال تمایل وی به انجام این کار نباید تعجب برانگیز باشد. رئیس‌جمهور روسیه از ابتدا بازی طولانی‌ای را شروع کرده و منتظر تجزیه ائتلاف بین‌المللی است که علیه او شکل گرفته است. گرمین تصور می‌کند که آستانه درد اقتصادی روسیه بالاتر از غرب است و احتمالاً در این مورد صحیح فکر می‌کند.

اگر شواهدی نیاز بود مبنی بر اینکه تحریم‌ها کارساز نیستند، تصمیم رئیس‌جمهور ایالات متحده جو بایدن برای تامین سیستم‌های موشکی پیشرفته اوکراین آن را فراهم کرده است.



تنش ژئواکونومیک آمریکا و عربستان

چرا عربستان سعودی درخواست های بایدن برای نفت بیشتر را رد کرد؟

جنگ اقتصادی آمریکا علیه روسیه به قدری از اهمیت برخوردار بوده است که تصور ایالات متحده نسبت به عربستان سعودی به عنوان «گاوشیرده» رانیز تحت تاثیر قرار داده است. عربستان سعودی همواره به عنوان شریک راهبردی ایالات متحده در ۷۰ سال گذشته مطرح بوده است، با این حال همان طور که رهبر معظم انقلاب بارها اشاره کرده اند، و به طور خاص در ۷ خرداد سال ۱۳۹۶ گفتند که «آل سعود، گاوشیرده آمریکا است»، عربستان سعودی امنیت خود را در گرو امتیاز دادن به آمریکا بوده است. مطلب اخیر بلومبرگ که پرده از تنش اخیر ایالات متحده و عربستان برمی دارد، نشان دهنده شروع تنش اقتصادی با ماهیتی اکونومیک در روابط بین آمریکا و عربستان است؛ موضوعی که به تعبیر بلومبرگ در ۷۰ سال گذشته سابقه نداشته است و مشخص نیست که عاقبت این نبرد اقتصادی که با بهانه روسیه نیز سر برآورده است، به کجا منتهی می شود، با این حال جلوه ای تازه از مناسبات بین المللی است، آن جایی که محمد بن سلمان درخواست های بایدن برای عرضه نفت بیشتری به بازار برای کنترل قیمت نفت را رد کرد و در صحنه شطرنج بین المللی، مهره مهمی در خدمت روسیه قرار گرفت.



نویسنده: Sylvia Westall

مترجم: آریا فارسی

منبع: [Bloomberg.com](https://www.bloomberg.com)

می‌گفتند ماهیت مشارکت واشنگتن و ریاض اساساً تغییر کرده است. آن‌ها گفتند اتحاد نامتوازن شده است. تلاش‌های آمریکا برای احیای توافق هسته‌ای با ایران، دشمن منطقه‌ای ریاض، درگیری عربستان سعودی در جنگ یمن، و آن‌چه کشورهای خلیج فارس به عنوان عدم حمایت واشنگتن در برابر حملات نیروهای نیابتی مورد حمایت ایران تلقی می‌کنند، همگی به تنش‌ها و اختلافات فزاینده در نگرش‌ها منتهی شده‌اند.

به‌طور خصوصی، مقامات خلیج فارس از مدت‌ها قبل از تلاش‌های ایالات متحده برای قلدردی آن‌ها به سمت مواضع سیاسی خاص شکایت کرده‌اند. به گفته یکی از افراد آشنا به مذاکرات داخل اوپک پلاس که خواسته نامش فاش نشود، مقامات آمریکایی دیر متوجه شده‌اند که ارباب کارساز نیست و واشنگتن باید با نظم جدیدی بر اساس منافع متقابل گام بردارد.

نفوذ عربستان

شاهزاده محمد بن سلمان ۳۷ ساله ماموریت دارد تا عربستان سعودی را به عنوان یک بازیگر اصلی معرفی کند و از میلیاردها دلاری که اکنون از نفت به دست می‌آورد استفاده کند تا آن را برای تبدیل شدن به یک قدرت قرن بیست و یکمی آماده کند. چهار سال پس از قتل روزنامه‌نگاری به نام جمال خاشقچی که منجر به طرد شدن شاهزاده از جمع هم‌تایان بین‌المللی‌اش شد، نشانه‌هایی وجود دارد که اعتماد به نفس و جاه‌طلبی وی کاهش نیافته است. ماه گذشته عربستان در اقدامی غیرطبیعی اعلام کرد که شاهزاده به مبادله زندانیان بین روسیه و اوکراین کمک کرده است و به عنوان یک رهبر مورد انتظار و میانجی بین‌المللی خود را معرفی کرد.

در عربستان نیز نقش اضافی رئیس‌الوزرا که به وسیله پدرش به وی واگذار شده است رسماً وی را رئیس دولت کرده است. این اقدامی است که وکلای وی معتقدند باید از او در برابر پرونده‌های حقوقی ایالات متحده مرتبط با خاشقچی نیز مورد محافظت قرار گیرد.

با تشدید مشکلات انرژی پس از تهاجم روسیه به اوکراین،

ایالات متحده عربستان سعودی را متهم کرده است که پس از رهبری براوپک پلاس در تصمیمی شوکه‌کننده برای کاهش تولید نفت خام و بالا نگه داشتن قیمت نفت در زمان نگرانی جهانی از تورم، از روسیه حمایت می‌کند. جهان اصرار دارد که این تصمیم مربوط به اقتصاد بوده است و نه مربوط به سیاست.

این اقدام یک لحظه مهم در اتحاد بیش از ۷۰ ساله عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا است. کاهش تولید کمتر از سه ماه پس از سفر جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان صورت گرفت تا به دنبال تولید بیشتر برای کمک به کاهش قیمت‌ها باشد.

نفت در برابر امنیت

زیربنای روابط بین سلطنت‌های خاورمیانه و ابر قدرت غربی این است که ایالات متحده در ازای تأمین قابل اعتماد نفت، از پادشاهی حمایت نظامی می‌کند. اما حتی پیش از اینکه بایدن در ماه جولای به جده سفر کند، مقامات سعودی

66

مقامات ایالات متحده سعی

می‌کنند تا تلاش‌های خود

را برای تنبیه روسیه در برابر

پس‌لرزه‌های توری ناشی

از این اقدام متعادل کنند و

میل فوری خود برای دریافت

نفت بیشتر از اوپک را در مقابل

نارضایتی فزاینده از یک کارتل

غیرهمکار متعادل کنند.

99

درگیری های منطقه ای از سوریه تا لیبی ایفا می کند، متعادل می کنند. مهم این است که روسیه نیز در مذاکرات با ایران مشارکت دارد و برخلاف آمریکا، از عربستان سعودی در زمینه حقوق بشر انتقاد نمی کند.

عربستان سعودی و متحدان منطقه ای آن به تحریم های علیه مسکو به دلیل حمله به اوکراین نبیوسته اند و به طور خصوصی مقامات می گویند که انزوای کامل روسیه می تواند نتیجه عکسی داشته باشد. آن ها همچنین به تلاش های ایالات متحده برای مجازات روسیه با ابزارهایی همچون سقف قیمت در صادرات انرژی خود مشکوک هستند، اقداماتی که عملاق قدرت خرید و قیمت گذاری را به خریداران انرژی از فروشندگان منتقل می کند.

در همین حال، مقامات ایالات متحده سعی می کنند تا تلاش های خود را برای تنبیه روسیه در برابر پس لرزه های تورمی ناشی از این اقدام متعادل کنند و میل فوری خود برای دریافت نفت بیشتر از اوپک را در مقابل نارضایتی فزاینده از یک کارتل غیرهمکار که در منافع ایالات متحده مشترک نیستند، متعادل می کنند.

در پی آخرین کاهش تولید، بیانیه کاخ سفید خواستار «ابزارهای اضافی برای کاهش کنترل اوپک بر قیمت گذاری انرژی» شد. این تصمیم همچنین یادآور این بود که چرا ایالات متحده باید فوراً اتکای خود به منابع خارجی سوخت های فسیلی را کاهش دهد.

پیوند به مطلب



رهبران دیگر به آغوش وی بازگشته اند. جدای از بایدن، ولیعهد امسال میزبان رهبران فرانسه، بریتانیا و آلمان در عربستان بوده است. وی با احتیاط در حال اصلاح روابط با رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه است که به دنبال سرمایه گذاری از اقتصادی است که در مسیر تبدیل شدن به یکی از سریع ترین اقتصادهای گروه ۲۰ قرار دارد.

اقتصاد

عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی، گفت که تصمیم اوپک پلاس بر اساس اصول بازار انجام شده است و این گروه باید در یک دوره نوسان شدید بازار فعال باشد. هیثم الغیس، دبیر کل این سازمان در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی دولتی العربیه مستقر در عربستان سعودی گفت که درخواست کاهش تولید بر اساس نشانه هایی مبنی بر وقوع یک رکود جهانی است.

بیانیه اولیه بودجه عربستان سعودی سرنخ هایی از چشم انداز پادشاهی دارد. اقتصاددانان بانک سرمایه گذاری الراجی کاپیتال عربستان سعودی ماه گذشته گفتند که بر اساس این ارقام، مقامات به نظر می رسد بودجه نفت برنت را حدود ۷۶ دلار در هر بشکه در سال آینده در نظر بگیرند.

این قیمت حدود ۲۰ درصد کمتر از قیمت نفت در هفته جاری است و بسیار بیشتر از آن چیزی که اکثر تحلیل گران انتظار دارند، نزولی است. با در نظر گرفتن این موضوع عربستان سعودی پیش بینی می کند که بودجه سال جاری آن به سختی ۹ میلیارد ریال (۲٫۴ میلیارد دلار) مازاد تولید کند که کمتر از برآورد قبلی است.

عربستان سعودی در مواجهه با انتخاب بین حمایت از اقتصاد جهانی به دستور ایالات متحده و به خطر انداختن اقتصاد خود، خودشان را انتخاب کرده اند. و همچنین سایر دولت های خلیج فارس نیز چنین کاری انجام داده اند.

قدرت های موازنه گر

مقامات خلیج فارس، استدلال می کنند که باید روابط خود را با ایالات متحده و روسیه که تنها در بازارهای انرژی، بلکه در

مرکز همایش‌های بین‌المللی موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

قیمت (ریال)	واحد	شرح خدمات
۹۰/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن خلیج فارس (۴ ساعت)
۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن خلیج فارس (۸ ساعت)
۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن خلیج فارس (۱۲ ساعت)
۳۵/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن هویزه (۴ ساعت)
۴۵/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن هویزه (۸ ساعت)
۵۵/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن هویزه (۱۲ ساعت)
۵۰/۰۰۰/۰۰۰	سانس	سالن آزادگان
۴۰/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	سالن جلسات قصر شیرین
۵۰/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	سالن جلسات اروند
۵۰/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	سالن روباز سوسنگرد
۲۵/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	اتاق تشریفات
۸/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	لابی
۶۵/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	اجاره نمایشگر
۲۰/۰۰۰/۰۰۰	برنامه	رستوران شقایق
۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰	روز	فضای نمایشگاهی قصر شیرین
۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰	روز	فضای نمایشگاهی شهدا
۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰	روز	فضای نمایشگاهی سرو

